

عندليب





عبدالیب

نشریه مجله دینی ایجادیان کامادا بریان فارسی



سال سوم

VOLUME III

شماره یازدهم (من)

NO. 11

بدیع
ابن

تابستان ۱۳۶۳ شمسی

SUMMER 1984

‘ANDALIB

7200 LESLIE STREET, THORNHILL
ONTARIO, CANADA L3T 2A1

حصہ چاپ مخطوطات

فهرست مطالب مندرجہ

صفحہ	
۳	- آثار مبارکہ قلم اعلیٰ
۵	- الواح مبارکہ حضرت عبدالبهاء
۸	- پیامہای بیت العدل اعظم الہی
۹	- مرقومہدا را لانشاء معهداً علیٰ
۱۱	- حقائق گفتگوی از (ر - م - م)
۱۴	- سخنرانی جناب هوشمند فتحا عظیم عفو محترم بیت العدل اعظم
۲۲	- نعیم شاعر زمان ما (از آقای دکتر نصرت اللہ ثابت)
	- تاریخ زرین شہادت
	الف - شرح حال شہید مجید جناب عبدالحسین آزادی (بقلمیکی از نزدیکان ایشان)
۳۱	ب - شرح حال شہید مجید جناب بهروز سنائی (از آقای محمد علی فیضی)
۳۳	- نامہ سرگشا دهیکی از احباب بعد از شہادت خواه هرش
۳۷	- کتاب سبز (اثر شہید مجید حناب دکتر سیروس روشنی)
۴۰	- بقیه خاطرات جناب رحمت اللہ خادم
۴۵	- شرح حال متقاعداللہ جناب نعیم سبحانی (از آقای اخ)
۴۸	- قسمت جوانان
۵۰	پیمان چیست و ثابت بر پیمان کیست (از دکتر جلیل محمودی)
۵۴	- اخبار و بشارات امریکہ
۶۱	- شرح یک سفر پنجم روزه تبلیغی
۶۲	- گزارش سومین کنفرانس انجمن جهانی بھداشت
۶۶	- اخبار مصور
۶۹	- نهمین کنفرانس سالانہ مطالعات بھائی
۷۱	- غرس درخت در روز شہادت حضرت رب اعلیٰ بیان دشیدای ایران
۷۲	- افتتاح اولین مرکز آموزش و تبلیغی یوکان (از خانم پوری بقائی)
۷۷	- یک مسافرت موفق تبلیغی در کانادا
۷۸	- اخبار مصور
۷۹	- نامہای خوانندگان

عکس روی جلد - ساختمان مرکز آموزش و تبلیغی یوکان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سبحان الله اهل عالم امروز از گواهی و آگاهی هر دو محروم شاہده میشود نهایی مظہر امر مشرق
و حی الہی باعلیٰ ہست آمر مقع بٹائیکہ از حلاویت حصاہ دوناہ بہ تسبیح و تقدیس ناطق گشته اند لکن
عباد از آن محروم است شیا کلنا گواہی داده اند بر ظهور و اعداء کلمہ علیا و مانس محبوب دم منوع الامان
شاید آیا در قرون اولی لفظ کرنے یا نہ کرد کہ سبب شہادت اینیا او لیا چه بوده ولیت صعود
عیسیٰ بن مریم بعلت چهارم چکشته و خاتم انبیاء روح مساواه فدا را چرا انکار نمودند و بر سلطنت دم
مطہر شش فتویٰ دادند حسین بن علی رامع امکه کل شہادت میدانند بشیش حراس شد نمودند
باری علمای هر عصر بر عراض قیام نمودند و نقوس ضعیفہ بتایعت آن نقوس از دلیل و بر همان پیش
پوشیدند و پرسیل نران توجه کردند به عمر عالم فی الحقيقة قابل ذکر نیست تاحد رسداں هیل
که زندگانی ایشان بمنابع نیمی است که از بابی داخل شود و از بابی خارج مع ذلک بآن تیکت
جست اند و از دولت بزیوال نعمت باقیه خود را محروم نموده اند طوبی از برای نفسیکہ الیوم بصر حدید^{۱۰}
امر الہی و آپنے ظاہر شده مشاہده لفظ کرناید لیظہ لہ ماکان مستور عن العقول الابصار
لکن ان تشكیل کر لیکن و تقویم علی مافات عنک اذ لہ ولعقار

العطوف الكرم .

نیام حُسْت کیتا

لذ هر زیر یم محمری در پیغمبر عطیشم اینکه مهربانی کرد صفا مشیو عمل بمحبت و
دو آوازه اباد پیغضن و عناصر خراب ای اهل بحبا بر سوی نهای شفق کیکا لوا و جهد نماید
آنوز را تلقی قی عالم امداد زد و آفاق را مزین رخداد فرسیع فردان و حضارت
ترغیع دولت بجهه دست محodon میگشید از سلطوت امرا و اعراض علما همن عیا هظر
پیشید و بعیت حق مطمئن که به حست ان خواه از اشرافت اندوار آهاب غریت افتد
محروم شزاده ز دادست هرستیقی مقام خواه امش پهنه نماید و هر بیان با چه ابرایش مدد
آنکه گردد از تسلیم اعلی جادر شده اینچه که نفاد اور اخذ نماید طوبی زریاب نتویسیده
استعانت شمکند و بدل غایت متشبت اختم اهل البهی آ، قد دکرت اسما
من العتم الاعلى في الصحوة الحسر آ، طوبی للتعین دلیل لغافلین
البهی آ، عدیک من لدی لته رب العالمین .

مہمانی

بلا سطح بار دشیر پور خدا جنگش

۱۰۷

ای پارچانی درین روزگار جام شهادت در دیار زرده سرشار شد جمعی از ابرار آن
سخن پرداخته را در نهایت سرووش نمودند گلوش آهنجک سرووش دادند که مرده پر
بشرتی داد و خبر پرسرتی بجذبید که ای شگان حشمہ حیات پر جو شت دای شماقان
جال جانان در نهایت جلوه و ظهور دای عاشقان بخل معموق بشتابید دای مرغان
حصیقت مغلب شن معانی پرواژنی به دای غریبان بطن اصلی درآید دای مهجان از عالم
حرمان نجات یابید محمدم خلوق تکاه الی گردید دای ما هیان شنه لب بدریابی بی پا ان
درآید چون آن نازمیان این آهنجک شنیده بقرها نگاه عشق دویند و از عالم امکان
بحفه ای لامکان پریند و بقصود خویش رسیدند و
علیک الحمد لله رب العالمین

ع

بلاسطه حناب آقا میرزا محمود نرفقانی

حبت‌ای الهی علیهم بھا آلس‌الابی

ہوئہ

ای نجوم بارغم افق مجت تہے احمد لئے از پرتو شمس حقیقت در خاور و جنگ در خشدا ید و چون سرچ
نو رائیہ در این عالم روشن تابندہ از رشیات سحاب فیض ابدی ہندگل دریجان پر طراوت و لطافتید و از فوضا
نو رحقیقت تابند رخسار مه رویان پر حلاوت و ملاحت در لوح مخطوط امکان آیات باہرہ ید و دررق مشور لامکان
بیانات اپرہ مظاہر آثار تو حیدید و مطلع انوار تفریید جمیع از فیض ابدی آن نوبین با بھسہ و ضیبید و ماندیا
صفی از فیض آفتاب جبان الهی روشن میزیر پس جان دل بکوشید و سعی بمعنی بندول دارید که روز بر در آیه
ولهنا جمان افزودگر داد و انوار حق تابد و جمان آفرینش آرایش تارہ یا بد ای جهانی الهی آن مرتبی پر زانی جمیع
ترمیت الهی پر درش داد و تعالیم آسمانی نعمتیم کرد تا ہر کیت بہشایہ سمعی در مخل عالم شہد انجمن گردیم
بانوار اقطع و انجذاب و عرفان و محبت پر زان مرین شویم و سبب نو رائیت این جمان علمائی گردیم را
تعدیس بر افزایم و نفحات مدرس تشریکیم جنود بجات شویم و سبب حیات کائنات گردیم آن شجرہ
نبادر که بر ما سایه افکش د آن عنقای مشرق احديت ما در ظل جناح خویش در آورد و بعنایت دمو
زاید الوصف ترمیت نمود آیا میرزا دار است که بعد از پردازش سجمان پہمان دمی آسایش و راحت جو تم دیا

سرپالین سکون و استراحت گذاشتم لاوته این سه اوامیت ولایت بندۀ وفادار نه بلکه مقصصی
 آنست که بخوبی خود را فراموش کنم و از راحت و آسایش و رفاهیت ولذت و نعمت اینجانان فانی
 چشم پوشم بخوبی گرفتار او گردیدم جانفشانی کنم و در قربانی عشق قربانی آزر و نمایم و تانفس آخر
 در بسیش گردن را سزاوار غل و زنجیر بسیم و تسلیم تبع دشمنی شر کنم تا از رو حانیان جهان جاودا نگردم
 و از محسر مان خلوتگاه نیزدان و چون آهگه ارجمندی ریخت راضیه مرضیه
 بگوش رسد رقص کنان و پاکوبان دلف زنان و یا پسری لی
 پسری لی گویان بخلوتگاه آن یار مهریان پرواز متسیم
 و علیکم التحییة والثنا

سع

پیامهای بیت العدل عظیم که بصورت تلکس مخابره شده است

تلکس مورخ ۳ جولای ۱۹۸۴

اخبارنگران کننده جدیدی که از ایران رسیده حاکی است از بدا رزدن جناب نصرت الله وحدت در مشهدیوم ۱۷ جون، و گرفتا ری ۵۱ نفس دیگر آذیاران بنحوی که جمعاً ۷۵۱ لفرا زا حباء اکنون در زندانها بسرمیبرند و عده‌ای از آنان مورد زجر و شکنجه قرار می‌گیرند و بعضی بطوراً خص در معرض خط‌رند ...

بیت العدل اعظم

تلکس مورخ ۵ جولای ۱۹۸۴

در تعقیب تلکس مورخ ۳ جولای وصول خبر تاسف انگیز اعدام جناب احسان الله کثیری در طهران در تاریخ ۲۷ جون ۱۹۸۴ پس از ۱۱ماه زندان اعلام می‌شود .
جناب کثیری ۴۰ سال داشتند . جسد شهید سعید بدون اطلاع منسوبین و انجام تشریفات بهائی
بوسیله ما مورین مدفون گردیده است . . .

بیت العدل اعظم

تلکس مورخ ۱۲ آگوست ۱۹۸۴

جناب منوچهر روحی ، دا روسا زموردا حترا م ۵۲ ساله ، پس ازیازده ماه زندانی در ۱۶ آگوست در بجنورد خراسان بوسیله جوخه آتش اعدام و تما مایملک ایشان مصادره شده است و جان بیست و پنج تن از ایاران دیگر که در تقاطع مختلف کشور زندانی میباشند براثر صدور حکم اعدام شان در تاریخ ۱۰ آگوست ، شدیداً در محا طره است .

بیت العدل اعظم

مرقومه دارالاٽش موحده علیه خطاب بکی از محفل روحانیه

نقل از «های پوینتز» نشریه مخلص روحانی تئی بھائی کانادا

مرقومه ذیل که از طرف ارالانشاء بیت العدل اعظم الہی خطاب
بیکی از محافل مقدسہ روحانیہ اروپا صادر و در نشریہ های
پوینتز محفوظ مقدس روحانی ملی بھائیان کانادا
درج گردیده برای استحضار دوستان راستان مهدا مرالله
و خوانندگان ارجمند عندلیب ترجمہ گردیده است:

بیت العدل اعظم مرکز جهانی بھائی

دوستان عزیز بھائی
در چند قرن گذشته قاره اروپا بطرز وحشتناکی از تضییقات و تضاذهای ناشی از اختلافات مذهبی
و تعصب که نتیجه آن طفیان علیه مذهب بوده رنج برده است. بسیاری از اروپائیان در انعام
احکام الہی دچار شک و تردید گشته، خود را خوا روخیف دانسته و از بحث مسائل و معتبر شناختن
قدرت دین اکراہ دارند.

این روگردانی از مذهب بوسیله توسعه ماده پرستی شدیداً تقویت و حاصل آن ترکیبی از رفاه
جسمانی و بی حاصلی روحانی گردیده که نتایج فاجعه آمیزی از نظر اجتماعی و روانی بر توده
مردم بجا گذاشته است.

ایجاد چنین محیط فکری و هیجانی از دو طریق برای جامعه بھائی مسائلی بوجود می آورد. اثر
آن روی قسمت اعظمی از جامعه غیر بھائی این مشکل را برای بھائیان تولید می کند که ابلاغ
پیام الہی را با آنان مشکل می سازد. تاثیر آن روی بھائیان حساس تراست ولی مضار آنهم
بمراتب بیشتر: اگر هوشیارانه با آن مبارزه نشود میتواند پیروان امرالله را بر ای هدایت
نماید که تکالیف روحانیه ای را که سرچشمها ای برای نیروی روحانی و غذای روح آنها محسوب
میگردد فراموش کند.

حضرت بھاء اللہ در آثار مبارکہ خود به نحور وشنی شرایط رشد روحانی ما را بیان فرموده اند
و این شرایط بوسیله حضرت عبدالبھاء در خطابات والواح مبارکہ مکرر در مکررتا کید شده است.
میتوان آنها را بشرح ذیل خلاصه کرد:

- ۱- اجرای فرضیه نما زبان قلب پاک و توجه کامل در هر روز
- ۲- تلاوت مرتب و منظم آثار مبارکہ مخصوصاً لااقل هر صبح و هر شام با حالت خضوع و توجه کامل
- ۳- تفکر و تعمق تواند با تذکر در تعالیم مبارکہ برای درک عمیق ترواج رای با علاقه بیشتر
و بالغ صحیح تر آنها بدیگران.

۴- اهتما مروزانه تاروش و رفتار ما هرچه بیشتر با بالاترین معیاری که در تعالیم مبارکه مقرر گردیده منطبق گردد.

۵- تبلیغ امرالله

ع- اجتناب از خودخواهی در خدمات و در فعالیت‌های امری و انجام شغل و حرفه خود. این نکات به بیان دیگر توسط مشاورین بدوستان اروپا ابلاغ گردیده است. اما بیت العدل اعظم مایل است درباره آنها تا کید بیشتری نماید چه که اعمال این نکات را وصول بروحانیت واقعی را مدرآش رمظهر ظهور برای این عصر بیان گردیده نشان میدهد.

قابل توجه است که اساس روحانی مبادرت بدعاه و تفکرتا چه خصوصی و شخصی است، شک نیست بهائیان جلساتی برای دعا دارند، از قبیل مشرق الاذکاریا ضیافت نوزده روزه امانما زروزانه برای اقامه مدراتا طلاق خلوت نازل گردیده نه بشکل دسته جمعی. حضرت عبدالبهاء در خطابات مبارکه خود دعا و مناجات را "مکالمه با خدا" دانسته و درباره تفکر میفرمایند: "هنگامیکه شما به تفکرمیپردازید شما با روح خودتان صحبت میکنید در این حالت از تفکر شما از روح خود سؤوال میکنید و روح بشما جواب میدهد. نور میدرخشد و حقیقت عیان میگردد". ترجمه البته امور دیگری وجود دارد که شخص میتواند اینجا مدهدت موجب ازدیاد روحانیت شود. فی المثل حضرت بهاء الله هیچگونه روشی برای تفکربیان نفرموده اند و افراد احباب آزادند که آنچه مایلند در این مورد مجری دارند مشروط بزاینکه با تعالیم الهی موافقت داشته باشد. ولی این نوع فعالیت‌ها کا ملا شخصی است و در تحت هیچ شرایطی نباشد اعمالی که از نظر حضرت بهاء الله دارای اهمیت اساسی برای ترقی روحانی ما شناخته شده اند آمیخته گردد.

بعضی از مومنین ممکن است دریا بندیرای آنها مفید است که یک نوع خاصی از تفکر را تعقیب نمایند و کمالاً هم ممکن است که چنین عمل نمایند. ولی این روش نباشد در مدارس تابستانه بهائی تعلیم شودیا در یکی از جلسات مدرسه اجرا گردد. زیرا این روش اگر برای بعضی جالب باشد ممکن است در دیگران ایجاد تنفر نماید. این روشها هیچ رتباطی با امرالله نداشته باشد که ملاجدانگا هدا شته شود تا جوینده سرگردان نگردد. بیت العدل اعظم اطمینان دارد که اگر مومنین سراسرا روضا آگاهانه سعی دارند که روحانیت خویش را با شش طریقی که در فوق مذکور شد افزایش دهند و در اعماق وجودشان واقع شوند که آنها در تما مخدما تشاں جزو سیمه ای برای اثبات قدرت خدا وندی نیستند میتوانند قلوب هموطنان خود را جذب نمایند و در فضای نامطبوع ماده پرستی که حجا بی بر دیده هموطنان آنها کشیده نفوذ نمایند.

کوشش - فعالیت، وحدت و اطمینان بلا نقطاع بقدرت حضرت بهاء الله بلا تردید برکلیه موانع غالب خواهد شد.

با تحيات محبت آمیز بهائی
دارالانشاء بیت العدل اعظم

حقایق گفتن

بیان م-رم

وارده بريا ران ايران برای اعلان مرحضرت
رحمن فرا هم میشود با یدبا فدا کاری به بذل
مساعی تبلیغی پرداخت، با شدکه درا ین
قیا مو اقدا مپیا معاشق و محبت ویگانگی
روحانی ما به آن عزیزان باشد... الخا نتهی
در
نکات بدیعه مذکوره درا ین پیا م مسئولیتم را
قبال اقدا مبا مرخطیر و مهم تبلیغ صدقندان
میسا زد زیرا تصریحا بیان فرموده اند که:
ا لاخروج ا مرا ز مرحله مجھولیت نتیجه و ثمره
استقامت بی باک و سرمشق آ میزیا ران
ایران بوده است.

ثانیا پیشرفت‌های بی ساقه که در تبلیغ
ام راله و ابلاغ و اعلان پیا مجا نیخش حضرت
بهاء اللہ حاصل شده درا شر مصیبات وارد
بریا ران ایران بوده است.

ثالثا - این پیشرفت‌ها که در انتشار ا م راله
نصیب جا معه بھائی شده تسلای قلوب بیاران
ست مدیده ایران و ا میدواری ایشان نیز
گردیده است، " در چنین شرایط و احوالی
نمیتوانیم آن بیاران عزیزان را ا میدسا زیم"
رابعا - موقع را با ید مقتنم شمرده و ا زهر
فرصتی که در اثر تضیقات و اضطهادات وارد
بریا ران ایران بدست می‌آید حدا کثرا استفاده
را در اعلان ا م رحضرت رحمان و تبلیغ ا م راله
نمود زیرا این قیا مو اقدا م بذل مساعی
تبلیغی حاصل پیا معاشق و محبت ویگانگی
روحانی ما به آن عزیزان است.

یاران عزیز:

همه میدانیم که دوستان و بیاران نزدیک‌تر
از خویشان ما در ایران ا مروز دچار بلایای
لاتحصی گشته اند و با زهم میدانیم که پایداری

یاران عزیز الهی
شما عزیزان قطعیا مسلمان پیا م منبع رضوان
۸۴ بیت العدل اعظم الهی خطاب بقا طبیه
یاران در سراسر جهان را که در شماره ده م
مجله عنديلیب صفحه ۱۶ مندرج است با دقت کامل
مطالعه فرموده و بخاطر سپرده ایدکه معهداً على
با بیانی شیرین و لطیف وظیفه تبلیغ ا م رالله
را مجدد گوشزدیا ران حضرت رحمان در سراسر
جهان نموده و جمیع را تشویق و ترغیب با ین
ام رمه و خطیر فرموده اند من گفته نما ندر
پیا م مزبور بعلت و قوع حوات اخیره ایران
توجه بیاران را بنکاتی بدیع معطوف داشته اند
از آنجائیکه بیان شیرین حق هر قدر تکرار
شود بقول معروف باز هم "نا مکررا است" لذا
توجه بیان ا م رحضرت بهاء اللہ را به قسمتی
از آن پیا م دلنشیں که نفعش بعما ملین راجع
و عالم ا مکان رانیزدا روئی نافع است جلب
مینما ئیم:

" استقامت بی باک و سرمشق آ میزاین بیاران
مهر بیان سبب عمده خروج ا م رحضرت یزدان از
مرحله مجھولیت بوده است و پیشرفت‌های
بی ساقه که بر اثر مصیبات وارد بیاران در
تبلیغ ا م راله و ابلاغ و اعلان پیا م الهی
بدنیائی که بشدت بیان ز مندیروی شفا بخش
آنست حاصل شده ما بیه تسلای قلوب محترقه آن
یاران ممتحن است بیان خاطراست که آن
عزیزان به اعلی درجه خدمت که نثار جان در ره
جانان است قیا م کرده اند "وظیفه ما کاما ملا
روشن است" در چنین شرایط و احوالی
نمیتوانیم آن بیاران عزیزان را ا میدسا زیم
در پی هر فرصتی که در اثر اضطهادات و مصیبات

ابراز تاثر و تحسر نیست اندوه بیگناهان در بندافتاده خوردن، لازمه انسانیت و شیم مرضیه مردان خدا است، هر کس که اطلاق لفظ بشربتوان برآ نمودوا زبینش بودن بر کنار باشد البته از ظلم و ستم بر بیگناهان متا شرمیگرد دخواه بهائی باشدیان باشد.

چنانکه عالم وجوداً زاین مظلوم متا شرگردیده و ابراز همدردی که از جوامع مختلفه غیر بهائی در عالم بظهور رسیده و میرسد را ثره می‌نماییم تاثرات عمیقه است.

منصفانه با یاد آذان نمائیم که ما اهل بهای درقبال خدمات یاران ایران و ظائف دیگر هم بجز انسانی غم در بغل گرفتن و اندوه خورد داریم و آن وظائف را معهداً اعلیٰ بصراحت هرچه تما متر در پیا منبع رضوان بیان فرموده اندوه اهم آنها بذل مساعی تبلیغی است، زیرا بذل مساعی جمیله تبلیغی است که یاران ایران را میدوازیم سازده قلوب محترقه شان را تسلی میدهد بعلاوه پیا م محبت و عشق ویگانگی روحانی مابه آن یاران و یاران امرالله در آثار مبارکه والواح الہیه تبلیغ امرالله یکی از مهمترین فرائض اهل بیان شده است و شما دوستان آثار والواح مبارکه را کرا را زیارت فرموده ایدانشاء اللئدر موقع مقتضی باز هم منتخباتی از بیانات متعالیه الہیه را در این زمینه در عنده لیب زیارت خواهید فرمود، لکن آنچه در این عرائض منظور نظر است آنکه علاوه بر جمیع مواهب و عنایاتی که در ال الواح شتی بنا شرین نفحات و مبلغین و قائمین بخدمات تبلیغی مبدول گشته، حال نکته دیگری هم بندان اضافه شده است و آن دیده انتظار احبابی ستم دیده ممتحن و مظلوم ایران است تا ببینند در دیدی را زادجهان دوستانشان پاس خدمات آنرا تا چه حد نگهداشته و چگونه مردانه در میدان تبلیغ گام مینهند و در نشر

واستقامت این نفوس نفیسه مقدسه اعم از مردان وزنان و اطفال اعجائب عالمی را برانگیخته بقسمی که اکثر نقاط عالم بواسطه رسانه های خبری از جریان امرالله در ایران و بلایای واردہ بیران مستحضر شده و نیام جميل شهدای اخیراً مردربین ناس مشتهر گشته است.

واز طرف دیگر بر طبق نصوص متعالیه نیز مطمئنیم که مقام و منزلت شهداً این ظهور و نفوسي که در امرالله دچار پیاس و ضرر شده اند عنده الله تا چه پایه است " با وجود جمیع این مراتب هر هنگام میشویم و یا با خبر میشویم که یکی از احباب در بندگرفتا رشده و یا دوستی از دوستان الہی کا س شهادت را لاجر عه نوشیده و در ملکوت الہی زنده جا ویدشده است آنچنان دچار غم و اندوه بی پایان میشویم که حدو حصری بر آن تصویر نتوان نمود. روزهای چندی اندوه و تلخکا می گذراند و شبانگاهان با چشمانتی تروقلویی شکسته در نهایت خلوص توجه " بملکوت غیب جبروت الہی نموده " و مناجات مینماییم قولہ العزیز:

..... الى متى يا الہنا هذا الظلم والطغيان
الى متى هذا الجور والعدوان هل لنا من
ما من الا نلت ، لا وحضره رحمة نیتك انت
مجيرا المضطربين انت سمیع دعاء الملھوفین
ادرکنا بفضلک يا ربنا الابھی ولاتخیب آمالنا
يا مقصود العالمین وارحم الراحمین ،
بنده آستا نش شوقی

لكن در چنین حالات روحانی هم کمتر ان دیدیشید که آن نفوس مقدسه و عاشقان جان باخته که گردنهای مبارک خویش را لائق کمندد و سمت بی همتا نموده اند و با ایثار مال و نثار جان و بذل هستی خویش مراتب خلوص و انقطاع و عشق خود را ظاهر و روشن بست فرموده اند از ماتوقع و انتظاری همدا رند توقع و انتظار آنان تنها

نفحات مشکبا رالهیه و خدمت در میا دین هجرت و تقدیم تبرعات کربما نه و سائر خدمات امریمه
بیش از پیش ساعی و جاهدند.

در این زمان انتظار شهداء امر و بھائیان مظلوم گرفتا رایران از ما فقط خدمت امرالله در
جمعی شئون خاصه تبلیغ است و بس :

زیرا قطرا خونهاي پاک كه در ایران بنا حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلى ریخته شده موجب
ظهور استعدا درك حقیقت گشته و گوشهاي بسیاری از مردمان پاک و بی آلايش گیتی را ۲۰ ملاده
استماع پیا مجانب خش الهی نموده است .

دیگرسته به همت و حمیت احباب الهی است که چگونه و تا چه حد فعالیت خود را گسترش داده و واسطه
ابلاغ این فیض آسمانی شوند " وندای جانفزا ربانی " را بگوش عالمیان برسانند .

مسلم است که ورود در این میدان موجب جلب تائید و عنایات جمال ابهی گردد .

دستدار شما عزیزان

(اعلان همشتم)

طبق دستور مورخ ۲۱ جولای ۱۴۸۴ به عمل اعظم الٰی آمدسته که این همشتم
که به طبقی عکسها یا مطالعی متنداز اطلع تفصیلت دارد صد هشت بر احباب ایران
و خستیدار و کند لز نظر همیشی در بخار آن مخدود گرد آنها لارا آیا تو سط محل رویی
 محل قائمت خوبه ارض امتس ارسال فرته .

ترجمه تختیز:

سخنرانی جناب ہوشمند فتح عظیم عضو محترم بیوی العدل عظم الکاظمی در جماعتی از رایان بھائی کانادا

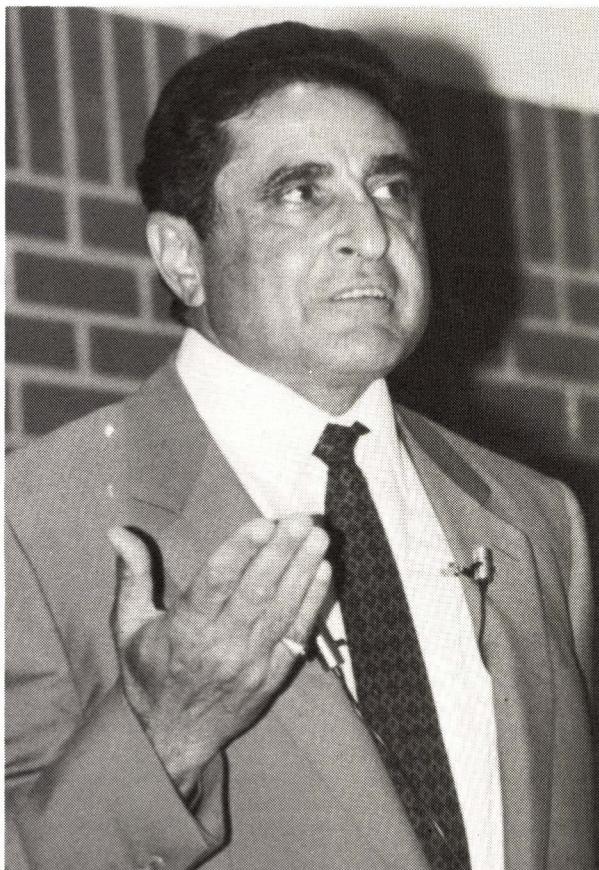
(جولای ۱۹۸۴)

چگونه در غل وزنجیرشدن جمال مبارک در سیاھjal طهران سرآغا زظهورا مر مبارکش شدو چگونه سرگونی هیکل اقدس به عراق با ب اظهرا مر حضرتش را گشود و براین قیاس امثله و شواهد بسیار میتوان ارائه داد . امروز امراللهی در جهان از اشتها ربی اساقه ای بر خوردا رگشته و مرحله مجهولیت را پشت سرگذاشته است شک نیست اگر بخاطر جانبازیها و فدائکاریها نبود چنین عملی امکان پذیر نمیشد و بسیار رجل ایشان مرحله میکنیم با ردیگرتا ریخت کرا رشد و یارا عزیز مهدا امرالله این جانبازیها را پذیر فته و تاج افتخار بدی ، عطیه حضرت بهاءالله را برسنند این داده اندتا آنکه امر مقدسش را از مرحله مجهولیت خارج سازند . من لازم نمیدا این بحث را ادا مدهم زیرا کشور کانادا با ر دگر در صفحه مقدم آن جو معبهای قرار گرفته است که چنین شهرت و شناخت جهانی را از امراللهی ممکن ساخته و موجبات اعتلای علمش را فراهم آورده و ندایش را با حسن وجه بگوش قریب و بعید رسانده اند .

حال که باین مرحله رسیده ایم ، همه میدانیم و با ییدا نیم که مسئولیت‌ها یمان چند برابر گشته است . این مسئولیت‌ها آنقدر جدی و حساس است که ممکن است بقدرت کافی بان توجه نکنیم و از این فرصتی که حضرت پروردگار ب مدفدا کاریهای خواه ران و برادران محبوب درایران برا یمان آماده

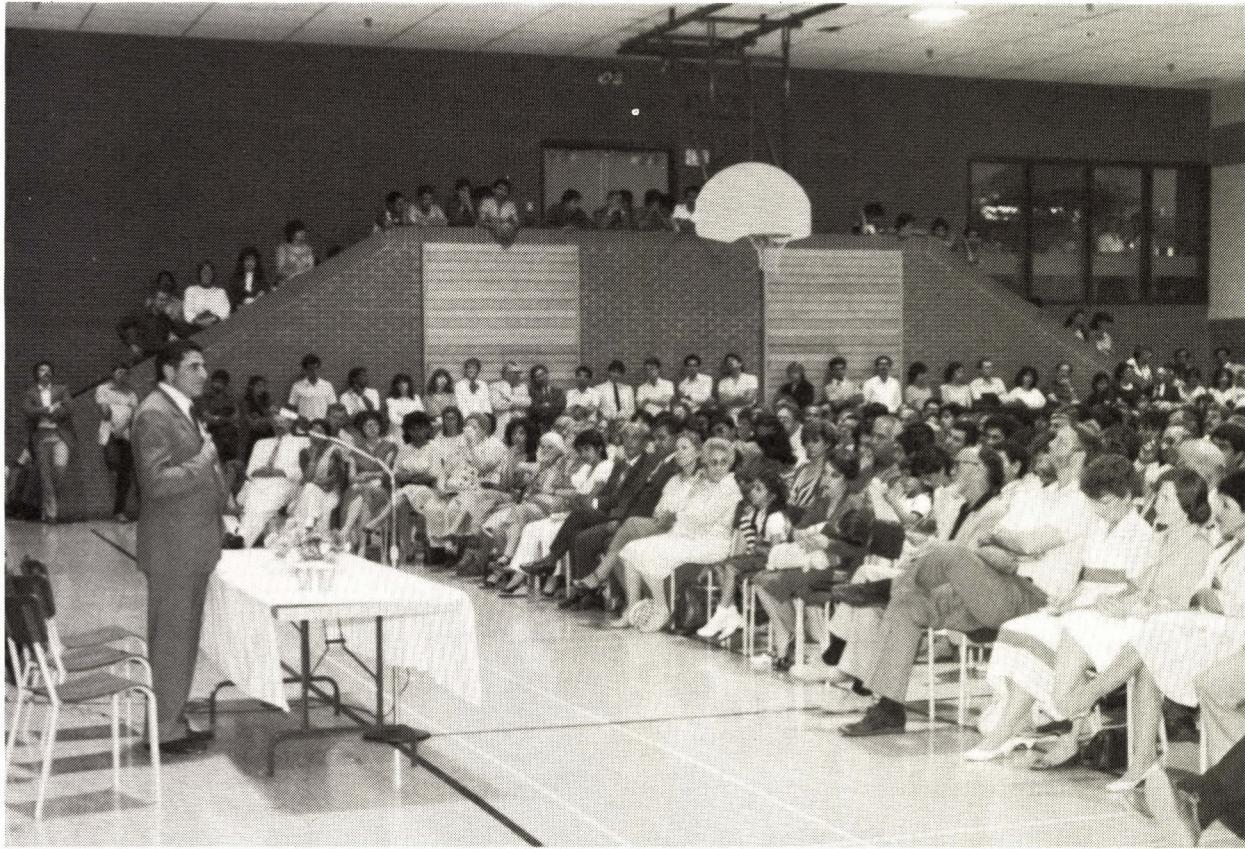
الله ابھی دوستان :
لابد شنیده اید که بعضی اوقات عشق و محبت
قدرت بیان را از انسان سلب میکنند و مروز
یکی از آن ایام است که چنین افتخاری نصیب
من شده است که با شما عزیزان ملاقات و گفتگو
نمایم . با ییدا نید که ارتباط احبای
کانادا با ارض اقدس در حد عالی است و من
لازم نمیدانم خدمتی را که رجال و نسای این نزد
سرزمین به مرکز جهانی امرالله عرضه داشته
بر شرم ، همینقدر کافی است اشاره شود که
قبه ذهبیه مقام مقدس اعلی در کوه کرمل
شاھدی است در خشان از خدمتی که توسط یکی
از فرزندان این آب و خاک تقدیم آن آستان
شده است . کانادا در نیمکره غربی تنها کشوری
است که در سینه اش مکانی مقدس وجود دارد .
شما کسانی هستید که در زمان حاضر در میا دین
و صحته های بین المللی ، ابواب خدمت به
امراللهی را بر روی جوامع بسیاری گشوده اید
لذا برای من نهایت افتخار است که توانستم
بیا یم و شما را زیارت کنم و چنین فرست غیر
منتظره ای در گفتگوی با شما داشته باشم .

دوستان عزیز : امراللهی بسیاری از مرا حل
وعہود را پشت سرگذاشتند ولی هر مرحله و عهد
در تاریخ امره همواره مشحون از فدائکاریهای
واز خود گذشتگیهای یاران عزیز بوده است .
ما با سبک و لحن حضرت ولی عزیزا امرالله در
آثار توقيعات مبارک آشنائی داریم و
فی المثل میدانیم توصیف فرموده اند که



سا خته بهره لازم برنگیریم . اکنون چشم
جهانیا ن به جوا مع بھائی دوخته شده است و
اگر ما این مرحله را بگذا ریم و بگذریم فکر
میکنم که در قبال فدا کا ریها و از جان
گذشتگیهای نفووس مقدسی که راه را چنین
برا یمان هموار ساخته اند، شرط وفا بجای
نیا ورده باشیم .

دوستان عزیز بخوبی واقفندکه ابلاغ و اعلان
عمومی امر با یدهموا ره با تبلیغ فردی
همراه با شدو گرنده چندان مثمر ثمر نخواهد
بود . هر کدام از ما در حده دستجا ربی از این
با بت داشته و داریم . از طریق جلسات عمومی
و درج مطالب و مقالات در جرائد و مجلات انتشار
عموم را متوجه ام را الهی ساخته ایم و برای العین
مشا هده کرده ایم چنان چه تبلیغ فردی بمدد
این اعلان های عمومی نیا مده باشد تا یجی
مطلوب بدست نیا ورها یم . بیت العدل
اعظم بسیا رمشعوف شدند وقتی مستحضر



دا ریدیه تبلیغ ا مردم پردازید. راستی چه خدمت بزرگ وا متیا ز عظیمی است برای کسانی که به سمت مساعداعضای هیاتهای معاونت منتخب میشوند. این مساعدت در حقیقت معاوضت ا مرحضرت بهاءالله است و همه مامیتوانیم با اقدام به تبلیغ ا مرالله به این مقام نائل شویم. اگر ما تبلیغ نکنیم، متأسفم بگویم، شروع به غیبت خواهیم کرد و درجا معه خودها ن به انتقاد از اعمال و رفتار یا ران خواهیم گشود و مشکل از اینجا شروع نی خواهد شد. بعضی اوقات جلسات محفل روحانی و یا ضیافت نوزده روزه چندان جالب و جاذب نیست زیرا اگر تبلیغ نکنیم مطلبی برای اظهار روا رائهندا ریم و ناگزیر جلسات فاقد روح خواهد بود.

حضرت ولی عزیزا مرالله بوضوح هدف اساسی از تشکیلات بهائی را فراهم ساختن موجبات تبلیغ ا مرالله قلمداد میفرمایند. در اینجا با یاد از خود بپرسیم آیا براستی ما این وسیله هدایت الهی یعنی تشکیلات بهائی را در جهت پیشرفت و توسعه ا مردم برم حضرت بهاءالله بکار میبریم؟ متسافانه با یاد اذعان کرد که همیشه چنین نیست. یک جلسه ضیافت را بنظر آورید که در آن تمام اعضاء درباره اتفاقات و خبرهای خوشی که طی ما هدشتی در زمینه تبلیغ دوستان و همسایکان پیش آمده صحبت کنند. ببینید چقدر ما یه سرور و انبساط همه خواهد بود. واقعابه معجزه میماند وقتی که شخصی قدم اول را در این راه بردا رد و بعد مثلا هده کند چطور تائیدات الهیه پیاپی یا رومدد کارا و است. ولی متسافانه همیشه جلسات ضیافت ما نظیرا ینکه ذکر کردیم نیست. غالبا جلسات ما را اخبار و متحدا المالمای بدون روح پر میکنند و مطلبی اساسی برای اظهار ندا ریم که از استماع ش واقعا مشعوف گردیم. نتیجه این میشود که

گردیدند که یکی از هدفهای مرحله یا یانی نقشه هفت ساله که توسط محفل مقدس روحانی ملی بهائیان کانادا در نظر گرفته شده است از دیا دبی ساقه عدد مقبلین جدید در این کشور میباشد. این هدف یعنی اقدام جدی به تبلیغ فردی. مادر آثار مبارکه میخوانیم که حضرت عبدالبهاء روح ما سواه فداه بطور خیلی صریح فرموده اند چنانچه احباب دو وظیفه اساسی را نسبت به امرالله انجام ندهند تائیدات الهیه از ایشان قطع خواهد شد. در یک جاتا کید میفرمایند چنانچه وحدت در میانماں نباشد نباشد انتظار تائیدات الهیه را داشته باشیم زیرا با عدم اتحاد در میان خود به امر حضرت بهاءالله خیانت کرده ایم چه که هدف و مقصدهای انت بهائی وحدت عالم انسانی است و کیست نداند که وحدت بدون اتحاد ایجاد نخواهد شد. دو مین وظیفه که مورده تائید شدید مبارک واقع شده ای نیست که اگر یک جامعه بهائی تبلیغ نکنند تائیدات الهیه ازان جا سلب خواهد شد.

اینها حقا یقینی است واضح و غیرقابل انکار من اطمینان دارم که همه ما فردا فردا این تجربه را داریم خصوصا ما که در مرکز جهانی قائم بخدمت هستیم و بر اثر ارتباطات وسیعی که با مالک و مراکز مختلف عالم داریم، این تجربه را حتی بیشتر تحصیل و لمس کرده ایم که وقتی در یک جامعه بهائی عدم وحدت و یگانگی و مشکلاتی از این قبیل وجود داشته باشد مطمئناً جامعه، جامعه قائمین با مر تبلیغ نیست. در تبلیغ همه متحدیم، در تبلیغ امرالله همیشه ما دست بدست هم میدهیم زیرا بسیار جالب و پرهیجان است که ملاحظه کنیم این هدایت الهی بواسطه ما به شخص دیگری رسیده است. یک نکته مهم را بخاطر داشته باشیم که حضرت بهاءالله جل اسمه الاعلى با این مضمون میفرمایند که اگر قصد خدمت مرا

حرارت رالقب "اقیانوس یخ" داده بودیم و معتقد بودیم که هیچ چیز نمیتواند آنرا ذوب کند بفتا آنچه قرا ربو داتفاق افتدا تفاق افتاد من خوب بخاطر دارم وقتی که اتفاق افتاد دستخوش هیجان فراوان شده بودیم. در سال ۱۹۶۳ که دراولین کانونشن بین المللی شرکت کردیم منشی محفل روحانی ملی انگلستان از من پرسید: "احساس شما در باره تبلیغ جمعی چیست؟" (ایشان اصطلاح Mass Conversion را بکار برده که اصطلاح صحیح نیست و بهتر است از عنوان Mass Teaching استفاده شود) وجواب من به سادگی این بود: توفیق درخشان ولی مصیبت بار" درخشان بود از اینکه تعداد بیشماری با مراقبال میکردند و مصیبت بار را آن بابت که نمیدانستیم با این عده مقبلین جدید چه با یاد کرد. شاید روزها میگذشت و نمیدانستیم برآنها چه میگذرد. من دارم کوشش میکنم بعضی از تجارب خود را که در آنجا بدست آورده ام برای شما بیان کنم و اطمینان دارم نظری آن میتواند در این کشورها هر نقطه دیگری از جهان مصادق پیدا کند. وقتی خوب مسئله را تجزیه و تحلیل میکنیم با این نتیجه میرسیم که بهایان چند نسل گذشته که در اینجا دو توسعه و تکامل تشكیلات و اداره امر بهائی دست اندرا که بوده اند برای خودشان ناخودآگاهیک مفهوم نادرستی ساخته و پرداخته بودند که بزعم ایشان امرالله بوسیله کسانی شناخته و درک میشود که میزانی از وسائل و امکانات ما دی در احتیا را داشته باشد از قبیل اینکه به مدرسه و دانشگاه رفته باشند و بتوانند بخوانند و بتویسند ولهم این دانسته دارای طرز تفکر و برداشت با اصطلاح "طبقه متوسط" بودند این مشکلی بود که ما در هندوستان ابتداء با آن مواجه بودیم با این معنی که از میان ابناء بشر فقط به تعداد قلیلی از مردم روی میاورد.

بتدریج به ساعتها نگاه کنیم و احتماً لادچار خمیا زه هم بشویم. چرا؟ زیرا مطلبی نداریم بهم بگوئیم.

یاران عزیز: یک شکایت عمومی و رائج نه تنها در این کشور بلکه در تما منقاً طجها ن این است که اکثر میگویند "هر چه در قوه داریم بکار میبریم ولی نتیجه‌ای عاید نمیشود."

یا اینکه "ما برای تبلیغ خودمان راه لامیکنیم ولی نتیجه‌ای نمیگیریم." آنگاه شروع میشود به اینکه عنا وین و محملاً هائی غیر دوست‌اند بدیگران بچسبانیم از قبیل اینکه "این مردم خیلی مادی هستند" "درک ندارند" "سردهستند" و احتمالاً "خیلی گرم میباشد" و امثال آن ولی هیچ وقت نمی‌کوشیم خودمان را سرزنش کنیم و تقصیر را بگردن خودگیریم. از هدف اصلی خود دور شدم. غرض من بیشتر این بود که خدمت شما بر سرمه و عرض کنم که شما تا چه حد در قلب ما که در ارض اقدس هستیم جما دارید و شما را واقعاً دوست میداریم ولی اکنون در موقعیتی قرار گرفته‌ایم که فرار از آن مقدور نیست لهذا به سخنان خود دادمه میدهم. ۱ مرزو ز در جمعی با دوستان صحبت میداشتیم یک تفراز آنا ن در با راه اقبال هزاران هزارا ز مردم هندوستان مرکزی با مر الی درنا حیه ما دیا پرا دش سوال میکرد و من که قصددا شتم در این باره توضیح دقیق بدهم ناگزیر شدم به سالهای قبل از ۱۹۶۵

برگردم بدنیست بداینید در هندوستان که حالیه بیشترین جمعیت بهائی را در دنیا دارد درست در آن سال یعنی ۱۹۶۰ فقط ۱۵۵ خانواده بهائی در سراسر کشور وجود داشت و همچنین ۷۵۰ نفر هم در حرکت بودند که از ۴۰۰ نفر شان اصلاحی بری نداشتیم که کجا هستند و آثاری از آن بدهست نیا وردیم ولی همینطور تبلیغ میکردیم و یا بهتر بگوییم خیال میکردیم که تبلیغ میکنیم و نتیجه‌ای عاید نمیشود. عکس العمل ما چه بود؟ کشوری با آن درجه

مانعه لجمع اندیخت العدل اعظم الہی به پیروی از منویات و دستورات حضرت ولی عزیزا مزاللہ مقرر فرموده ان دکھا باید بہ تما طبقات جا معهدست یا بید . بعضی اوقات فقط به طبقه خاصی ناظر میشویم بدون ان که به سایر طبقات عنایت و توجه نمائیم . این صحیح نیست با یدبہ تما طبقات و گروهها دست یافت و همه را یکسان مدنظر گرفت .

دوم - بتصور اینکه دیانت حضرت بهاء اللہ آنقدر عظیم است که در تبلیغ آن نیز با یدخیلی موشکاف با شیم ، با شباه کوشش میکردیم از افرادی که اسم و رسمی داشته و مثلاً داشنگاهی و صاحب مقام و عنوان بوده اند برای امر تبلیغ و سخنرانی استفاده نمائیم . متاسفانه این افراد هم آنقدر در سطح با لاصحت میکردند که شنوندگان معمولی از مطالب آنها چیزی دستگیرشان نمیشد . ناگهان متوجه شدیم همانگونه که حضرت ولی امرالله سفارش میفرما یندیبا یستی روش تبلیغی حضرت مولی الوری را سرمشق قرار داده بیم درست بهمان سبک و شیوه ای که حضرتش در مغرب زمین انجام میدادند . بسیار ساده است خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء را مطالعه فرمایید مثلاً توجه فرمایید یهی کل مبارک در داشنگاه استانا نفور دچه فرمودند ؟ در حضور افراد بسیار سرشناصی که ناشان در بداعی اآشا رمندرجاست مطالبی در نهایت بساطت و سادگی ایراد میفرما یندیکه من وقتی با توجه با ین نکته آنرا مجدداً زیارت کردم دچار تعجب و بلکه وحشت شدم که چظور در آن مجمع عالی حضرت عبدالبهاء با آن سادگی صحبت فرموده اند . بعد در هندوستان متوجه شدیم که امرالله چیز ساده ای است ما نمیکنم آنرا مشکل جلوه میدهیم . برای روشن شدن موضوع مثالی بزنم : فرض کنید و از حد فرض هم لطفاً تجاوز نفرمایید که از من دعوت شود فی المثل بروم در داشنگاه مک گیل سخنرانی کنم .

با یداقرا رکنم که در آن ایا مدرمخیله من هم خطور نمیکرد که مردم عادی ، مردم با صلاح کوچه و بازار را رحم میتوانند امرا لہی رادرک کنند و هیچگاه نمیدانستیم که دهقان بی سواد قا در است امرا لہی را بشناسد و بآن اقبال کن دلاجرم در آن ایا م فعالیت های تبلیغی ما از این قرار بود که در روز نامه ها اگر کنیم و کسانی را به جلسات تحری حقیقت و تبلیغی دعوت نمائیم که با صلاح خود ما ن "موجہ" باشد . فی المثل در داشنگاه ها اگهی میدادیم . این حدود فعالیت تبلیغی ما بود علاوه بر آن تازه اشتباہ دیگری نیز مرتكب میشدمیم با ین معنی که در این فرصت ها هم که متسافانه مبتدى های خود را بآن صورت انتخاب میکردیم عادت بر آن داشتیم که امر الہی را به صورت یک پدیده خاصی ارائه دهیم و مدارا ره اصولی از دیانت از قبلی صلح عمومی ، تساوی حقوق رجال و نساء هیئت عالی تقنیه محکمه کبری ، تطابق علم و دین و عقل و امثال آن صحبت بدایم . البته شک نیست اینها اصول طلائی آئین الہی بوده و هست ولی در مقابل چه دریافت میکردیم فقط تحسین و تمجید شنوندگان را که چه اصول جالبی است نه اینکه چه دیانت جالبی است لهذا بر اثر تجربه دریافتیم که از باست تبلیغ امرا لہی در هندوستان مرتكب دواست باه شده ایم :

اول اینکه به ذهن ما نرسیده بود همان گونه که حضرت بهاء اللہ فرموده اند عالم بشر مجموعاً نسبت به امر مقدس خود را ذیحّق و ذی سهم میداند و نیز در کتاب مستطاب ایقان با بن مضمون میفرما یندیکسانی که از مظاهر ظهور روی برگرداندیبا شند در پیشگاه امرالله مسئولند . در این باره خوب تأمل فرمائید چگونه ممکن است خدا وندیانا نتی تأسیس فرماید که ما فوق درک و فهم مردم باشد و در عین حال ایشان را مسئول بداند ؟ این دو با هم

ظا هر اول کاری که میباشد بگنماینست که
 برومکتابخانه و یک هفته خود را غرق در
 کتابها و رسائل مختلف نمایم و یادداشت
 بردازی کنم و خصوصاً از فلاسفه و بزرگانی چون
 شوپنهاور، اسپینوزا و کارلایل مطالبی
 استخراج نمایم تا شاید سخنانم جالب و چشمگیر
 باشد. ولی براستی این روشنی نیست که
 حضرت عبدالبهاء آنرا بکاربرده باشد. اشتباه
 نشود قصدم این نیست که بگویم دیانت بهائی
 حاوی مطالبی عالی و در سطوح بسیار بالانیست
 من همیشه یک تمثیل دارم که در این مورد
 بکار میبرم و آن اینست که اگر شما از یک ستاره
 شناس درباره خورشید سؤال کنید یک رشته
 معاذلات ریاضی خواهد نوشته و تحويلات خواهد
 داد، همین سؤال را از یک فیزیکدان بکنید
 مطالب جالبی درباره خورشید توأم با یک سری
 اصطلاحات علمی چون اشعه ماوراء بنفش که
 ساده‌ترین آن خواهد بود بنظرتان خواهد
 رساند. اگر از یک زیست‌شناس سؤال کنید
 در همان سطح درباره عظمت خورشید مطالبی
 ارائه خواهد داد. ولی آیا برای شناخت
 و معرفی خورشید ما معمولاً از این فرمولها
 و اصطلاحات و تکنیک‌ها استفاده میکنیم؟
 منطقی ترین راه اینست که دست شخص
 سائل را بگیریم و ببریم در فضای آزاد خورشید
 را نشانش دهیم و بگوئیم از نور و حرارت شش
 برخوردار شو. این راهی است که باید
 بسادگی و بطور مستقیم و در نهایت اطمینان
 و اعتماد بواسطه آن امراللهی را تبلیغ کنیم
 تا مستمعین و متحربین حقیقت مطالب را بخوبی
 درک نمایند.

مطلب بطورنا خود آگاه بفکر ما خطور کرده و
 شاید هنوز بکنده تصور نمایم برای امراللهی
 ما یه سرشکستگی و تنزل است اگر تعدادی از
 کشاورزان و افراد بیسوادبا مراقبالنما یند
 ولی حضرت بهاءالله چنین نفرموده‌اند
 بدنبیست بخاطر بیبا و ریم که تمدن برگ
 مسیحیت، با تمام مظاہر ما دی باشکوهش مثل
 قصور و کلیساها و معابد و دوساختهای عظیم
 برروی دوش یک ما هی گیریا بر هنره بنا شده
 است که وقتی حرکت میکردیم زننده ما هی
 در فاصله زیادی ازا واستشمام میشدولی او
 صخره‌ای بود که آن تمدن عظیم ببروی آن
 ساخته شد. چرا مانبا یدا زاین صخره‌ها داشته
 باشیم که تمدن بهائی برروی آنها بنا گردد؟
 من در این جلسه دوستان بسیار عزیزی را از
 مهدا امرالله میبینم که شاید بیش از سی چهل
 سال است آنها را زیارت نکرده‌اند در میان
 ایشان دارند مدارج داشگاهی و مقامات
 و موقعیت‌های عالی دیگر زیاد است ولی
 با یدقیول کنیم که ما اکثر فرزندان آن
 کشاورزانی هستیم که با پای بر هنره محصول
 کشت خود را حمل میکردند و منظره زیاد دلچسب
 و جالبی همنداشتند. آری ما فرزندان آن
 مردم هستیم. چه اشکالی در این میبینیم؟
 بعضی ازیاران معتقدند تبلیغ در هندوستان
 کار بسیار ساده‌ای است زیرا نزد هر کس بروید
 و هر مطلبی اظهار بدهید فوراً می‌پذیرد. با این
 دوستان با یاد عرض کنم که این تصوراً شتباه
 است این مردم با امراللهی اقبال می‌کنند زیرا
 حال کلید تبلیغ ایشان یا فته شده است اینان
 معتقد بده آینی هستند که چهار هزار سال سابقه
 دارد و در این مدت طولانی با رها مورده هجوم
 و حمله عوامل خارجی و ادیان و عقاید زیادی
 قرار گرفته و با ز محکم بر جای خود استادهای
 دیانت بودا نتوانست آنها را تسخیر کنند
 مسیحیت نتوانست آنها را از بین بردا سلام
 نیز نتوانست تغییر شان دهد. اینها

خانه و خانواده تشکیل داده و از تامین اجتماعی نصیب داشته باشیم. بعنوان بانی و سازنده داشتن این امتیازات و امثال آن قبل قبول و حتی لازماً است ولی آیا می‌شود تصور آن را کرد که انسان سازنده و بنا کننده با شدوکارش راهنمایی انجام دهد و لی عمل‌چیزی نسازد و بنا نکند؟ هدف آئین بهائی تنها کامیابی فردی نیست دیانت حضرت بهاءالله بزرگتر آن است که ما آنرا صرفًا بخود اختصاص دهیم و مالک مطلق آن باشیم. حضرت بهاءالله در کتاب مستطی اقدس از بهائیان عالم خواسته‌اند آیات الهی را در هر صبح و شام تلاوت کنند تا بدانند هدف از ظهور چه بوده است و تا کید فرموده‌اند که اگر یک آید را با توجه و تذکر و علاقه بخوانند بهتر آنست که کل الواح را بدون تمعن و توان با کمال مطالعه نمایند. شک نیست ما وقتی هدف را شناختیم اقدام به تبلیغ خواهیم کرد تا این بشارت جالب را بسمع همه برسانیم. دراینجا مسئله نشر نفحات الله و تبلیغ امرالله پیش می‌آید. من اطمینان دارم هدفی را که محفل روحانی ملی بهائیان کانادا در مورد افزایش عدد مقبلین جدید طی دو سال پایان نقشه هفت ساله تعیین کرده‌اند هدفی غیر عملی و غیر قابل حصول نیست. تبلیغ امرالله می‌تواند ووجه داشته باشد عمومی و فردی و در هر دو مورد اعمال صحیح واقوال بجا و ارتباط نزدیک و روحیه خدمت به عالم بشر نقش سازنده و تعیین کننده‌ای دارد.

دوستان عزیز؛ آنقدر مردم جهان خصوصاً اهلی غرب، از تمدن غرب رنج برده‌اند که در یک محیط بی تفاوت زندگانی می‌کنند تا کسی مزاحم دیگری نشود ولی در مقابله کسی هم علاقه‌ای به کسی نشان نمیدهد که این در حد خودش صفت و روش پسندیده‌ای نیست بلکه حکایت از یک کمبوددا ردد چرا نباید ماما خود

عقایدشان را برای چهار هزار سال متولی حفظ کرده‌اند. اینها مردمانی خدا پرست هستند. چیزی که در این میان تغییر کرده است و سبب شده که دسته دسته به امرالله بگروند بهم این هستند که روش قبلی خود را تغییر داده‌اند یعنی اهمیت تبلیغ و رای عالم‌نامه را درک کرده‌اند. حالیه بهم این هندوستان عموم طبقات را تبلیغ می‌کنند و در نتیجه جمع‌کثیری به‌ظل امردرمنیا یندو لی باز هستند کسانی که اقبال نمی‌کنند این دیگر تقصیر احباب نیست.

مطلوب دیگر که با یدموردا معاً نظر قرار گیرد اینست که چرا اصلاباً یاداً مرا الهی را تبلیغ کنیم؟ بسیار علاوه‌مندم با این فرموده حضرت بهاءالله دقیقاً توجه فرمائید. هیکل مبارک با این مضمون بیانی دارند که می‌فرمایند من با این جهان نیامده‌ام و دیانت برای این هدف و مقصده بوده است که یک آئین و یک ناویک نظم دیگر به ادیان و انظمه موجود اضافه کنم. حضرت بهاءالله چنین رسالتی نداشتند. همواره دین و سیله‌ای بوده است که از طریق آن انسان به رستگاری فردی نائل می‌شده ولذا فرادبه "دین" روی می‌آوردند که با این وسیله نجات دست یابند و ایمان براستی عالی ترین هدف مردمی بوده که خود را متدين و خدا پرست میدانستند اما در مورد، بهم این چنین نیست. دوستان عزیز دیانی که حضرت بهاءالله یک امپیر هیجان و عظیم است و آن اینکه ما آمدند ایم ملکوت الهی را بر روی زمین مستقر سازیم. "دین" ما تنها بمنظور رستگاری و نجات فردی نیست. برای ما چنین مقدربوده که "بانی" یعنی بنانندگانی شیم بانی خصوصیات ویژه دارد. ما بانیان همنظر هر سازنده و بمناسبت این می‌توانیم و حق آنرا داریم که از آسایش و رفاه ما دی و ظاهری برخوردار بوده

وداستانهایی گفته شده که بیان آنها از حوصله این مجلس خارج است. اکنون حدود ۳۵۰ مدرسه روستائی داریم که در قراء و قصبات قارات خمسه عالم به کارسوا آموزی و نظائر آن اشتغال دارند. توانسته‌ایم سه استگاه فرستنده را دیوئی بهائی تاسیس کنیم و دو استگاه دیگر در دست تکمیل و بهره‌برداری است. بنا بر این دیگر مجھول نیستیم.

ثانیا - همان نظرور که همه میدانیم و تجربه نشان داده است گروههای جوان بیش از دستجات دیگر به ما رخضت بهاء اللہ تعالی می‌کنند. از نظر مقايسه میتوان گفت در نسل ما جوانان بالنسبه کمتر با مراقبال می‌کردند دراین ایام یک روح جستجوگر وجود دارد که شاید مظاہر منفی آنرا با ید در روی آوردن به مواد مخدوشان را کل و انواع فسادناشی از آنها یافت. فرقه‌های نظر را ما کریشنا و هری ن کریشنا بوجود آمدند که این روزها پیر و نشا را در معاشر علومی مشاهده می‌کنید که با وضع و یقینی خاص در حرکت هستند و همچنین در گذشته‌ای نه چندان دور از نوع دیگری از فرق بودند که همگی دلالت از عطش نسل جوان می‌کنند و بهتر است آنها را نسل گمشده خطاب کنیم که نمیدانند چه میخواهند و به کجا می‌روند. نسلی که مایل است همه پیزرا آزمایش کند و بهروزیله‌ای دست یا زدشا یا دگمشده خود را بیا بداین عطش و تجسس نسل جوان بهترین فرصت را بما میدهد که از ماء حیات سیرا بشان کنیم و به پرسشها بیشان پاسخ دهیم و معبد و داعی گمشده را برا بیشان بیا بیم و چه خدمتی اعظم از این خدمت میتوان تصور کرد. متشرکم

را در راه سعادت و مسرت همنوعان خویش شریک و سهیم بدانیم. شک نیست اگرچنان کنیم هر روز دوستان جدیدی خواهیم یافت، دوستانی که به ما اعتماد داشته و بحرفاها بیان گوش فراخواهند داد. وقتی گوش کنند حاضر خواهند شد از جا محبیت بخش که حضرت بهاء اللہ برایشان ریخته اند بیاشا مند. من میخواهم عرض کنم این ایام بلحاظی چند تبلیغ خیلی ساده تر شده است:

اولاً ینكه امر بسیار عظیم و مشهور شده است قبل اما را هم دریف فرق و دستجات مختلف مذهبی میدانستند که وقتی کلمه بهائی بگوششان میخورد برایشان ثقلی بود تا حدی که گاه لازم بود آنرا برایشان هجی کرد. الان امر شهرت عظیمی یافته و موضوع بحث و فحص در هر شهر و نجمن شده و روسای ممالک علمای موجب اعلان و اشتباہ آن گشته‌اند. پارلمان‌ها قوانین و قطعنامه‌های درباره و بنفع آن صادر می‌کنند و در نتیجه ما در حال حاضر از مرحله مجھولیت خارج شده‌ایم و دست بکار را مورمور و جالبی چون فعالیت‌های در زمینه پیشرفت و توسعه در سطح جهانی زده‌ایم. کلمه بهائی دیگر کلمه‌ای نیست که بردوش ما سنگینی کند مانبا یادا زاینکه اظهار کنیم بهائی هستیم شرمیا ابائی داشته باشیم. در آخر ماه اگست تا سوم سپتامبر امسال یک مشرق الاذکار جدید در پیشرفت امراضی در آن منطقه خواهد بود و رئیس مملکت در مراسم آن شرکت خواهد کرد. گواینکه شما آن رئیس مملکت را بخوبی نمی‌شنا سید ولی مردم آن سامان با وی بخوبی آشناشی دارند. این امر حضرت بهاء اللہ است که در مدتی چنین کوتاه شهرت و عظمتی چنین کسب کرده است. مشرق الاذکار رهنه نوز تکمیل نشده است مع ذلك اثر عظیمی برای مور امریه در آن سامان دارد که قابل تصور نیست در این باره آنقدر مطالعه جالبی وجود دارد

ای هنر از هزار آواز درین ریض چه آهنگ آغاز نمودی که طیور حدائق قدس
به وجود طرب آوردی و چنین سازکردی که آواز تحسین گاتف غنی ملبد است
در ظل کلمه الهیه بلوغ رسیدی . ساع

(از آفاقی ذکر نظرت به ثابت)

معکوس، شاعر زمان ما

متن حاضر خلاصه ایست از بررسی قسمتی از آثار روا فکار محمد بن حاج عبدالکریم متخلص به نعیم که در سال ۱۲۷۲ هجری قمری در سده (هما یونشهر فعلی) دیده به جهان گشوده و در سال ۱۳۳۴ هجری قمری با پشت سرگذا ردن تاریخی مشعشع از لحاظ خدمات امری و تحمل بلایا و ستم در سبیل محبوب عالمیان به ملکوت ایمی صعود نموده است.

منظور از این بررسی، مطالعه تاریخ طلوع و افول این ستاره ادب نیست زیرا کم و بیش درا ینموردمطالی در مقدمه کتاب او و همچنین مختصری بقلم خودش و نیز در دیگر تواریخ امرا متعارف برای آیندگان جهت انجام تحقیقات دامنه دارد و در دست باشد موجود است. هدف اصلی اینستکه سیری و لواحم ایلی در آثار رمنظوم این بزرگوار رسموده و از تزدیک با کسیکه فلسفه منطق، حدیث، تاریخ و اسناد را به روانی آب در قالب شعر بیان مینموده، کمی آشنا شویم.

جهت نیل به این منظورا بتدابه آثار شناخته شده و آنچه در دسترس احیای الهی است و در حقیقت همان نیز آئینه تما نمای دانش و عرفان اوست اشاره میگردد:

معروفترین اثر نعیم که در عالم ادب معتبر شناخته شده شامل ۲۶۰ قطعه بصورت ترکیب بند است که هر قطعه شا مل ۹ بیت میباشد. این اثر بنا م "حسن التقویم" یا "حت النعیم" نامیده و در نسخه چاپ دهلي که به سال ۱۱۵ ابديع منتشر شده تحت دو سرفصل يعني "ادله عقلیه" و "ادله نقلیه" تقسیم بندی گردیده است.

اشردیگری که هم در عالم ادب و هم قسمتهای مهمی از آن بین محققین بی نظر ادب ایران شناخته شده "معجم طبها ریه" است

از دیگر آثار و "مجموعه ۲۹ حرف" که پس از تصدیق امر مبارک در زادگاهش سروده و "قصیده نونیه" را میتوان نام برد. همانگونه که اشاره شد شاعر رنیم منحصر باین چند اثر نیست زیرا اشاعر آفریده شده و ازان حوانی با دودوست شاعر خودجنا بان نیرو و سینا که چهره های آشنا ای در تاریخ ادب میریا شد حل سات ادبی داشته و نوآوری های یکدیگر را در بساط مشا و ره و مذاکره قرار میداده است. بسیار اتفاق افتاده که کلام روز مرہ نعیم نیز رنگ نظم خودگیر و تجلی طبع روانش محدود به حالات و ساعات خاص نباشد. در کلیه آثار رنیم خصوصیات زیر را بوضوح میتوان دریافت:

نو آوری در تفکرو کلام / بکار گرفتن قالبهای مناسب کلاسیک برای بیان مقصود / تسلط بروز نو قافیه

نو آوری در تفکرو کلام

نعم در سراسر آثار رش متفکری است که بدون اینها مسخر میگوید. چون در سن ۲۵ سالگی که برای شاعری توانا ماند نعیم سن بلوغ شعری است باما مرا الهی ایمان آورده طبعش با دریائی بیکران پیوند خورده که دیگر احتیاج به جستجو و جمیع آوری مطلب نداشته و تاحدا مکان میباشد قریحه خود را تحلى گاه جهان تازه ای مینموده که هیچ شاعری در گذشته به آن دست نیافتنی است. بدین ترتیب عشق دروحودا و عشق مبهمی نیست که گاهی به سرحد شهوات نفسانی رسدوگاهی در جستجوی یک معبد خیالی رنگ عرفانی بخودگیر و خواننده را در شناخت ذات و صفات شاعر مردد سازد عشق ای و به معیوبی است که اورا بعنوان ناچی برشناخته و به شری اسکه سرگشته در این عالم طالب آب حیات است. رسالت خود را نیز فقط یک وساطت میداند

و معتقد است اگر طالب راه حقیقت از مرکب کبر و غرور فرو داده و از تکاء به مال و مال بخود نیالد، نعیم دستش را گرفته و بدین حق رهبریش می‌کند:

آب حیوان نصب اسکندر
ما هی مرده خضر راه هر
دین حق آب زندگی بشمر

تکیه بر زورو زر مکن که نشد
لاف داشن مزن که در ظلمات
خوبیش را خردا ن مرا ماهی

وقتی شخصیت او در جنین حدی از تواضع (ما هی مرده) متحلی گردیده و مخاطب خود را در مقام خضر بی‌غمیر می‌شناسد شرائط ثانویه‌ای در جهت سلوک در سیل عرفان حق از آین رهرو می‌خواهد که آنرا می‌توان به "مرحله آمادگی" و "مرحله خواستن" تعبیر نمود، زیرا تا این دو حالت ایجاد شودها مکان القاء حقیقت بر قلب سالک موجود نیست. سالک باید در سحرگاهان شاله کنند و دست نیا ز به درگاه حق بلند نمایند تا لایق قطع طریق گرد و در حوابندای الهی گوید:

"آمدم آمدم به حال تیاه"

مخاطب نعیم همین‌که با کلامش انس می‌گیرد بعلت اینکه این کلام " والا" و در عین حال "ساده" است در خود احساس چنان شعف و واهتزازی مینما یدکه بدون خستگی فکری مفاهم را یکی بعد از دیگری "درک" و "قبول" می‌کنند گذاشتین مفتخرین مسائل را در ساده‌ترین نحوه بیان می‌توان دریافت. فی المثل در بیان الوهیت کمتر کلامی بسا دگی و والای بیان نعیم می‌توان یافت

بخا جوئی اقتضائی هست
کان گره را گره گشائی هست
در سرش حمیع حق همان
دل هر کار بسته میداند

با شیوه‌ای بهمن ایحا زوروانی نشان میدهد که مقصود از خلق آدمی عرفا ن طلعت معهود بوده ولی چون ره معرفت مسدود است در هر دوری مظہری ازین بشرحه عرفان حق مشهود می‌گردد. هر زمان نیز که این مظہر الهی ندای الاست درداده با دوگروه از مردم موافق شده که یکی بنا بر تعریف نعیم "عاشقان حان برک" و دیگری "تا قضا نعیم شدن" نامیده شده‌اند. تا قضا ن عهدشکن در هر دوری به رنگی در تاریخ ادیان پیدا شده‌اند که سعدت نکردن بالیس در مقابل آدم به اتکاء خلقت آتشین تا اتها سخرونیون به خاتم مرسلین رنگهای متفاوت این "نقش" است

نعیم پس از اینکه بینیان خرافی عقائد گذشته را در خواننده ویران می‌کند، فی الفور اقدام به ساختن کاخی رفیع برپایه‌ای محکم مینما یدتا خواننده گرفتا رسربگردانی و بلا تکلفی نگردد. در این سیل دوا مل کلی پایه‌اولین قسم استدلالات نعیم را تشکیل میدهند که عبارتند از: وحدت خدا، وحدت کلام و وحدت انبیاء نیست و حقیقت غیرقابل تغییر بدین ترتیب وجود فرق و قبائل مختلف در کره ارض باعث شده است که یک حقیقت واحد بنا بر شرایط محیطی دارای تعابیر متعدد باشد

یک کتاب است و گونه گونه فرق
که شود آفت ساب مستشرق

حق یکی دین یکی رسول یکی
تابش این نجوم تا وقتی است

پیروان ادیان من دون استثناء در شناخت دواصل فوق اشتباه بزرگی را مرتکب شده‌اند دیدنی نمی‌عنی که "تسیکلام" و سرمدیت حق "راباهم اشتباه نموده و تصور کرده‌اند که کلام جون منسوب به ذات خداست که آن نیز سرمدی است باید از استدلالات تا انتها حتی بصورت ظاهر وحشی کلامی که بیان کننده روابط روزمره اجتماعی است برای همیشه غیرقابل تغیر باشد چنان‌چه در مورد تواریخ می‌گفتند:

ایدی تابیوم میقات است
نشود حکم دین مساطیل

جزء و کل آنچه نص تورات است
ودرموردانجیل: شود ارض و سماء اگر زائیل
و با لآخره در موردا سلام: دین اسلام آخرين دین است

مصطفی خاتم النبین است

اشتباه دیگری که آن نیز در تما مادیان مشترک است مشارک است موضوع "توقعت" مردم از مظہر طهور است

علی الاصول قبل از ظهور، مردم در اثر تلقین مقامات مذهبی "تصویری" در فکر خود را مظہر طهور می‌سازند که محو کردن آن نقش ازلوح ضمیر شان کا رساده‌ای نیست. بر اساس این تصویر خالی، مظہر طهور باید اعمال و گفتاری ظاهر شود که همه زاده تصور است و چون خلاف آن اتفاق می‌افتد صفات مخالفان تشکیل می‌گردد

هم برو بده هفت سال سحاب
دمداز شرق ذو ذنب چون ما ه
قرب بک میل در نورد د راه
تاگهان سر بر آوردا ز جاه
کسی ازا و در احتراز نبود
هیچکس را بدونی از نبود

که نسأ رده هفت سال سحاب
سر زند آفت از مغرب
هم بیا بدخیری که هر قدم می‌ش
وانکه غایب بوده جا بلسا
و با لآخره: آمدی گر جنا که می‌خواهند
اگرا و گفتی آنچه می‌گفتند

درا ینجا ممکن است برای مخاطب نعیم این اعتقاد بسیار دارد که در حقیقت تنها مدرک موجود جهت شناخت معمود است خط بطلان میکشد. جهت رفع جنب شبهه است که فصل مسوطی از کتاب اوتفسیر و تلفیق احادیث و اشارات کتب مقدسه و بیان حقیقت آنها است

همچنین فاتح لاما است قبل
وکتاب لکم بکل احوال
که حعلنا کام مه وسطا

بلی او خاتملما سبق است
فرسول لکم بکل زمان
این سخن را نگفته حق بخطا

در عین حال که بدقت و مهار تری خاص بچنین عملی دست میزند در ابتدای کار خواننده راهنمای و میدهد که احادیث گذشته مجموعه ای از لعل و حوا هروخاک وشن است. بایدهوشیا ریودوری با حديث از راه کعبه مقصود منحرف نگردید.

نشنیدی که ممتحن کردند
به احادیث صعب مستصعب
که بدین امتحان گرفتارند
خلق هر دین واهل هرمذهب

پس از تجزیه و تحلیل عمیقی که از احادیث و آیات کتب مقدسه بعمل میآوردمان نندکلیه معلمان بزرگ تعلیم و تربیت که صرفا به تربیت فکری قناعت ننموده و معتقدند باید قلب و روح متعلم را تسبیح نمود، زبان استدلالش به زبان عشق و احساس تبدیل میشود نعیم بخوبی میداند که هنر تسلیع درنفی اولادا مام حسن عسکری و بای اثبات رجعت حسینی نیست این فقط بخشی از تسلیع و شاید قدم اول آن باشد سالک سبیل حق بدبین ترتیب ممکن است طالب گردد ولی آنچه قدمهای اورا سریعتر میکند نغمات عاشقانه ایست که با یاد ر طریق طلب برایش زمزمه کنند. بهمین جهت ناگهان شعر نعیم رنگی عاشقانه میگیرد و حدا ذیه دیگری دارد. بی اختیار بیان دمعشوق حبا نیان میافتد و همه عاشقان را نداند میدهد که :

"عاشقان مژده دلستان آمد"

و بدین طریق آن هاشمی جوان که بقول حضرت صادق جوانیش بزرگترین بله برای امتنی است که در انتظار مردمی که هنسال است را درا و جقدرت و با تمام مفات و کمالات معرفی مینماید. این جوان ترکیب ما و خورشید و روشنگر روز و شب رهروان بشمار میبرد از مخاطب خود میپرسد :

العمل العمل برای که بود عجلوا عجلوا همان آمد

و چون میداند که کلام منطقی این قوم خواب آلوده را در نمی گیرد به مادقا نه ترین و برندۀ ترین حریه ها تمک می گویند یعنی به اولیاء و انبیاء قسم میخورد که این همان مهدی موعود است که با دعوت نبوی، صولت علوی، عصمت فاطمی، آیت حسینی، علم باقری، تبیان جعفری، سیرت کاظمی، حجت رضوی، تقوای تقوی، عرفان نقوی و هیبت عسکری ظاهر شده است. در تاریخ عرفان بسیار بوده اند کسانی که با تکاء قریحه خدا دادی، کلامشان پراز تعا بیر عارفانه بوده ولی وجودشان وقتی مقابل خورشید حقیقت قرار گرفته چون خفاش کورشده اند. نمونه برا رزان صاحب این بیت است :

موسی نیست که فریاد انا الحق شنود ورنها این زمزمه در هر شهری نیست که نیست

نعمیم اول در مقابل خورشید حقیقت، ذرات وجودش چون سیما ب شده و سپس خواسته است این گرمی را ب دیگران نیاز را زانی کند. بهمین جهت وقتی کلام نعیم رنگ عشق و سوز و گداز ب خود میگیرد دارای تاثیر دیگری است، خواننده بخوبی متوجه میشود که گوینده بکلام خویش مومن است. در این رهگذر مانند دیگر متفکران ایرانی معتقد است که دکان زهد و ریا با بدسته شود عاشق حقیقی علام محبیت خود را به ثبات رساند.

کاین غم خویش دار آن غم یار
این به بالای من بر او سردار
این حماری است يحمل الاسفار
دل خلقی ز جان شیرین کند
فتنه ای تازه در جهان افکند

عاشقان را بهزادان مشمار
میسرایند هر دونکته عشق
او شهیدی است صادق الافعال
وسپس خطاب به این گروه از عاشق حقیقی است که میگوید:
خسرو ما به لعل شکر خند
لب خندا و چشم فتنانش

نعمیم عشق را م فوق استدلال قرار داده و بهمین جهت در تما مطول زندگانی خود در کار تسلیع موفق بوده و هم اکنون نیز در کلامش نوعی مغناطیس نهفته است که خواننده را مذوب بداع فکری میکند فی المثل بیت زیر که از قران الها گرفته شا نمیدهد که رابطه نعیم با کسی که باستنادا حادیث حقانیت اور اثبات میکند صرف رابطه ای فلسفی و منطقی نیست:

آنکه دله باد و دهد بیوند
دسته ارا ازا و کند کوتاه

و همین قدرت فائمه است که پشتیبان او و محبا نش است

باسپاهی شکسته و مغلول

عالمی را ب زیر حکم آرد

نعمیم قسمت اعظم اشعار خود را به اثبات حقانیت نقطه اولی اختصاص میدهد زیرا در حقیقت اثبات "منظر" که نقطه عطفی در تاریخ ادیان است راه را رای شناخت منظہر هموار مینماید. اشاره مختصی به لزوم وقوع دو حادثه پی در پی در آخر الزمان مینماید و نشان میدهد که در گذشته هر دوری دوستاره درخشن آسمان ادیان را روش نموده اند.

حاجت واحدند نه اثنيان
نوزده سال بوده فيما بي

هر زمانی دو تن ظهیر هم‌اند در خبر از حسین تاقائیم

من نگفتم ظهور طلعت پاک	سنه التسع میکی دادران
یا نگفتم که اولین بدم	انت ربی ولا لله سواک
یا نگفتم که تحفه ایست بیان	اگر افتقد قبول طلعت پاک

آنچه قسمت مبسوطی از اشعار را ورا پس از چنین اشاراتی تشکیل میدهد عبارت از ترجمه صریح کتاب بیان به اشعار نظری صورت کوینده ترین تذکرات و آنداخت است.

با خدای خود احتیاج کنید
با کتاب من امتحان کنید
در ره قله میراح کنید
به بیان رفع احتیاج کنید
همه تصدیق او و شکر خدا

من کجا گفتہا مل جا حکیم
من کجا گفتہا مکھ طن و قیاس
من کجا گفتہا مکه رہ زن را
من کجا گفتہا مکه روز طے ور
له گفتہ کنند و وقت ندا

بسیاری از بشارات عهدتیق مربوط به ظهور حضرت اعلیٰ و حمال مبارک است که مسیحیان آنرا به حضرت مسیح متسوب دانسته و در تطبیق با آنچه اتفاق افتاده عاجزمانده اند پنچاست که نعیم تفاوت بین "ابن" و "اب" را بخوبی روش میتمایدو سیری نیز در عهد جدید نموده و بتعبیر معانی ملکوت الهی، اب، روح القدس استعارات پولس وغیره میپردازد. نعیم جنانکه سبک خاص است و قبل از اینکه پای استدلال را محکم کرداره بقلب خواننده بازمیکند و با اتمام صحبتی برادرانه و خاطرها نکارند.

گوش از هر فسانه بردازید
نای و چنگ و چغانه بردازید
اختلاف از زمانه بردازید
این دوئی از میانه بردازید

چشم از هر بنا نه برداشید
تیر و تیغ و کمان بیندازید
همه یک دین و یک زیارت گردید
دین سراپرده پیگانگی است

شله عشقی که وجود نعیم را تشنیده و روشنایی آن بصورت اشعار نغزر هیر طالبان گشته و دود آن در جسم ناقصان رفته منحصر به عرفان دولطعت معهود نیست. همزمان بحضور عبدالبهاء زندگی نعیم را چنان حلاوتی بخشدیده که خودش نیز بخوبی نمیدانست لحظات ایامش را جگونه تعریف کند " من شده او آمده برخای من " گوئی نعیم اعضاء خود را مقدس پنداشت و همه را از آن مشوق داشت.

نیشنر ابرگ لیلی زنی

ترسم ای فَصَاد گرفصدمکنی

تعیم مجنون واقعی حضرت عبدالبهاء است

من ویم یانیم نمیدانم
در دل و حان که مات و حیرات
درجها نغمه‌ای که میخوانم
بلایل بوستان پیمانم

انگ عشق وی آیدا زحان
ین چه غوغاست این چه آشوبست
اقایا مت نمی شود خاموش
بیون شود نفمه! مخومش که متن

اوقتی بیا دحضرت عبدالبهاء میا فتدهما عاشق واقعی است که در ابتدای آن اشاره رفت بطوریکه خودش میگوید سورات و انجیل و فقه و خر همه در ذهنش رنگی دگر میگیرند و عشقی مقدس چون هالهای تما هستی اورادری میگیرد و راه استدلال را مسدود

تونگ آمدتنم ز پی ره
 دل ز جان می کنم چرا نک
 دست دارم چرا به سرن
 ای فدای تو بادجا و تن
 ذوق عشق تورفت از سخن
 من گرفتاری را خوب شنیدم

خانم افسرده گشت از بیدن
بیرهن میدرم چران بیدرم
با دارم چرا برون بروم
سی توجان و تنم چکار آید
سکه معقول گفتم و منه بول
زجه گویم زلیلی و محنثون

بعد از این مأموریت ذکر حضرت دوست
گرجه هر ذکر حضرت اوس مت

نیعم جون سایه کلیه وقتی عیار حضرت عبدالبهاء را تعقیب نموده و با الها مازیک یک آنها قطعات زیبائی سروده که هر یک در نو خودبی بدل و نظریا است نظریها است حضرت عبدالبهاء الواح حضرت عبدالبهاء و حکایات زائرین ارض اقدس، سفرهای مبارک و با لآخره و با لاترا زهمه الواحیکه برای شخص اونا زل میفرموده اند وارد این عالم خاک بیک حان پاک تبدیل نموده بود. وقتی حضرت عبدالبهاء قدم خاک آمریکا میگذاشتند نیعم این افتخار ابدی را ب مردم آمریکا باشیوه ای بی نظری تبریک میگوید:

ملک ایران به کشور آمریک
که مبارکدوم مرکز عهد
شمس مشرق بر آمداد زمغ رب
داده دلها چنان بهم پی وند

تحت تاثیر مفهومی و مفهومی در مورد بیان هستی، عالم بعد، جبر و اختیار، جمع اضداد و مطالعی از این قبیل را به بیانی فصیح و ساده بنظم آورده که هر یک از لحاظ انسجام و یخا زد خور تقریطی حداگاهه است.

استادی نعیم در ساختن قطعات ۹ بیتی در اینستکه عمدت ترین وقا بیع را بطور کامل و به بیانی ساده و روشن در قالب ۹ بیت توصیف می‌کند. دونمونه با رزا زاین ترکیبات یکی تفسیر ایرادات بینی اسرائیل از رسول خدا و دیگری آیات قرآن می‌باشد که بدون تحریف و تبدیل آنها را بصورت شعر غزیپا رسی درآورده است.

حضرت محمد مخاطب ساکتی است که به کلیه خواسته‌های غیرممکن قوم از قبیل انشقاق قمر، آوردن آسمان بزمین یا آنداختن خویشتن در آسمان، آفریدن چشم‌آب و آوردن آتش قربان سوز، گوش میدهد، دوبیت آخرقطعه مربوطه اینست:
 گفت من چون شما یکی بشترم بمرا مامبه وحی حق ممتاز
 پی اعجاز کافی است کتت ساراب من پیام آورمه شبده باز
 شاهکارهای نظری را میتوان درقطعه ما نند آنچه یاد آوراز جان گذشتن احباب در نقاط مختلف ایران و عراق است جستجو
 کرد که دوبیت اخیر آن چنین است:

هیچکس گشته است جز دری زرد وقت کشتن باین سخن قائل
 لاما ردن اصرالینصیرنی بل اردن اطراط الینظرنی
 مقايسه ای چنین کوتاه ولی پرمغزبین واقعه کربلا و شهادت یکی از شدای یزد فقط در حد اقتدا رشا عربی م
 نعیم هر اندا زهد در قسمت ادلله نقلیه با ثبات حقانیت ظهور حضرت اعلی پرداخته در قسمت ادلله عقليه جها
 عظمت و اقتدار حمال مبارک مینماید. اگرچه استدلال حقانیت حضرت بهاء الله عطی چند قطعه محکم مملو
 بعمل میايد ولی همان نوا وری نعیم در کلام حما و دانه اش که بیشتر متوجه استدلال عقلی است خواننده را ت
 آنکه عالم اسیر طلعت اوسست طلعت اول دلیل ححت اوسست
 کس ارادت به اختیار داد دل ما از چه در ارادت اوسست
 دفع آهن بحذب مغناطیس چه کند چون اسیر قدرت اوسست
 حسن او را بس است این دوگواه
 حان ورقا و روح روح الله

پس از اینکه نعیم از ذکر دو ظهوراً عظم و مقام مرکزمیثاق فارق میشود بتوصیف جمعیت و چا معیت اهل بها میپردازد. فصول مبسوطی در مورد وضع فعلی جا معبده شری و گرا شهای جنگ طلبانه و پیش بینی سرنوشت دنیای مادی است. اشاره به این اذارات حمال مبارک و وقا یعنی که پس از زیروال این اندارات برای سلاطین و روسای ملل اتفاق افتاده و مسائلی از این قبیل از قسمتهای عمدت ترکیب بندا وست و خلاصه درا و اخرا این منظمه نفیس برای بار دیگر شخصیت متواضع و خواننده را مقتون خنود میکنده که جا در دمسک الختا مبررسی این قسمت قرار گیرد

سخن حق به حق گذاشتہ ام	آنچہ دراين ورق گذاشتے ام
بہر تو بور ورق گذاشتے ام	جو هر حان خود دراين کلمات
بیریا بر طبق گذاشتہ ام	آنچہ دزدیدم ا زخزانه حق

قصیده نونیه و مسمط بهاریه (دونمنه با رزا زا شعا رنعیم) این دوازدهنما یا نگرد و حالت خاص تا شروشادی از نعمیم بوده

و بخوبی نشان میدهد که چگونه طبع بزرگ این شاعر ما نند درباری شفاف و بیکران گاه آزار می‌باشد و این هم برخوردار بوده و گاهی در اثراورزش با دی مخالف آنچنان متلاطم میگردیده که اما موافق برش این حاشیه است قصیده نونیه که مجموعاً شا مل ۱۳۴ بیت وقا فیه مختوم به نون میباشد رای اجزاء مهم زیراست :

تاثر درونی و عمیق شاعر: پیدا است که وجود تغییر در مقابله با آنچنان نعیم دلداده حضرت عبدالبهاء را در دنیاک نموده که گوئی راهی از دل بدیده گشوده و قصیده را با وزنی سنگین اینچنین شروع نموده است:

مـرا بـودـل وـچـشمـی زـگـرـدـشـگـرـدونـ
یـکـی چـو دـجـلهـآـبـ وـیـکـی چـولـحـمـخـونـ

در ادامه ماین سخن بهمی ارزشی جهان مادی و کلیه تظاهرات آن پرداخته و پس از اینکه خواننده را در اندازه‌گیری عمق فرهنگ و مهیّا نمود

ا شا ره میکنده آنچه قابل افتخار است هوش و روح بوده و جسم را ارزش و اعتما دی نیست .

صرف عمر به کسب علوم : افراد بدون تعیین و تعریف یک هدف نهایی به کسب علوم ظاهر میپردازند و اعلوم الهی کم در حقیقت اصل و ما یه فکری حکمای حقیقی است غافل میم اندتا آنها پیش میروند که علوم الهی را ظنون وطنون طبیعی را علوم میشنما رندهمان گونه که روش همیشگی نعیم بوده و هرگز راه مبالغه پیش نگرفته و از حد اعتدال خارج نشده علم و دانش حقیقی را ارج نهاده و حکیمی را که تماینده چنین علم و دانشی است با تحسین فراوان توصیف میکند :

جهان سراسر و حکیم اندرونی جهان خرد
زمان تن است و علوم اندرونی ای عیون

وفی الفور برای اینکه حدقدرت محدود بخود را نگردد گردش زمانه را وابسته به نیروی مجرد و مافوق عقل آدمی میداند و برای درون گرائی نیز فضای وسیعتر را زمان آدمی متصور است .

ورای عقل توعقیل دگربودگالی
درون حان توجان دگربود مکمیون
زما و رای طبیعت اگر مددن رساند
بدین جهان بخدا اینجهان شود وارون

خلق جدید :

تعیم جهت استدلال مطلب خود بهما ن شیوه "تو آوری" که قبلا شاره شدیحای تمک بفلسفه ای غامض بهیک حقیقت با رز ا شا ره میکنده آن عبارت از خلق حدیدی است که بدست حمال میارک صورت گرفته است و گروهی را در جهان پر ایجاد آن روز خلاف کلیه رسوم و عقائدیه پا داشته و همین را بهترین دلیل جهت اثبات نظر آنان دانسته است .

گروهی از عقلابرخلاف عادت کل
بطوع طبع بیین غوطه میزند بدخشون
بمیل طبع بیین جمعی از جهان بیزار
طبیع نفس نگر قومی ازوطن سرگون
بیین بشوق و شعف فرقه ای همه مقتول
بیین بذوق و طرب زمرة ای همه محنون
جیع مست و غزلخوان ولی نه از بساده
تمام محظوظ پرشان ولی نه آزادیون
.....
.....
پی بنای شریعت زکس نخواست مدد
بلی نداشت بپا آسمان خدا بهست مون
هزار حیف که دادم در این قوافی تنگ
هزار نکته که نتوان نمودن ش موزون

تا شروع تمک به اراده رحمانی :

تعیم بخوبی متوجه این مطلب است که در درجه تعلیمات موجود صرفاً باید متمسک به اراده الهی بود و وقتی بیاد مطالعه ای را در به حضرت عبدالبهاء از طرف ناقصین میافتند تاریخ نقض را از آدم تا حمال قدم ورق میزند شاید خاطر من اراده الله را نیز که خود مایه آرا مش تعیم بوده شا دی بخشد

توای خلیفه رحمن وای سفینه نوح
غمین مشوکه حقیقت زنقف شدم شخون
بعهد حضرت آدم حموروب کن قابیل
بدون حرم و گنه ریخت از برادر خون
.....
.....
بعهد حضرت اعلی دوتن و حیدر دند
یکی رشیدا مین و یکی جبان خئون
بعهد طلعت ابهی هم این چنین باشد
یکی است ثابت عهد و یکیست ناقض دون

قسم نامه:

در پایان این قصیده نعیم‌دا رای قسم‌ناهای است که میتوان بیت اول آنرا بیت گریز قصیده‌نا مید. این سبک در اکثیر کارهای مدحی او بچشم میخورد و خواننده‌کمتر میتواند از مقدمه‌یک اثر را هی را که نعیم برای مدح حضرت عبدالبهاء در پیش گرفته درک نماید.

قسم به روی تو ای مقتدائی کل امم
قسم به مموی توابی رهنمای کل قریون
قسم به وجه توبعنی به وجہه المشرق
قسم به سر توبعنی به سره المخزوون
با کاپای توبعنی به کمیای مراراد
به گردراه توبعنی به توبیای عیون
که بی ثنا توا مطمئن نگردد دل
سر فراغ باليین نمی نهد مدیون
ولی نعیم کجا مدح تو تواند کرد
نیاز موده نهاده است پای در حیون

مسقط بهاریه

مسقط بهاریه با ترسیم و توصیف در ابتدای تابستان شروع میشود این مقدمه‌ای زدیدگاه عاشقی که دارای دو صفت با رزیعتی هنرمندی و دلدادگی است بوجود می‌آید وقتی از این نقطه نظر بیمهوهای گوناگون و رنگارنگ فصل تابستان نظر می‌افکند ما ننداست که نقاشی با مهارت تمام به ترسیم باغی پرازیمه پرداخته ولی بعد از هر رانیزکار گرفته که بوسیله آن بین طبیعت و عالیت‌ترین احساسات عاشقا به را بطوری مستقیم برقرار کرده است. درما وراء چیزی ترکیب ماهرا نهای قدرت پروردگار رکمالی و گرداننده منحصر بفردا این کارگاه است نیز لحظه‌ای از روش نمودن ضمیر هنرمند با زنا یستاده و حنجه عرفانی مسقط موردنظر را نیز غنی ساخته است. بدین ترتیب نعیم دست بخلق شاھکاری میزند که نظیر آن را در ادبیات قرن اخیر نمیتوان یافت.

فر جوانی گرفت طفل رضع بهار	لب زلین شست با زکوفه شیرخوار
با زدرختان شدندا رورو باردار	سرنهان هرچه داشت کرد عیان روزگار
توگوئی امروز شدسر خدا آشکار	

دهقان یعنی خدا وندیان آن توانگری که کارگاهش مملوا زمزداست دراول تیرماه از شهر رخت بر پسته و در بوستان خیمه زده و بنظر از گذشت تیر و مرداد میپردازد این توصیف از چهره زرد و غبارآلوده "به" تا حالت خاص درخت تاک که گوئی مانند شیخ شهر تسبیح نقره‌ای بدست گرفته و با قاتی خبیده در گوشها ای استاده را شامل میشود بطوری که فوقاً اشاره شد نعیم وقتی در کائنات نظر می‌افکند چیزی جز عشق و حالت قشتگیرا را حالت معشوق نمی‌بیند فی المثل وقتی به ترسیم "سب" میپردازد این نکته را بحدا عجا زدرا کا رشیری وارد میکند:

بر زیر شاخ بین سیبک سیمین ذقن	نیمرخ سرخ دوست نیمرخ زرد مسن
عاشق و معشوق کی بودیک پیرهں	نی غلط معاشقی است کشته خونین کفن
مجرم دالدادگی زندادرا به دار	

گاهی نعیم بروشی شعر می‌گوید که خواننده تا آخرین مصراع را خواند نمیتواند به لطیفه‌ای که درون خاطر نهفته است بی بردو وجود همین حالت معملاً است که خواننده را تا پایان قطعه در حالت از جستجو و کبحکاوی نگه میدارد.

طبیعت لعل ساز لعل تراشیدبار	لعل تراشیده را پهلوی هم چیدبار
پهلوی هم چیده را به حقه پوشیدبار	حقه پوشیده را بنا نامی دنار

هدف اصلی از سرودن مسقط بهاریه مرحوم ونثای حضرت عبدالبهاء است متنها این بار نعیم ابتدا یوحنای تعییده شده که مردم را از آسودگی ظاهر و باطن پاک میکردا تا لایق و رود بملکوت مسیح گردیده را مقدمه‌ای که برشا هکا رهبری خود می‌سازد بعلت نوآوریهای متعدد و منحصر بفرد، کلیط رتباطات فکری خواننده را با محیط اطراف خود قطع میکند. همیکه زمینه افعالی آرا شد و خواننده جز در طریق نعیم قدم نزدی پرده به مرح و نتای حضرت سرالله میپردازد.

جهت نیل این منظور مقدمه‌ای مسقط طولانی است و در همین فضای وسیع است که دشت و بستانی در حد کمال بوسیله نعیم ترسیم گردیده و خواننده را نقدرتا شانگه میدارد تا بکلی خود را جزئی از این کارگاه احساس نماید سپس بتوصیف فردی میپردازد که وجوداً و در این کارگاه غنیمت است و فرقه اودیگر طاقت تحمل را از نعیم سلب نموده است. این فرد که دارای سیرتی نازنین و رحمتی مستعار بوده و طلعت و رفعت او به فتاب و آسمان طغمه میزند حاشی خالی است تاگهان مژده

میدهد که حضرت عبدالبهاء وارد شد. این کار نعیم که با انجام شناخت را غافلگیر میکنند در حدی از مهارت صورت میگیرد که وجود انسان بی اختیار مملو از عشق حضرت عبدالبهاء شده و روح بی اهتزاز در میابید و در بی آن مطرب محفل و ساقی مجلس را به نوا میخواند.

با زدن آمد ز در جلوه کنان دوست دوست دیده غلط میکنندیست غلط اوست اوست
چه جای پیراهن است بتن بدر بپوست بپوست ساقی محلس بگویا ردگرد دوست دوست
مطرب محفل بخوان با ردگریار ریار

و بدین ترتیب اصل مدیحه آغا زمیگردد. در این مدیحه به اکثر صفات حضرت عبدالبهاء از قبیل فرع قیوم، اصل قدیم سرمه کرم اصل مقدم غصن اعظم و سابرعنای وی بی که از قلم ولسان جمال مبارک سازل شده اند اشاره مینماید. در مقابل این صفات و کمالات، عشق او در هر دلی بتنوعی نهفته است.

شمس جمالت چوکشت بعالیم افروخته بهرکسی عاشقی بتنوعی آموخته
یکی چو حربا دوچشم بمهر بردوخته یکی سرا پا چوشمع ساخته و سوخته
یکی پی سوختن پرزده پر روانه وار

نعمیم در سرودن این مدیحه چون خود را بین احباب میبیند و آن فضای رحمانی را از وجود اغیار خالی میدانند رعایت هرگونه تکلفی را بیهوده میانگار دوزی با نشان شعرش مانند را زونیا زدروانی بدون عاریه است

نعمیم وصف حبیب برای احباب گفت چوبین احباب بود تسلط الاداب گفت
لیک بتوصیف حق هرجه زهرباب گفت بعزم ملل تراب و رب الارباب گفت
بنده کجا پی برده ذات پروردگار

بررسی دونمونه فوق الذکر آثا نعیم جهت نشان دادن روش‌های مختلف قصیده سرائی او کافیست.

تا اینجا سیری اجمالی در آثا روا فکار نعیم نموده و تا انجا که در حوصله این بررسی بودنشان داده شده که این شاعر تو این در تغیر و در کلام نوآ وربوده است. اساس بحث یکی از آثار را ویعنی ترکیب بند مشهوری بود که در آن بوسیله دونوع استدلال عقلی و نقلی امر را به شیوه ای بین تازه معرفی نموده و دو اصل وحدت و نسبیت را اثبات کرده است. در پرتواین دو اصل کلی نعیم از طریق شاهاکا رشیری خود تجزیه و تحلیل بسیار عمیق و دقیقی از کلیه ادیان گذشته و رفتار پیروان فرق مختلف و عمل ایمان یا احتجاج آتان بعمل آورده و با اتخاذ چند محک اساسی درجه اعتبار و تفویض احادیث و آثار گذشته را مستحبه و با لآخره عصر حاضر را با جمیع مبانی فکری اعم از سیاسی، فلسفی و دینی مورده بحث بررسی بیطوفانه ولی بسیار محققانه قرار داده است. بدین ترتیب تصور بر روشی از گذشته و حال جامعه بشیری ترسیم نموده و بآنایت استادی مقام والای را که اما مر حضرت بهاء اللہ در تاریخ تحول جهان احراز نموده مشخص ساخته و به شرسرگشته دروازی تمدن مخرب کنونی هشدار داده است که سرنوشت اورا بکجا میبرد و تکلیف او چیست.

در بررسی دوازده دیگر ویعنی "قصیده نونیه" و مسمط بهاریه" یا "صفیه" نشان داده شده حیات نعیم یعنی اندیشه به حرکات و سکنات حضرت عبدالبهاء رفتار ناقصین که موجب دورت خاطر مبارک میشده، نعیم را چنان متأثر میساخته که اگر ارتبا طش با دریا بیکران آثار الهی بسود خط بطلان بر جمیع رسوم زمان میکشید و محنون و ار راهی صحرای از روانه میگشت. "قصیده نونیه" شاهد این مطلب است. "مسمط بهاریه" از لحاظ مضمون و حالت، نقطه مقابل این اثر قرار دارد و آن را باید در دریف آثا ری از نعیم دانست که در شادی و سرور سردوه شده و برای شادی خاطر حضرت عبدالبهاء کلمات را به رقص آورده است. بطور خلاصه این سه اشکه هر یک ارشیوه ای خاص بپروردگاری هر ترین نمونه از کارهای نعیم بوده و برای معرفی اور حدمور دنظر کافی هستند. اکنون به دو خصوصیت عمده دیگر از نعیم اشاره میشود که عبارتند از:

بکار گرفتن قالبهای مناسب کلاسیک برای بیان مقصود تسلط بروزن و قافیه

قبل از ورودیا بین بحث صرفا از لحاظ یادآوری متذکر میگردد که اصطلاح "قصیده" در شعرفا رسی به آثاری گفته میشود که تعداد ابیات آنها از ۱۰ تا ۲۰ تا زیالی میباشد و مصرا عبیت اول هم وزن با سایر ابیات باشد. یک شعر میتواند شاه مدل "قطعات" مختلف باشد "ترکیب بند" و "ترجیع بند" دونوع از صنایع شعری مشابه هستند که از قطعات مختلف تشکیل شده اند و این قطعات بوسیله یک بیت که بترتیب "بندترکیب" یا "بندترجیع" میتوانند میگردند و کل موضوع نیز با چنین بندی خاتمه میباشد.

اختلاف بین ترکیب بند و ترجیع بند که در بندترجیع یک بیت واحد بوده و بعد از هر قطعه بندترجیع عیناً تکرا رمیشود. فی المثل بندترجیع در ترجیع بند عرفانی هاتف اصفهانی چنین است:

که یکی هست و هیچ نیست جز ا و وحده لالله الاه

ترکیب بند نعیم جماعت دارای ۷۵ قطعه ترکیب و هر قطعه آن دارای ۸ بیت اضافه بند ترکیب یعنی جماعت ۹ بیت است بدین ترتیب تعداد دکل ابیات به ۴۳۵ بیت بالغ میگردد.

یکی از خصوصیات باز شعرفا رسی تناسب مضمون و وزن انتخاب شده برای بیان آن مضمون میباشد. در اینجا مطالعه قواعد علم عروض مورد نظر نیست و صرفا اشاره به بعضی نکات مهم جهت بیان مقصود کافیست. بخوروا وزان مختلفی که اشعار

تاریخ زرین شہادت

(علمی ارزیگان ایشان)

الف: شرح حال شیخ محمد جناب عبدالحسین آزادی علیہ رحوان نہ

ندای امراللهی و نوید ظهور طلعت ربانتی
را به مردم بشارت میدادا و که به شجاعت و دلیری
معروف بود هیچگاه در پرده صحبت نمینمود
همواره نامبها اللہ را با قدرت و عظمت بیان
میکرد از آنجا که منطقه مهاجرتی اکبر آباد
شیراز حتیاً جبه مهاجرداشت در مرداد سال
۱۳۵۷ ایشان با خانواده قصد هجرت به آن حیه
را نمودند و از آن تاریخ در محفل روحانی
انتخاب و در استحکام مبانی اداری آن منطقه
کوشیدند. ایشان مدت ۵ سال در محفل روحانی
اکبر آباد نجا م وظیفه و خدمت مینمودند
و روح شجاعت و ایمان را در احبابی آن حدود
میدمید و همواره این بیان مبارک را به احباب

جناب عبدالحسین آزادی فرزند غلام درسال
۱۲۹۶ در خور موج دشتستان پا بعرصه وجود گذاشت
پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه به استخدا م
دولت در آمد و در روز ارتکشا ورزی انجام وظیفه
نمود در ابتدای جوانی در بوشهر مصدر خدمات
ا مری گردید و به عضویت م Huffل روحانی بوشهر
انتخاب گردید، همواره در پی کسب کمالات
ما دی و معنوی بود و پیوسته اقوام و دوستان
نزدیک را در برآ بر شدائند از اهل عناد
تشجیع مینمود. پس از چندی به کازرون
منتقل و در آنجا نیزگوی خدمت را همچون سبق
ربود و در آنجا خدمات ا مری معین یاران
گردید (ایشان در اول دی ما ۱۳۲۴ هـ با دختر



"گوشزدمینمودکه ترس از که و بیم از چه گلیا ره های
عالیم به اندازه رطوبتی متلاشی شده و میشوند"
تا آنکه در تاریخ ۸ ذرما ۱۳۵۷ ساعت هشت بعد از
ظهر عده ای مسلح از طرف دادگاه انقلاب به
منزل شخصی ایشان آمده و پس از بازرسی
منزل ایشان را به مراده کتب ا مری، نوشه ها
ومقدار زیادی وسائل منزل با خود برداشت

عموی خویش کیمیا خانم جابری در بوشهر
ازدواج نمودند (پس از آن به شیراز منتقل
گردید و در آنجا نیز در لجنات مختلف و تشکیلات
ا مری انجام وظیفه مینمود) از آنجا که این
شهید سعید تکنسین دامپزشک بود و بنا بر وظیفه
اداری به قراءه و قصبات دور و نزدیک درنا حیه
بوشهر و فارس سفر مینمود همواره بی باکانه



در آغوش کشیدندلباشی پاکیزه و مرتب پوشیدند و دست در دست یکدیگر نداشتند بهاً الابهی را در سجن عادل آباد بدلندند و مودتند ندائی که لرزه براندا مانداخت مردانه طناب دار را بوسیدند و گردنشان لایق کمند دوست گردید و عیسی جانشان به لامکا نعروج نمود عشقشان ثلازال دلعا شقان را خواهد گذاخت پس از شهادت این شش نفس مقدس حتی اجسادشان را به بازماندن گاشان تحويل ندادند که شايد قلوب را بیشتر مکدرنند. میند ولی غافل ازان که بزم روحانی احباب را غم دخولی نیست و سوره روحانی را اندوه لازم نهه از شهید مجید عبدالحسین آزادی هفت فرزنده همسرفدا کا رش کیما آزادی که پیوسته در زندگی شریک خدمات و در دوران سجن و امتحان یا ورهمسرو شریک امتحان او بود باقی است. فرزندان ایشان همه در ظل امرالله دراقصی نقاط عالم مشغول بخدمت و اعلای امر حضرت منان میباشد. جناب عبدالحسین آزادی در موقع شهادت ۵ عسال از حیات عزیزشان میگذشت.

پس از آن در دوران سجن تحمل هرگونه شدائد و بلایا را نمود. در اشرفشا رهای واردہ در مدت زندان دچار خونریزی معده شد ولی از آنجا که دارای اراده محکم و ایمانی استوار بود حتی از پشت میله های زندان خطاب به خانواده اش میگفت این صدمات و بلیات امتحان جمال مبارک است که شاید ما را از جمله خریداران یوسف قرار دهد. در دوران سجن و در محاکمات همواره قاضی شرع میگفت دوراه برای شما موجود است یا اسلام یا اعدام که ایشان جواب میدادند که ما منکر اسلام نیستیم ما از آغوش اسلام برخاسته ایم و از بطن آن بیرون آمده ایم و خود مرد مرد آنیم و اعدام را به جان خریداریم. شادروان عبدالحسین

آزادی در آخرین ملاقات که با خانواده اش در تاریخ چهارشنبه ۲۵ خردادماه ۱۳۶۲ شدت پیوسته تا کید مینمود که خانه مرتب و نظیف باشد و میهمانان را پذیرایی کنید و ما هم بزودی آزاد خواهیم شد. در شب پنجم شنبه ۲۶ خرداد ما هد رعایتم رویا حضرت ولی عزیز امرالله را ملاقات نمود که در اطاقی ایستاده اند اشاره به تعداد زیادی کفش که در اطاق بودند و خطا به ایشان فرمودند یک جفت از این کفشها متعلق به شماست بپوشید و با من بیا بیهی، ایشان نیز در عالم رویا کفش را پوشیدند و با ولی محبوب امرالله رفتند. فردای آن روز این رویا را برای دامادشان که اونیز هم سجن ایشان بود تعریف نمودند. دیگر در دل آگاه بودند و ملاقات محبوب را نزدیک میدیدند. تا آنکه در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر پنجم شنبه ۲۶/۳/۱۳۶۲ تن از احبابی مسجون را اعلام نمودند: عبدالحسین آزادی، عنایت الله اشراقی دکتر بهرام فنا، بهرامیلدائی، جمشید سیاوشی و کوروش حق بین، اشک شوق در چشمها حلقه زد و عرف و داع و زید سایر مسجونین را

ب: شرح حال شهید مجید

جناب بهروز سنائی علیه رضوان‌الله

شهید مجید جناب بهروز سنائی فرزند برومند
جناب خسرو و بانو معصومه که از مهاجرین اولیه
دشت گرگان محسوب و مدت ۲۵ سال در آن دیار
سکونت اختیار و خدمات اموزیه قائم بوده‌اند
ابتداً ائمّه خود را در محل مهاجرتی که در آنجا
بزرگ شده بود پایان رسانده و برای تحصیلات
عالیه عازم طهران گردید در سال ۱۳۵۲ با عده
از جوانان بهائی بهمهاجرت جمال آباد نزدیک
نیا و ران رفته و محفل روحانی آنجا را تشکیل
داده و سپس از آنجا به گلندوک مدفن جناب
بدیع‌الحسن شهادا حامل روح سلطان رفته
محفل روحانی آنجا را تشکیل دادند و با عده
از احباب در آنجا ساکن بودند سال ۱۳۵۴ با نگار
خانم صفائی پورا زدواج نموده از آن ببعد
ساکن طهران شدولی همیشه روزهای تعطیل
بدیدن مهاجرین میرفت و بعضی‌ست لجه‌های
مهاجرت ناچیه عذرآمد و مداماً مورسرکشی بمنطقه
استان مازندران و بردن مهاجرین و اسکان
آنها در منطقه مهاجرتی بودند قبل ازانکه
برزندان در آید و گرفتا رشود در لجه‌های
ده فعالیت امری داشت اودارای چهره‌ئی
شا دو خندان و بذله‌گوبودند و کمتر وقتی دیده
او همیشه شاد و مسرور بودند و کمتر وقتی دیده
میشد که افسرده و نراحت با شده همیشد رکارها
با توجه قلبی و توکل شروع و پایان میرسانید
هیچ وقت از کارش ما یوس و یانا امید نمی‌گردید
یکی از دوستان خیلی نزدیک او شیوا
اسداللهزاده بود که اخیراً بعضی‌ست محفل مقدس
روحانی طهران انتخاب شدو بسا سیراعضای
محفل روحانی بزندان افتاد و همان راهی
را پیمود که بهروز در پایان زندگانی عنصری



خود انتخاب کرده بود در راه ایمان خالل
نا پذیر با مر مقدس بهائی جان خود را فدا
نمود. بهروز در سن بیست و نه سالگی بود
که بزندان افتاد و علت زندانی شدن او ظاهرا
شکایت یکی از اشخاصی بود که همیشه
برای او کارمیکرد و جنس می‌خرید و در دائره
انقلاب اسلامی نفوذی یافت و از این نفوذ
خود بر علیه اوسوء استفاده نمود روزی که او را
احضار نمودند خانم ایشان نیز همراهش بود
و در پیش‌ترین در زندان اوین هرچهار نتظر کشید
دیگر اوران دیدزیرا بهروز بزندان موقت
محکوم شده بود مدت پنجماه و نیم در زندان
موقعیت بسیار دشوار از این هزاری کردند
و هر دفعه که او را بادا دگاه برده و مراعات
میداند و می‌گفتند پرونده تکمیل نیست و
شايدا این موضوع خودیک نوع شکنجه و آزار روحی
بود که در حق محکومین روا میداشتند. در این
مدت با شهید مجید جناب دکتر مسیح فرهنگی
داشتماس بود و میدید که چگونه آن مرد

کاری بکنم زن و بچه من دیگر مرا بمنزل
راه نخواهند داد، عاقبت اورا بعد از آن همه
اصرار وابرا مدرک تمان عقیده و پایداری
واستقا مت و شها مت با تها ماتی نظری
اتها ماتی که سایر شهدای این امر را محکوم
نمودند ما نندفرستادن پول با سرائیل
و کمک بصدق و برقی بهائیان و فعالیت تبلیغی
در زندان اورا محکوم با عادا ننمودند.

از قرا ر معلوم شب ۲۷ ذرما ۱۳۵۹ مطابق
با ۱۷ دسا مبر ۱۹۸۰ ساعت هشت صبح حکم اعدام
را ۱۱ جرا کردند و صبح روز ۲۷ ذرما ه صبحگاه
ساعت هشت از زندان اوین خبر اعدام اورا به
منزل ایشان با نهایت سرخستی و بی شرمی
اطلاع دادندخانم ایشان اولین کسی بود که
از این قضیه حانسوز مطلع و آگاه گردید و این
خبر وحشت آور را فوراً بدوسیت دیرین او شیوا
اسدالله زاده اطلاع داد و کم بعدها خود
در میدان فدا کاری و شها مت نظیراً و جان
باخت با نهایت تاثروا ندوه فراوان با تفاوت
خانم ایشان و بستگان نزدیکیش به پژوهش
قانونی مراجعت و بدن لخت اورا که لباسش
را پاره پاره نموده بودند تحویل گرفته
با حضور قریب چهارصد نفر از اهالی زندان
جلال و شکوه در گلستان جا ویدیس ازانجام
تشریفات مذهبی بخاک سپرده شد و مادر
او با کمال شجاعت و شها مت بفدا کاری فرزندش
میا هات نمود و مانا جاتی روح افزای برخاک
اوت لاوت کرد و آخرین مناجات را شهید مجید
شیوا اسدالله زاده دوست قدیمی شهید مجید
به روز بزم راش تلاوت نمود و با دست سی (۳۰)
شا خدگل میخ بعلامت سی سال حیات وزندگی
پرافتخارش برخاکش نثار نمود مانا جات
مذبور که تلاوت نمود این است:

ای پروردگار عالمیان در این جهان با تش
عشقت بسوز و در آن جهان بمشاهده روی مهرویت
کا مران فرماد را این عالم چون شمع بگدار و در
آن عالم چون پروا نه گردش عله حملت پروا ز

بزرگوار شریف با نهایت محبت و وداد
زندانیان بسرمیبرند و برای آنها قبر آن
شریف را تدریس میکنند و حقایق آیات را
برای آنها ظاهر و آشکار میسازند خانم ایشان
نگارخانم با نگرانی زیاده هفتاد یک کار آنهم
بمدت کمی بمقابلات ا و موفق میشود طفل
کوچک خود را که اکنون پنجم ساله است برای
دیدارا و همراه میبرد و با زحمت زیاد که هر دم
مورد تحقیر و توهین ما مورین قرا ر میگرفت
اورا ملاقات میکرد و هر دفعه که ملاقات دست
میدا در روح رضا و تسلیم در برابر اراده الله
از اودیده میشود و با رها گفته بود که من خود را
برای مسائل مهم دیگری آماده کرده ام و از این
گفتارا و پیدا بود که اورا محکوم با عادا مخواهند
کرد ولی بزبان نمیا وردتا میا دا سب حزن
واندوه نفسی فراهم شود. با صل شکایت آن
شخص که بهانه ای بود برای دستگیری به روز
وقتیکه رسیدگی کردند بکلی واهی و بدون
مدرس و دلیل بود لذا از اینجها اورا بیگناه
شاخته دولی در نظر حاکم شرع و دادگاه که بکار
اور رسیدگی مینمودگناه تا بخشودنی داشت که
به روز آنرا مایه و پایه زندگانی و حیات خود
میدانست و آن ایمان و اعتقاد دخل ناپذیرش
بود با مر مقدس بهائی، در دادگاه هر قدر حاکم
شرع زبان به نصیحت و اندرزگشودگاهی با تندی
و خشنونت و گاهی با ملایمت اورا بگمان خود
ارشاد نموده و میگفت توجوحا نی بخودت و زن
و بچه ات رحم کن یک کلمه بگوبهائی نیستم
واز این عقیده کناره گیری کن و برو آزاد در
آغوش زن و بچه ات روزگار خود را با سودگی
بگذران آن جوان رشید با کمال شجاعت
و شها مت استقا مت نموده میگفت شهدای این
اما را کثراً جوان بودند حضرت اعلی مولای ما
که سینه خود را هدف هزاران رصاص قرار داد و
شهید گشت جوان بود من چگونه برای چند روزه
حیات که فانی و درگذرا است عقیده و ایمان
خود را مخفی بدارم و گمان نمایم اگرچنی

ده توئی خوسته دلبر من و توئی فرخنده یا رجا نبپرور من والبهاء علیک ع

خانم شهید مجید نگار خانم با دختر پنجم ساله اش نازی فعلا در آمریکا بسر میبرند.

اشعاری که شهید مجید جناب دکتر سیروس روشنی در تجلیل مقام شهادت بهروز سروده اندونیز اشعاری که خود شهید مزبور برای نگار خانم و فرزندش در زندان سروده و همچنین وصیت نامه ایشان را ذیلاب نظر خوانندگان عزیز میرساند.

حالی است چو گیسوی پریشا
چشمی است بسان ابر نیسان
گنجی زساعت است پنهان
بگشود درازا وین ویران
جان باخت چه خوش به راه جانا
آن روح به عز و روح و ریحان
نا زم به کمال عشق وايمان
گفتا به سنا ئیم ثنا خوان

تاریخ شها دتش بجست
گفتا که شدا زا وین با یوان

چندی است مرا بطرف زندان
دا غی است به دل چودا غلاله
در رنجولی به کنجوی ران
ایوان بقا که قرب ابهاست
به روز چه؟ سوی بهار فست
سی ساله فدا نمودتن را
این وصل نگار جاودانی است
پرسیدم ازاين اثر ز سیروس

نگاه تو روی زیبای تو
توای همسرنا زوا را مجان
که خواستگاری ما بر قرار
که قلب دعوا شق بهم یا فت راه
خدا خواست ما را کند سرفراز
که برو فرق مقصود شد روزگار
بخاطر مرا روز شبیادت تو
نگار من و عشق وايمان من
که هستی توبه روز را تا روپود
بود کارسا زو سبب ساز من
مرید منی من مراد تسام
دل کرده از سحر آن ما هخون
که یا دتو بخشدم را قوت جان

نگارا وجود دل آرای تو
مرا روشنی بخش حسما و روان
کنم یا دا سفند پنجه و چهار
چه فرخنده بد بیست خرد آدمه
درا سفند مولود نازی ناز
بدینسا ن کنم شکر پروردگار
تو شیرینی و من عشق فرهاد تو
مرا موت س جانی ای جان من
بنازت خوشم ای نیاز وجود
وجود تو و دختر نازم
مرا دمنی من مرید توا
اگر چرخ با زیگر پرسون
تورا در نظر آورم هر زمان

قسمتی ازوصیت نامه شهید مجید که در زندان نگاشته است

نگار عزیزم - نازنین خوبم - پدرو ما در بهتر از جا نم
الآن ساعت ۸ شب روز ۲۵ آذرماه هست که حکمدا دگاه را شخصی بمن داد که حکم ۱۱۸۱
دگام مورخ ۱۳۵۹/۹/۴ هست و مرا محکوم با عدا مکرده است - از درگاه خدای بزرگ
توفيق تواننا زی عزيزم را میخواهم کاش که آخرین با رهم میتوانستم توانا زی را
میدیدم و میبوسیدم . رائی که داده اند بهیچ وحد خور من نبود - ولی این هم
خواست خدا است - حتما شما موقعیکه مراد عدا مکرده اند خواب هستید .

به آقا جان و ما مان و فریبرزوسیا وش () هم بگوکه این خواست خدا بود
از همه خدا حافظی کن و برای من طلب عفو و بخشش کن - حمال مبارک یا رویا و ر
شما با شدو خدا و ندشما را نگهدا رباشد .

حکم بمقاصد را موال من همداده است - غافل از اینکه من هیچ چیز در دنیا ندارم
اما میدوا رمکه توانا زی عزيزم با هم دیگر و هر طور صلاح هست زندگی را ادا مهبدید .
نا زی با ید بزرگ شود و تحصیل کند - برای من عزاداری نکنید چون من این
کار را که با عدای من اتحا میدخواست حق میدانم - آخرین دیدار رما روز یکشنبه
۲۳ آذرماه بودا زا اینکه نتوانستیم هم دیگر را ببینیم مهم نیست چون دیدار شده
بود (آنچه کندا و کندا چه تو نیم کرد) منکه دارم این نامه را مینویسم در نهایت
راحتی اعصاب و خیال مینویسم ولی توبه پدرو ما در و همه بگوکه از اعدا م من
نا راحت نباشد هر چند برا یشا ن مشکل است ولی خدا این طور خواسته است . و تو
سعی کن من هر چه داشتم در نزد خود نگهدا ری تا من همیشه در خاطر باشم
در نهایت بیگناهی را هی رجا ن دیگر شدم

ترا به جان نا زی قسم میدهم که بر مزا ر من به هیچ وجه زاری و ناله نکن سعی کن
که همیشه شا دیاش توجون با ید نا زی را بزرگ کنی کاش خودم بودم و مرافق
رشد نا زی را میدیدم عزيزم در این لحظه آخر عمر فقط توانا زی در جلو
چشم هستید میدان که امشب خواب مرای میبینید با زجای شکر باقی است که بـا
خیالی را حت و آسوده و آری از گناه دارم جهان فانی را و داع میکنم شما را به خدا
تقاضای مجدد من این است که برای من فقط جلسه اگر میگیرید فقط دعا با شدو
گریه وزاری نباشد

آخرین دعا های خودم را کردم و با زهم از هم از خدا طلب عفو و مغفرت نمودم
آقا جان و ما مان انشاء الله از دست من راضی بودیدواز شما و زحمات شما بـی
نهایت ممنونم مرای عفو کنیدواگر تقصیر داشتم از من بگذرید

نامه سرگش وه کی ارجابت بعد از شهادت خواهی شرخ طلب هادستان کل انقلاب اسلامی که رونوشت آزاد رای بعضی از مسئولین امور کشور فرستاده است

(بنا بر ایند متعال)

احترام خاطرمبارک را مستحضر میدارد. حضرت محمد رسول اکرم سلام الله علیہ در قران کریم دستوراتی چنین میفرمایند. "خدا وندشما را منع نمیکندا زاینکه با کسانی که با شما به جنگ برخاسته اند شما را از خانه هاتان بیرون نهاده اند که کنید و با آنها به عدل و دادرفتار نمائید خدا وندادگران را دوست دارد (الممتنعه) وهمچنین میفرمایند مسلمان کسی است که روزرا شاکنده و کوسی را نرجاند.

حضرت علی علیه السلام به مالک اشترحا کم مصادر مورد رابطه ای که با یدبا مسلمانان و مردم داشته باشد بدها و چنین میفرمایند: "قلب خویش را از مهریانی و لطف و محبت نسبت به مردم سرشا رکن و در بر این مردم ما نندھیوان در تنه وحشی میباش که خوردن و چپا ول آنها را غنیمت شمری زیرا مردم دوگرو هندیا مسلمانند و برادر تو محسوب میشوندویا اینکه همانند توانسانند و در آفرینش نظریت واند. حضرت امیر مومنان مسلمانان را به رعایت حقوق انسانی افراد غیر مسلمان و اعمال عدالت و اخلاق حسن و قسط اسلامی ملزم گردا نیده به همین سبب است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکومت موظف به حفظ امنیت و حقوق اجتماعی و انسانی اقسام ملت ایران معرفی شده است. در مقابل دستورات اکیده صریحه فوق یا آوار میشود آیا به دار آ ویختن جوانترین خواهیگنان اینجا نبودی گر زندانیان بهائی که مدت‌ها در بند و زندان شما اسیر بودند و حتی تحويل ندادن جسد پاک آن عزیزان به خانواده هاشان محاکما تشن موافق با قانون وعدالت و احکام قرآن و رعایت کامل و حسن اجرای قسط اسلامی بوده؟ و حرمت آیات با هرات قرآن مجيدلا اکراه فی الدین...". کا مlad رنظر گرفته شده یا از زاویه تعصبات مذهبی؟ قضوت توا م با تعصبات حاکم شرع شیراز که شما به عنوان دادستان آن دادگاه برای که قضا جالس هستند لطفه ای شدید نه بر متهمین و مسجونین محروم از دفاع بهائی وارد آ ورد بلکه بر ترتیب عدالتی بود که نمونه با رزا حضرت امیر مومنان علی علیه السلام بوده که بعد از رحلت حضرت رسول خدا به امر آن حضرت قادر شمشیر را کنا رگذا ردن دویه تعلیم و تربیت اصحاب پرداختند.

با یدگفت رعایت شیوه پسندیده آن حضرت سرمشق کلیه قضا و حکما شرع ا نورا سلام مخصوصا در مورد افراد غیر مسلمان مقرر گردیده.

جناب دادستان تکیه بر مسند قضا و تزدن و برگرسی امیر مومنان علیه التحية والثناء نشستن را قضا و تی علی گونه لازم قضا و تی که از روح جوشان و سرشا را زمehr خدا وندمنا ان و قلبی مملوا ز محبت

بی پایان به انسانها . جناب دادستان حال که عزم را جزم فرموده اند و افتخاری خونم افراطی دفاع بھائی را در شیراز برای خود در انحصار، چه مقبول و پسندیده است که الکرام بالاتما را جامعه عمل بپوشانند و در حالی که جوان ترین خواهرخانواده ما با همت شما زیوردا رشد سزاوار آنکه سالم‌ترین برادرهم به دنبال آن سوران جنده‌دی روانه فرمایند . ترك مال و ترك جان و ترك سردردیا ردوست اول منزل است . جناب دادستان ای سورگرانی همتی بفرمایین سرگشته صحرای فراق را به دریا وصال برسان . ای سردار سردار بسیار اچرا که ما هم برتو مهمنایم . گردنیم پذیرای طناب دار شماست . گردن برافراشتیم و تیغ بیدریغ یا را در راه خدا به تمااشتیا ق مشتا قیمحتی اگر لازم بدانید جوانترین فرزند مرد را هم برای قربانی در راه خدا آماده فدا دارم تا با خون خود و فرزند شما دت دهیم که موعود قرآن کریم ظاهر شده .

جناب دادستان حقوق بازنیستگی افراد سالخورده و حقوق پیرزنان و اطفال بھائی را قطع نمودن ، دانشجویان را از تحصیل درآموزشگاه‌های عالی و دانشگاه‌ها محروم ساختن ، اخراج دانشآموزان معصوم از مدارس بخاطر عقیده دیانتی والدین ، ربوتن دختران و پسران و دربند وزندان نگهداشت ، تصاحب و تخریب خانه‌های مورداحترا مبهائیان و محل عبور عابرین قرار دادن ، مصادره منازل بیشمار افزایی و به زور تحويل گرفتن و ساکنان بدون دفاع آنرا آواره دیا رو سرگردان بلا دنمودن .

موقوفات جامعه بھائی را در سراسر ایران حتی قبرستانها را در اختیار گرفتن و در مقابل دریافت پول اجازه دفن مردگان ندادن ، زنان مظلومه پرده نشین بھائی را بجای همسران و دختران معصوم را بجای ما دران گروگان گرفتن ، پس از اعدام و میا به دار آ ویختن زندانیان مظلوم بھائی از تحويل جسد به خانواده شان خودداری نمودن و افراد خانواده اعدام شده‌گان را سرگردان و اطفال معصوم شان را از هستی ساقط و ازابتدا ای ترین حقوق اجتماعی و انسانی محروم ساختن ، بھائیان را از نجام مرام سمع مذهبی دعا به درگاه خدا وندیکتا منع و گاهی اوقات زندانیا نرا مانع از نجام فراهمی دینی شدن . اینها گوشای از مظالم وارد بر جا معمده افراد بھائی است که پس از انقلاب برای آزادی از طرف ما مورین حکومت که خود را بانی و علمدار آزادی در کشور ایران میدانند نصیب جامعه ما شده که رسیدگی آن به دادگاه‌های عدل جمهوری اسلامی میباشد . بھائیان کشور ایران را بدانجهت که منشاء وزادگاه دیانت بھائی بوده است گرامی میدارند و آنرا مبداء حیات روحانی خویش میشما رند و هموطنان خویش را به دیده احترام مینگرن و دحتی به موطن خود ایران عشق میورزند . همواره بارستگین اهانت و اتهامات ناروا و مصائب وارد را با سکوت بردوش کشیده به میدرزوی که دشمنی ها به دوستی مبدل شود تنهای مصائب را به اطلاع اولیای امور میرسانند .

باتوجه به این که ضعیفینه و بغضاً و بدینی ناریست خانمان نسوز بلکه عالم سوز و اطفاء آن بسیار مشکل به همین علت است که افراد بھائی در ایران آرزو مند بوده و خواهند بود که اولیای امور جمهوری اسلامی تارکشان بتاج عدل و دادمزین و هیکلشان به طراز انصاف و غباً رغرض از چشم حقیقت بینشان بدور ، راضی نباشند اغلب ما مورین حکومت بنا اسلام و احکام قران کریم بجای عدل و دادو انصاف و رحمة و شفقت و جوانمردی حق را لباس نا حق پوشانده و اغراض خصوصیت آمیز را حکم قران ردهند و با افرادی که هیچگونه مخالفتی با هموطنان خود و حکومت نداشته و ندارند و اطاعت از قانون و حکومت قانون را برخود فرض و واجب میدانند این چنینیں ظلم و ستم روا دارند .

این است شرح مختصری از گرفتاری افرادی فراوان از هموطنان شما که زیرفشا رنا ملایمات ما مورین نا لانند و منتظر زمانی هستند که دولتمردان حکومت جوانمردانه و بالاها مازروحا یمان به خدا و ندمنان دست فتوت و یکرنگی از آستین بدرآورده و باعث نجات عده‌ای افراد بیگناه از زندانهای کشورشده فکری اساسی برای افرادجا معهدهای بینما یند. شکی نیست اگراین عمل پسندیده را مقدمتاً آن جنا ب به سهم خود در حد توانایی به خاطر حفظ شئونات دیانتی و احترام به حقوق انسانی شروع نمایند و با نی و مسبب عمل خیربا شند، عمل خیرخواهانه شما مقبول درگاه الهی است زیرا که خدا و ندینی کوکاران را دوست دارد.

بقیه از صفحه ۴۷

مشغول شدن در خرخت‌های میوه‌پنج‌ساله و موهای ریشه‌ئی غرس فرموده‌اند در صورتی که مفتشین تماً وقات را مصروف تهیه‌لوایح افترا ئیمه و توطئه بر رضه‌هیکل مبارک میداشتند. احبابی عرب‌که‌این وضعیت را میدیدند متوجه بودند و بعضی پیش خود میگفتند که خوب است سرکار آقا هم را ضی و باغات را بـما منتقل فرمایند. در موقعی حضرت عبدالبهاء فرمودند اگر مرا بردنداین با غمال شما باشد. همان سال بعد چنان میوه‌ئی گرفت که موجب تعجب همه‌گردید. و مخصوصاً پاشا وزعمای مخالف عکا که قبل امداداً شتند که حضرت غبدالبهاء را جلب و تبعید کنند مشرف میشدند از همان میوه‌ها امر می‌فرمودند اساعیل آقا میوه‌چیندو برای آنها بیا ورند.

قبل از ورود مفتشین هیکل مبارک با عائله بـعاشر تشریف فرما و در سرای عبدالله پاشا منزل فرمودند. ولی ناقصین که متفرق بودند بوسیله حکومت بـعاشر جلب و جمع آوری شدند در موقعی که مفتشین منتظر بودند درستور عبدالحمید بر سر که هیکل مبارک را به فیزان ببرند واقعه اسلامبـول و نارنجک اندـاختن آزادی طلبان بعداً عبدالحمید واقع شد و مفتشین با سلامبـول احضار شدند.

بعداً هم سلطنت عثمانی منقرض و همان مفتشین متوازی و باعسرت بطرف مصـرهـسـپـا رـشدـه بـودـند بعدهم بحضور مبارک شرفيـاـبـ وـعـنـاـ يـاـ تـيـ وـاعـانـاـ تـيـ باـنـهاـ مـرـحـمـتـ شـدـ. اـنـتهـى

ڪِتب سَبز

از هشید محمد جناب دکتر سیروس روشنی اسکوئی
علیه رضوان‌الله

دارالانشاء معهداً على حسب الامر بيت العدل اعظم الهي نسخه اي
از کتاب سبز اثر جناب دکتر سیروس روشنی اسکوئی عليه بهاء الله
ورضوانه را جهت استفاده و درج مباحتی از آن در مجله عنديليب
با يين هيئت مرحمت فرموده اند، هيئت تحريريye ضمن تقديم مرا تلب
خصوص و خشوع و سپا سی پایان باستانا آن مقام رفيع البنیان که
همواره مجله عنديليب را مورد توجه و تائید قرارداده اند اذاین
عنایت و مرحمت جدید نیز خاصاً نهانها بیت تشکروا متنا ان را مینماید.

با عرض محظوظ
هيئت تحريريye عنديليب

آمیاح مَشیّرُ الرّحْمَنِ

داردیشما راست و شاید میلیون بقوه میلیون
مولکول وجود داشته باشد.
حال اگر بگوییم که برآ بر تعداد مولکولهای آب
اقیانوس اعظم و بلکه بیشتر از آن کرات عظیمه
در فضای لاد دعالم موجود است که کره زمین ما
جزئی از یکی از آن کرات جسمیم بشما رمی رود
اگر اراق نگفته ام و راه مبارگه نپیموده ام بقول
دانشمند شهر "زرگا مف" اگر بخواهیم
بدانیم چند که کشا در فضا موجود است باید
دانست به تعداد دستارگانی که به چشم غیر مسلح
می بینیم که کشا وجود دارد آنوقت آن
ستارگان مشهود مجموعاً یک که کشا را تشکیل
میدهند.

آسمانها گواه عظمت خدا و نداء عظم است.

اقیانوس کبیر که بزرگترین و پهنا ور ترین
اقیانوس جهان است و در کره زمین دریائی
به بزرگی و عظمت آن وجود ندارد، با وجود
آن مشخصی بازا موج خروشان آن ترس و
وحشت در دل پیرو جوان میاندازد.
قلزمی که ا نوع و اقسام مهانوران عظیم و بی
شمار در درون آن غوطه میخورند و بمه آب
آن زنده اند و از آلا و نعم آن برخوردارند.
گرچه آن بحر اعظم از قطرات آب و بهتر بگوییم
حتی از مولکولهای کوچک H₂O تشکیل شده و
هر عارفی دریک مولکول آن تمام آثار را مواجه
و عظمتها را آن اقیانوس را می بیند ولی این
کجا و آن کجا؟
مولکولهای آبی که در اقیانوس کبیر وجود

۵

دراين سبيل عظيم آب ازيك مبدأ بسوی مقصد
جاری است و آن محرك اصلی کلیه اشیاء را به
جنپش آورده است که دراين جريان با هم
تصادما تی دارندوازاين تصادم آزا روا ذيتي
به مدیگروا ردمیا ورند، ولی هرچه با شدبسوی
تومیگرایند. اگرسنگی به پای لنگی میخورد
واگر خاشاکی به سرفنس پاکی میریزداگر
خاری به دست یا ری فرومیرودهمهاين رنجها
وتعبهادرراه وصول به حرم معشوق یکتا است
دوراه نزدیکی و تقرب به توست "ای دلبـر
آفاق وای معشوق هربـنده مشـتاق".

هر درکه زدم صاحب آن خانه توئی تو
هر جا که شدم پرتوکاشانه توئی تو
در میکده و دیرکه جانانه توئی تو
مقصود من از کعبه و بتخانه توئی تو
مقصود توئی کعبه و بتخانه بهـا
"شیخ بهـا ئی"

قدـر مـسلمـاـيـنـ اـسـتـ کـهـ دـرـاـيـنـ جـرـيـانـ کـسـیـ رـاـ
يـارـايـ حـرـكـتـ بـرـخـلـافـ مـسـيرـ آـنـ روـدـعـظـيمـ نـيـسـتـ
بـزـرـگـتـرـينـ قـدـرـتـهاـ بـرـخـلـافـ جـهـتـ جـرـيـانـ اـرـادـهـ
حـيـ قـدـيرـنـمـيـتـوـاـ نـدـحـرـكـتـ کـنـدـواـگـرـفـرـدـيـ چـنيـنـ
آـرـزوـئـيـ دـاـشـتـهـ باـ شـدـخـوـدـراـ بـيـهـودـهـ بـهـ زـحـمـتـ
اـنـداـخـتـهـ اـسـتـ شـاـيـدـ تـصـورـکـنـدـکـهـ بـرـخـلـافـ شـنـاـ
مـيـكـنـدـولـيـ جـرـيـانـ آـبـ بـقـدـرـيـ تـنـدوـسـرـيـعـ اـسـتـ
کـهـ کـلـيـهـ حـرـكـاتـ اـوـ رـاخـنـشـيـ کـرـدـهـ وـاـ وـرـاـ فـرـسـنـگـهاـ
باـ خـودـ مـيـبرـدـ.

ای مگـسـ عـرـصـهـ سـیـمـرـغـ نـهـ جـوـلـانـگـهـ تـسـتـ
عرضـ خـودـ مـيـبرـیـ وزـحـمـتـ ماـ مـيـداـرـیـ

جرـمـ کـوـچـکـ اـنـساـنـ دـرـاـيـنـ درـيـاـيـ بـيـکـرـاـنـ وـ
روـانـ بـرـخـلـافـ سـاـيـرـاـشـيـاءـ حـرـكـاتـيـ دـارـدـکـهـ
گـرـچـهـ تـسـبـیـتـ بـهـ جـرـيـانـ آـبـ بـسـیـ خـقـیرـاـسـتـ وـنـاـ
چـیـزـولـیـ شـاـيـاـنـ تـوـجـهـ وـتـعـزـیـزـ.

۱- کتاب اقدس

ای خـداـ وـنـدـبـرـگـ اـیـ خـالـقـ اـعـظـمـ اـیـ وجـودـ
ذـیـجـوـدـیـکـهـ آـسـمـاـنـهاـ درـبـرـاـ بـرـعـظـمـتـ تـوـجـوـنـونـ
پـرـکـاـهـیـ بـیـشـ نـیـسـتـ اـیـ اـعـظـمـ الـاعـاظـمـ وـاـیـ
اـبـهـیـ الـابـهـیـ وـاـیـ نـورـاـلـانـوـارـدـرـاـيـنـ رـاـهـ کـهـ
قـدـمـ گـذاـشـتـهـ اـمـ مـرـاـيـاـ رـیـ دـهـ.

ایـنـ رـاـهـیـسـتـ کـهـ بـزرـگـاـنـ منـ رـفـتـهـ اـنـدـوـاـيـنـ
ذـرـهـ فـانـیـ تـاـسـیـ بـهـ آـنـ مـیـکـنـمـ، آـرـزوـدـاـ رـمـاـيـنـ
رـاـهـ مـنـتـهـیـ بـهـ کـشـفـ حـقاـیـقـ اـشـیـاءـ شـوـدـوـآـنـ سـبـبـ
سـعـادـتـ نـوـعـ بـشـرـگـرـدـدـ.

راـهـیـسـتـ کـهـ مـیدـوـاـ رـمـغاـ فـلـانـ رـاـ اـزـ ظـلـمـتـ تـعـصـبـ
وـغـفـلـتـ بـرـهـاـ نـدـوـبـهـ صـرـاطـ مـسـتـقـیـمـهـ دـاـیـتـ کـنـدـ
صـرـاطـیـ کـهـ جـمـالـ اـبـهـیـتـ فـرـمـوـدـ (۱) "کـذـالـکـ
یـبـینـ اللـهـ سـبـلـ الـحـقـ وـالـهـدـیـ وـاـنـهـ اـنـتـهـتـ
الـیـ سـبـیـلـ وـاـحـدـوـهـذـاـ صـرـاطـ الـمـسـتـقـیـمـ"
ایـ جـهـاـنـ دـاـنـشـ وـبـیـتـشـ عـنـاـ یـتـیـ کـنـ مـدـدـیـ
رـسـانـ بـاـ رـاـنـ فـضـلـیـ بـیـفـشـانـ تـاـ بـلـکـهـاـيـنـ ذـرـهـ
ناـ چـیـزـ شـکـفـتـهـ گـرـدـدـوـاـ زـدـرـوـنـ دـلـ اـنـرـیـ بـیـ
نـهـاـ یـتـ مـحـبـتـ بـیـرـوـنـ رـیـزـدـتـاـ شـاـیدـاـ زـفـلـ بـیـ
مـنـتـهـاـیـتـ اـبـنـاءـ اـنـسـانـ اـزـ حـرـارتـ مـحـبـتـ اللـهـ
گـرـمـ شـوـنـدـوـدـرـاـهـ تـرـقـیـ وـتـعـالـیـ مـاـ دـیـ وـمـعـنـوـیـ
وـجـسـمـانـیـ وـرـوـحـانـیـ پـیـشـ رـوـنـدـوـتـورـ آـنـجـانـ
کـهـ اـرـادـهـ فـرـمـوـدـ بـشـنـاـ سـنـدـ.

دـرـیدـقـدـرـتـ تـسـتـ کـهـ کـاـهـ رـاـهـیـتـ کـوـهـ بـخـشـیـ وـ
قـطـرـهـ رـاـدـرـیـاـ کـنـیـ وـذـرـهـ رـاـعـظـمـتـ آـفـتـاـبـ عـطـاـ
فـرـمـائـیـ .

مـدـدـفـرـمـاـ تـاـ دـرـاـيـنـ رـاـهـ گـاـ مـاـسـقـاـمـتـ بـرـدـاـ رـمـ وـ
رـضـاـیـ تـورـاـ بـدـسـتـ آـرـمـ وـخـشـنـوـدـیـ خـاـطـرـبـنـدـگـانـ
مـلـحـصـتـ رـاـ فـرـاـ هـمـسـاـ زـ

قطـرـهـ اـیـ بـیـشـ نـیـمـ صـوـلتـ دـرـیـاـ طـلـبـیـ
ذـرـهـ اـیـ هـسـتـ وـآـهـنـگـ جـهـانـیـ دـاـرـمـ
اـگـرـبـگـوـیـمـ کـهـ زـمـانـهـ چـوـنـ روـدـیـ اـسـتـ کـهـ ژـرـفـاـ
وـپـهـنـاـ یـشـ اـزـ اـقـیـاـ نـوـسـ کـبـیرـ عـظـیـمـتـ رـاـسـتـ بـلـکـهـ
بـاـ آـسـمـاـنـهاـ بـرـاـبـرـیـ مـیـکـنـدـ وـدـرـدـرـوـنـ اـیـنـ شـطـ
عـظـیـمـ وـپـهـنـاـ وـرـانـوـعـ وـاقـسـاـ مـوـجـوـدـاـتـ اـزـ جـمـاـدـ
وـنـبـاـتـ وـحـیـوـانـ وـاـنـسـانـ دـرـجـرـیـانـ مـیـباـشـدـ
رـاـهـ خـطـاـنـرـفـتـهـ اـمـ

با این حال نزا ردرخال این بحربیپا یان
به حرکت آمده ام و با این حرکت ضعیف تائید
و توفیق تورا میطلسم و عنایات لانها یه ات
را میجویم .

(۱)..... امرا مرتتوست و حکم آن تو و عالم
قدرت زیرفرمان تو

(۲)..... اگر عنایت رسد قطره دریا شود و
ذره آفتا ب گردد

خلوٰ حبدید

حضرت عبدالهاء میفرما یند (۳) قوله الا حلی
”من بعدی شبهه بساط موجودا هل علم منطوى
گردد و نجم آمال علماء افل و متواری لهذا
با یدتا سیس جدید شود که مقاومت سیل افکار
طبیعی گردد زیرا مسلک قدیم مقاومت نتواند
ومتانت نتواند و برها ن این مدعاه آنکه در
اندک زمان چقدر نفووس بکلی از دین بیگانه
گشتند و روز بروز دراز دیدا دند .
این طوفان را قوت کلمه الله مقاومت نماید
و این سبیل شدید را خلق جدید ثبات واستقا
بنمایند . انتهی .

لوح مبارک فوق الذکر حاکی از این است که
برای مقاومت در مقابله سیل افکار طبیعیون
مسلک و روش قدیم که علماء ادیان قبل یا
فلسفه ما دی بر طبق آن استدلال مینمودند
کافی نیست و صریحاً بیان میفرما یند که آن
روش نمیتواند مقاومت نماید و نیز قاربه
حفظ وقا رومتانت نیست ، مسلک قدیم یعنی
روشی که در استدلال و تبیین حق از باطل
بکار میرفته که همان روش قیاس ارسطوا است
قیاس قولی است مولف که در فهم حق ایق اشیأ

-
- (۱) از منا جاتهای حضرت بهاء الله .
 - (۲) از منا جاتهای حضرت عبدالهاء
 - (۳) مکاتیب جلد چهارم صفحه ۹۴

فعالیت انسان در این دریا ای روان تا آن
حد موثر است که بتواند با جدوجهد فرا و ان خود
را از لابلای گل ولای قعر رها ساخته و به آب زلال
سطح آن نهریا بحر بر ساندتا رسوب قعر مانع
پیشرفت به سوی هدف یعنی وحدت حقیقی نگردد
واحیاناً بمدد ذوق درتی از آب بیرون آید
و خود را در مقابله انجواجا نباشد آفتاب
جهان تاب قرا را بدھدوشا ید تخته پاره ای پیدا
کرده بر آن بنشیند و یا قایقی و یا کشتی
بزرگتری وبالما ل سفینه محلی بدست آورد
و بر آن راحت کریند که هم از مزایای آب و هم
از فیوضات آفتاب و نیز از شمیم جا نپروره سوای
آزاد بھرہ مند گردد .

پس هر انسانی که از این اختیار استفاده کرد
وراه سعادت سپرد باقی ماندو آنکه خود را به
گل ولای مشغول داشت در محصوره رسوب قعر
از حرکت بال نسبه با زمانده مدفون گردید و
در این مسیل همچون فسیل را کدمانند محروم
از فیض تعالی و ترقی به عذاب الیم دچار
شد و آنکه از گل و خاک پاک گردید از حظ نوظ
افلاک حظ کرد و فیض برد .

با این حال آن دریا ای خروشان در جریان است
و خاک و گل و نبات و حیوان و انسان را به
سوی یک هدف عالی متعلقی میراندو کل
شیئی به صوب معشوق حقیقی حذب میشوند و به
آن مقصد اعلی نزدیک میگردند و ازان گوار
خورشید و حدت هر وجودی در هر مرتبت نسبت به
لیاقت و کوشش و مجاہدت خود نصیب میبرد .

جامی معاد و مبدأ ما وحدت است و بس
ما در میانه کثرت اوها م والسلام

خدا یا چه نا چیزا است اراده من در مقابله اراه
تو و چه خردوریزا است وجود ممکن من در بر ابر
وجود وا جب تو، خوش آن روز یکداین قطره به آن
بحرسد و خوش آن دمی که جان به جان ن پیوند
من زیم تونیم نمی زکم وزیبیش هم
چون بتومتصل شدم میخدا انتها منم

نموده با ردیگر اعلام قدرت غالبه‌الهی را
علی روس الاشها دبه اهتزاز در آورند.
بطوریکه اشاره شدروش جدیدغیرا ز مسلک
قدیم یعنی قیاس است پس یا با روش استقراء
با یاد استدلال نمودیا با روش تمثیل.
اینک برای روشن شدن روش تحقیقی به
تعريف این سه روش برطبق آنچه که در منطق
ارسطو عنوان شده و فاضل جلیل واستاد
ارجمان دعیز الله سلیمانی در کتاب تالیفی
خود شرح داده اند می‌پردازم:

اول - قیاس: قیاس قولی است مولف از
قضایا که لازم آیدا ز آن لذات قولی دیگر
(صغری کبری ونتیجه) (ما نند "هردانشمندی
بشار است و هربشتری جایز الخط است)
"پس هردانشمندی جائز الخط است"
دوم - استقراء: استقراء عبارت است از
جستجوی احوال جزئیات برای اثبات حکمی
کلی و آن برد و قسم است یکی استقراء تمام
و دیگری استقراء ناقص.

سوم - تمثیل - تمثیل عبارت است از شبیه
چیزی جزئی به جزئی دیگر در معنایی که مشترک
با شدمیان آن دو ما نند "عالی مولف است همان
طور که یک خانه مولف است پس عالم حادث
است همان طور که یک خانه حادث است".

لازم به توضیح بیشتر نیست که در الواح و آیات
مانند خطابات مبارکه و کتاب مستطاب
مفاوضات وغیره ما اکثر از روش تمثیل
استفاده شده است و گاهی هم روش استقراء به
چشم می‌خورد.

روش و مسلک جدید چه تمثیل و چه استقراء باید
از قوت کلمة الله استمداد نماید تا در کمال
قدرت چون سدی در مقابل سیل جبار ف
شدید افکار طبیعی و مادی مقاومت نماید
و در کمال متناسب و وقار حقاً یقین امرابهی
را مکشوف و به آن وسیله جهانیان را به رضوان
اللهی هدایت و به مدینه فاضله بهیه وارد سازد.

از کل به جزء حرکت تفکری نمائیم.

گرچه علاوه بر روش فوق در منطق ارسطو و روش
دیگر نیز ذکر گردیده و آن دواستقراء و تمثیل
میباشد و ذیلاً تعریف هر دو علاوه بر تعریف
قیاس بطور مشروح بیان می‌شود ولی در تما م
ادوارتاً ریختمن و تحولات اجتماعی انسان
کلیه فلاسفه چه الله و چه ما دی منحصر از روش
قیاس استفاده نموده اند و تما م این یه دلیل
وبرهان خود را بر روی پایه قیاس استوار
ساخته اند.

مع لاف بیش از بیست قرن تلاش شبانه روزی
این فلاسفه و قات عزیز و گرانبها خود را در
محاولات مبارح الفاظ صرف نموده و در کشف
حقایق اشیاء قدیمی پیش نرفته اند.

نظر به این عدم توفیق است که حضرت
عبدالله میرزا میند "با یاد تا سیس جدید شود"
 واضح است که این تا سیس جدیدغیرا ز مسلک و
روش قدیم یعنی استدلال بطريق قیاس خواهد
بود.

العظم لله میین آیات الله در سالم
پیش بعیان وضع آمروز را
مسلسل قدیم سبب می‌شود تا طبق بیت و قرار
متانت خویش را از دست بدهد و در اثبات
حقانیت امر مبارک استدلالهای منتہی به
مشا جرات لفظی و آن منجر به محاولات گردد
وناطق محترم که به زینت حب و وفاق مزین
است سراز در چه شقا و نفاق برآرد و از صفت
منصور سپاه نور مهجور افتاد و به جرگه مقهور
ظلمت دیجور منسوب گردد.

اینکه میرزا میند مسلک قدیم متانت نتواند
امروز به رای العین مشاهده می‌شود.

پس وقت آن فرا رسیده است که ستایندگان اسم
اعظم هم خویش را صرف تا سیس روشنی جدید نمایند
تا هم در حفظ متانت و وقا رخویش کوشند و نیز
در مقابل سیل افکار طبیعی درع و جوش متنین
پوشند و قدم ثبوت و رسوخ در میدان خدمت نهند
و بقوت کلمه الله مقابله با سیل شدید طبیعی

قریباً منتخباتی از نصوص مبارکه را که به روش جدید استدلال فرموده‌اند زیرا رت خواهیم نمود. و نیز بر طبق نصوصی که در صفحات آینده بزیرا رت آنها نائل خواهیم شد در این ظهوراً بعد از این نوع آیات نازل شده است. نوع اول آیات تدوینیه که در کتب و صحف وزبر والواح مسطور است و نوع دوم آیات تکوینیه که در لوح محفوظ ورق منشور آفاق مبعوث شده است پس در تاسیس جدید که از روش استقراء یا تمثیل استفاده مینماییم نسبت بموردی که لازم باشد گاهی از آیات تدوینیه و زمانی از آیات تکوینیه استناد خواهیم نمود. مثلاً در استدلال به روش استقراء بیشتر آیات تکوینیه ذکر خواهیم کرد. بنابراین بهتر است بدوان کیفیت ظهور و بروزاً این روش مفید و مقتدر را در تحقیقات علمی روشن سازیم و برخی از نتایج درخشن آنرا که بعداً ظهورنا بغضه شهر "رنبه دکار فرانسوی" در اکتشافات علوم و صنایع و فنون عالی دنوع انسان شده مشاهده نماییم و بر طبق آن روش قالب در میدان حکمت و بیان به اثبات امر حضرت یزدان، شریعت غرای جمال قدم‌جل ذکره‌ا لاعظم پردازیم.

بقیه از صفحه ۳۰

گاهی ما نندسعدی از کلام، عکس معنی آنرا بکبار می‌برد

آمد، آن بیجهت اندرجات	جامع اسماء و جميع صفات
پرده برانداخته ازوجه ذات	مالک آباء ملک امهات

الحق هر کس غیر از نعیم "بیجهت" را برای توصیف حق بکار می‌برد کلامی بیجهت سروده بود.

بیش از این موشکافی در افکار روز آثار رعیم از حوصله و هدف این بررسی خارج بوده و امیدوار است در فرصتی مناسب تبررسی‌های دیگری تقديم احبابی غزیز گردد. بیان راباعنا یتی مخصوص از حضرت عبدالبهاء در مورد نعیم خاتمه میدهیم:

"یا نعیم عبدالبهاء همواره در قلب حاضری و در خاطری از
یادت فراغتی نه واذکرت فرا موشی نیست زیرا مومنی
وسالک، موقنی و مهربان، ثابتی و نابت، مطیعی و
منقاد منجد بجمال ابهائی و متوجه به طلعت اعلیٰ،
ناطفی به ثنا و مبلغی بین الوری".

بقیه خاطرات جانب حجت الله خادم علیہ رضوان الله

معا مله قسمت دیگری از اراضی حول مقام اعلیٰ . پس از معا مله فوق ناقصین بیش از بیش بر مخالفت خود در راه خریدار اراضی حول مقام اعلیٰ افزودند و هر چقدر هیکل مبارک مرکز میثاق در این باب سعی میفرمودند حضرات آلمانی ها بتحریک ناقصین از فروش انقسمت که راه مقام اعلیٰ بود خود را ری میکردند . حضرت عبدالبهاء صدق پاشا را که حاکم حیفا و عکا بودوا ظها رحب میکرد ما مورفرمودند که اراضی منظور را بخرد . مخصوصاً یک روز بارانی بمنزل او تشریف بردندا و را برای خریدار اراضی نزد مالکین فرستادند . مشا رالیه مراجعت کرد و چتر خود را بکناری انداخت و اظهار داشت این معا مله شدنی نیست و حضرات ایدا حاضر فروش نیستند . هیکل مبارک با حال تا شراز منزل او خا رجو به بیت مبارک مراجعت فرموده و با طاق مخصوص خود تشریف میبرند فردا صبح یکی از مالکین که پیره زنی آلمانی بود بحضور مبارک آمده سهمی خود را میفروشد متعاقب آن شمید آلمانی مشرف شده سهمی خود را منتقل میکند و شخص سوم نیز بهمین ترتیب سهمی خود را میفروشد . حضرات مالکین برای فروش قسمتی که راه مقام اعلیٰ را بازمیکرده چهار رز عرض داشته با این شرط حاضر میشوند که سیمی در حد فاصل کشیده شود تا اگر روزی سیم قطع شود وضعیت الحال اول برگردد . ولی پس از ختم معا مله هیکل مبارک دستور میفرمایند با سنگ و سمنت دیواری کشیده شود راه مقام اعلیٰ از این رهگذر بلامانع میگردد .

پس از بتبیاع زمین راه حضرت مولی الوری در صدسا ختن مقام اعلیٰ برآمدند و شناس طاق بنا فرمودند و طاق آنها زده شد . بعد از آن مبارک با بتبیاع زمین محل سروهای نه گانه که محل توقف جمال مبارک جلت کبریا شد بود و قرا رگرفت . این زمین متعلق به شمید آلمانی بود . مشا رالیه در تگا هدا ری پافشا ری میکرد و حاضر بفروش نبود . حضرت عبدالبهاء وجهی را حاضر فرموده و بشمید فرمودند این زمین بیش از این مبلغ ارزش ندارد . ولی اقبال نکرد و نفر و خت هیکل مبارک بصبروتاً مل برگذا رفرمودند بفتح شمید که بتجارت مشغول بود و رشکست و محل مرقوم را به بیع شرط و اگذاری کرد مدت بیع شرط منقضی و نتوانست وجه بیع را برساند حاضر شد که ملک مرقوم را منتقل کنند هنگا مشرفیا بی بحضور نوربا و فرمودند که من همان قیمت اول را که بتوجه بودم کنم و همان نرا بتوجه میدهم و دلالت میفرمایند که کیسه وجه را برداشت ببرود . او نیز پس از اخذ وجه با اظهار را متنان از محضر مبارک مرخص میشود انجام معا مله بسیار مایه سرور و شادمانی جمع احباء گردید .

دسا پس ناقض اکبر - در موقع تغییر روسای عکا شخصی که قائم مقاً محاکومت بود حضور مبارک حضرت عبدالبهاء شرفیا بعرض میکند فعل اختبای را تا مدد درست من است و هر آمری که دارید بفرمائید تا من برادر تان را بیرون کنم و قلع و قمع نمایم . هیکل مبارک متعارض و جواب میفرمایند توکیستی که برادر مرا قلع و قمع کنی . مشا رالیه با حالت عصیانیت محضر مبارک را ترک و مستقیماً بنزد ناقض اکبر رفت و با او برادرش میرزا مجدد الدین طرح سازش ریخته که در مقام محووازین بردن مرکز میثاق برایند . ناقض اکبر با قائم مقاً محاکم عکا موضعه ای میکند که دودانگ قصر به جی ویک هزار لیره بحاکم بدهد بشرط اینکه حضرت عبدالبهاء را از بین ببرد مدتی میگذرد حاکم در مقام مطالبه یکهزار لیره بر میآید و چون ناقض اکبر مشاهده میکند که حاکم اقدامی نکرده است از

پرداخت وجه امتناع میکنند پاشا بحضرت عبدالبهاء مراجعته میکنند و اظهار رمیدار دکه هزا رلیسه از برادرشما طلب کارم و نمیمیدهد. میفرما یندشما بتعهد خود تا عمل کردید که اکنون وجه مرقوم را مطالبه میکنید. شما به تعهد خود عمل کنید آنوقت مطالبه نهانمایند پاشا با خجلت از محضر مبارک خارج میشود. بقرا رمذکورنا قضایا کبر مقداری از اشیاء نفیسه جمال مبارک را نیز برای این منظور بپاشا داده بوده است.

شرح چگونگی استقرار عرش مبارک حضرت اعلی در مقام اعلی – ایا معید نوروز فرا رسیدوا زطرف حضرت مولی الوری روح ما سواه فدا اعلام شده که با ید عرش مبارک را در محل خود استقرار داد. تا بوت مرمری که از زنگون آورده بودند برد و شوبه طرف مقام اعلی حمل میکرند و در هنگام حمل یا ابوالعباس میگفتند هیکل مبارک فرموده بودند درب سردا به را بازنگشتند و وجود مبارک تشریف بیا ورنده فقط درب مقام اعلی را باز کنند.

ما مورین انجام این خدمت عبارت بودند. از نجف علی . داداش علی . حسین عبدالکریم . عبدالله عرب . استاد محمد علی یزدی . وفا نی ویک نفر دیگر که اسمش درخا طرنیست . جمعا هشت نفر بودیم . عبدالکریم در باطن ازنا قضین و منافقین بود . میرزا مجdal الدین و دخترش نیز اطلاع یافته و آمده بودند ما احساس کردیم که قصد سوئی داشته و شاید در نظرداشتند که صندوق عرش مبارک را بربا یندوی چون مرا قبیت ما را ملاحظه کردند رفتند ولی ما در محضر مبارک حضرت عبدالبهاء این موضوع را بعرض نرسانیدیم .

حضرت مولی الوری بعدا ز شهر تشریف آوردند . وا مرفرمودند درب سردا به را باز کنیم ، هیکل انور مرکز میثاق با سروپای بر هنها زدم درب مقام اعلی بطرف سردا به حرکت فرمودند و ادخال سردا به شدن و صندوق حامل عرش را در بغل گرفته بشدت گریستند . صدای گریه مبارک بطوری بلند شد که احباء بدرون سردا به داخل شده و هیکل مبارک از سردا به خارج شدند رنگ چهره مبارک از شدت گریه زرد شده بود . فرمودند صندوق را بداخل سردا ببرندسه صندوق تودرت و حامل عرش مبارک بود و صندوق آخر حامل عرش بود که سرا سریوشیده از تمبر پست بود . فانی احساس کردم که عبدالکریم نیت سوئی دارد که صندوق را انداده بشکند . دادو قال من بلند شد ، هیکل مبارک تشریف آورده و فرمودند چه خبر است ؟ و سپس فرمودند همه بمستور حسین آشی علی کنید .

ما طنابی دورا دور صندوق بسته و طوری آنرا بتانی و آهستگی حرکت دادیم که اختیار سرعت آن در دست خود ما بود تا اینکه صندوق بداخل سردا بنقل گردید . سپس به فانی احساس کردم حامل عرش را از توی صندوق بزرگی که از ایران حمل شده بود برداشت بست مبارک دادم – هیکل مبارک آنرا گرفته و بست خود در داخل صندوق چوبی دیگری (که بقرا رمذکور چوبش پس از یک سال محجر میگشت) قرار دادند و آن صندوق در تابوت مرمر مجاہی گرفت .

تا سه روز درب سردا به باز بودوا مرفرمودند احباب زیارت میا مدد و سپس درب سردا برا بستیم (واین در سال ۱۹۰۹ میلادی مسیحی بود) تا بوت مرمر تقریباً دو مترو نیم طول و یک مترو چوارک عرض داشت .

حضرت عبدالبهاء فرمودند پس از شصت سال اکنون آسوده و راحت شدیم و عرش مبارک بمقر خود استقرار ریافت ضمنا فرمودند قصدا شتم صندوق روئی را که حامل صندوق عرش مبارک بوده با ایران عودت دهم ولی بعدا ملاحظه کردم که موجبات اختلاف بین احباب خواهد گردید و آراء و عقاید مختلفی ایجاد خواهد شد این بود که منصرف شدم .

فانی نیز در نظرداشت که آن صندوق را بردا رم حضرت مولی الوری فرمودند احتمالی حق ندا رد چیزی از این وسائل و اسباب را بردارد.

در آن موقع عده‌ای از احبابی مصروف بیرون نیز مشرف بودند. عبدالکریم در محضر مبارک عرض کرده بود میرزا مجدالدین و دخترش نیز آمدند بودند هیکل مبارک بسیار متاثر و متغیر شده بودند و به عبدالکریم فرموده بودند آیا بس نیست؟ دوازده سال با توهمندی کردم آیا بس نیست؟

مقدارا راضی ابتدیاً تا آن تاریخ. اراضی حول مقام که تا تاریخ توقف فانی (۲۱ سال قبل) خریده شده بود در قسمت پائین مقام اعلی تقریباً ۱۸ جریب و در بالای مقام اعلی تقریباً ۲۵ جریب.

ورود مفتیشین - دوازده نفر مفتیشین حکومت عثمانی از اسلامبول وارد عکاشدن و در باغ مجاور قصر که متعلق به عبدالغفاری بیضون بودوا زدشمنا لدو دحضرت مولی الوری بود متزل کردند. ناقصین با عبدالغفاری همدست و متفقاً بتوشتن لواحی بر پرده هیکل مبارک مشغول شدند. حضرت مولی الوری را متهم کرده بودند که در مقام اعلی بسا ختمان قلعه و حصاری برای مقام و مت با دولت مشغول ندروزی که مفتیشین به مقام اعلی آمدن دقاًم مقام حاکم عکا که در معیت آنها بود راهنمای آنها بود و مخصوصاً بخارطه را رم که با دست خود دیوارهای مقام اعلی را نشان میداد و میگفت ببینید آیا این دیوارهای با این محکمی بدون یک قصد مخصوص ساخته شده است؟ و آنها هم میگفتند (این بنا ایان چو خ متین دور) ضمانت گفته بودند که حضرت عبدالبهاء لشکر همدا رند. هیکل مبارک میفرمودند ببینید چه خبر است چند نفر پاشا ای اعلی مقام مدتها است در سوریه میگردند ولی هنوز لشکر ما را نیافرند.

در لوحی حضرت عبدالبهاء فرموده بودند که رحمة الله از تعريفی که مفتیشین از استحکام بنا کرده بودند خوش آمدید بود. ولی ترکی نمیدانست که مطالب آنها را کا ملا بفهمد. از نجا رهائی که در مقام اعلی مشغول در ساختن بودند، مفتیشین سؤال کرده بودند که این درها را برای کجا میسازید. جواب داده بودند که برای همین جا درها که ساخته شده است. نجارها در این موقع ترسیده بودند و رفتند.

جریان وقایع را در روزنا مدها این طور در جنموده بودند که خدمرا گرفتند و کتش را بستند. سؤالاتی از اول و کردن و چون جواب ندادند اورا بمصر برندند. حال آنکه جزا حترا مهیچگونه اقدامی نسبت بمن نکرندند.

قبل از ورود مفتیشین حضرت عبدالبهاء فرموده بودند. آنچه اوراق والواح حباء دارند به رحمة الله بدھند که حفظ نماید.

قبل از ورود مفتیشین که از آمدن اینها اطلاع یا فتح حضور مبارک عرض کردم که قرض زیادی دارم و مقداری گا و وگوسفند همدا رم هرگاه اجازه فرما یند آنها را بفروش رسانیده بقروض خود پردازم. فرمودند قدری صبر کن. از این بیان مبارک فهمیدم که هیچ خبری نخواهد شد.

مفتیشین در حدو ددوا زده روز در عکا و حیفا بودند، در این موقع یعنی در همان ایام اقدامات مفتیشین عروسی جناب آقا میرزا عنایت الله اصفهانی و سرکار خانم ضیاء وهم وصلت این فانی بانظیره خانم واقع شدند و بدآ شدت عملیات مفتیشین در راه مبارک تا شیری ندادند و از لوح منیعی که در آن موقع نازل شده است بخوبی قدرت الهی هیکل مبارک مشهود است.

در همان ایام توقف مفتیشین، حضرت عبدالبهاء بتا سیس واحد اث با غجه‌ئی پشت منزل خود بقیه در صفحه ۳۹

شرح حال محضر مصاعدی آنچه بعیم سبحانی علیه رضوان است

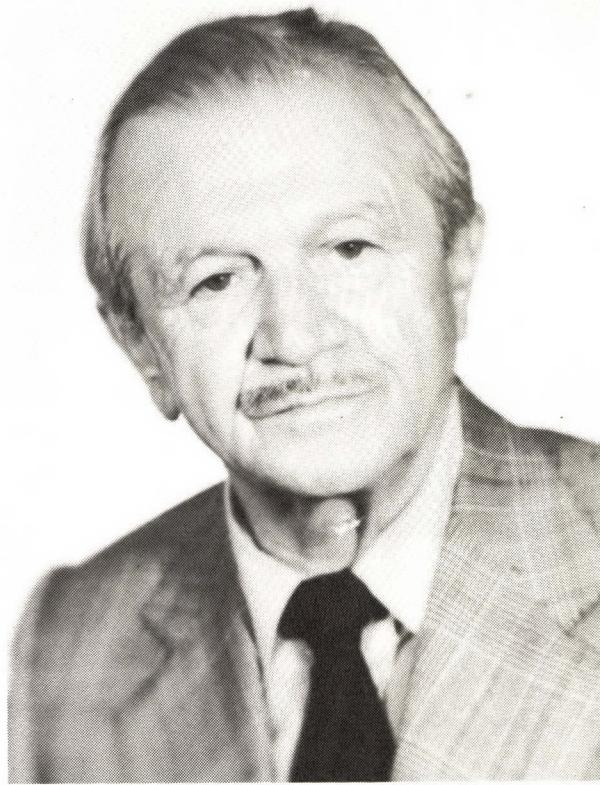
(از اخ)

برای اولین با ردرسال ۱۳۱۲ شمسی بعضیت محفل روحانی رشت انتخاب - در نقشه چهل و پنج ماه به تویسرکان مهاجرت و در تشکیل محفل روحانی در آن مدینه اهتمام فراوان نمایان ساختند تا ینکه از طرف بانک ملی به آبادان منتقل وبعضیت محفل روحانی آن شهر را انتخاب ولی با قتضای اشتیاق به مهاجرت که برادر دستورات هیکل مقدس حضرت ولی عزیزا مرالله همواره عز وصول میبخشید در ایشان ایجاد شده بودیم ایتالیا عزیمت و در شهر میلان ساکن وبعضیت محفل روحانی آن شهر مفترخ و بخدمات ذی قیمت امریکانی اهل و موفق گردیدند دولی پس از قریب دو سال مجبور به معاودت با ایران گردیده و مجدداً در بانک ملی مشغول شدند و خدمات امریکه خویش را در آین کشور مقدس مجدد آغا زومکر بزمی سمت نماینده در کا نوشتهای ملی شرکت و مخصوصاً در تبلیغ امرالله و نشر نفحات الله اهتمام فراوان معمول داشتند و چون بزبان ارمنی مسلط بودند لذا در لجه تبلیغ ارا منه و لجه ترجمه آثار مبارکه بزبان ارمنی نیز عضویت حاصل کردند و در لجات نشر آثار را مرتباً محافل تذکر مصدر خدمات مفیده بوده و در طبق نقشه ساله به طهران نسرا ن نقاط مجاور طهران مهاجرت نمودند. جناب سبحانی در ۱۵ سال اخیر اقا مت خود در ایران از طرف محفل مقدس روحانی ملی بسمت ناشر نفحات الله منصوب و در تیجه برای انجام این خدمت شریف سرتبا به نقاط مختلف کشور مقدس ایران مسافرت و بزیارت و تشویق احباب و تشكیل

جناب نعیم سبحانی در سال ۱۲۸۷ شمسی در شهر قزوین متولد گردیدند. نام پدرشان جناب عبدالعلی سبحانی (خواه رضا ده حضرت سمندر) و نام مادرشان معصومه خانم فرزند جناب میرزا حسن حکیم از قدما احباب در قزوین که بشرف لقای جمال قدم جل ذکرہ لا اعظم و تشرف باستان مبارک حضرت عبدالبهاء روا حنا العبودیت الفداء فائز گردیده است.

جناب سبحانی تحصیلات مقدماتی وابتدائی را در مدرسه توکل که یک مدرسه بهائی در قزوین بود بپایان رسانده و چندی سمت معلمی این مدرسه را احراز و سپس وارد مدرسه عالی طرق شده و با موفقیت آن مدرسه را نیز پس از رسانده و در آداره طرق مشغول خدمت شدند پس از چند سال در کارخانه قندر اراک و سپس به بانک ملی ایران منتقل و در موسسه مزبور در شهرستانهای مختلف مصدر مقامات پر مسئولیت بوده و با لآخره در سمت مدیریت بانک ملی ایران - شعبه بازار سالها انجام وظیفه کرده و با احراز شرایط لازم با زنشته گردیده است. تردید نیست که در سمت مدیریت مدت عمر این خدمات را با کمال صداقت و امانت انجام داده و همواره مورد اعتماد مقامات مأمور خود بوده است.

ایشان معلومات امری را از اوان طفویل در محضر حضرت سمندر و سپس جناب حاجی واعظ قزوینی اکتساب و در عنفوان شباب در معیت پدر بزرگوار خود بمسافرتها تبلیغی و تشویقی قیام و همواره در تزیید معلومات و تجربیات خویش مداوم و مقاوم بوده است.



از اشعار ایشان را که بمناسبت ورود حضرت
امه البهار وحیه خانم به کالیفرنیا سروده است
در صفحه بعد در ج مینما یدضم نا از قطعات
اشعار یکه در زمان حی ات بعنوان هیئت
تحقیقی عندلیب ارسال داشته اند در موقع
مقتضی استفاده خواهد شد.

تب
"هیئت تحریریه عندلیب بدین وسیله مرا
تسلیت و همدردی خود را بمناسبت صعود جنا
نعم سبحانی بخانواده ایشان معروض داشته
وتوفیق خدمتگزاری باستان الهی را از
برا ایشان مسئلت مینما ید".

هیئت تحریریه عندلیب

کلاس‌های مختلف برای جوانان و سایر احبابی
الله و مذاکره با طالبین حقیقت موفق بودند
جناب سبحانی چند سال قبل که اوضاع برای
پیروان اسماعیل مهدیه را می‌سازگار
گردیده آمریکا عزیمت و درایالت کالیفرنیا
ساکن و بعضویت لجنه تبلیغ بومیان در آن
سرزمین انتخاب واقعات خویش را کما کان
به نشر نفحات الله و مطالعه و تالیف و سرودن
اشعار رصرف مینمودند ولی جسم ایشان نحیف
و چشمها ضعیف و تووانایی حرکت نقصان
حاصل کرده بود که در نتیجه در تاریخ ۲۰ نوامبر
۱۹۸۳ بعلت ناراحتی قلبی بملکوت ابھی
متصل عدگردیدند.

جناب سبحانی در عنفوان جوانی با سرکار
هرمینه خانم آوانسیان از ارا منه قزوین
ازدواج جوا ایشان با مرمبارک مومن و در جمیع
خدمات وزحمات و مسافرتها معاون و مساعد
جناب سبحانی بودند فرزندان ایشان نیز
عموماً باستان الهی مومن و بخدمات فائقه
موفق بوده و هستند.

تلکس ذیل بمناسبت صعود جنا ب سبحانی از
ساحت اقدس بیت العدل اعظم الهی بعنوان
محفل ملی آمریکا مخابره گردیده است.

"از صعود خادم فدا کار آستان حضرت
بہاء الله نعیم سبحانی متاسف. لطفاً
همدردی محبت آمیز ما را به اعضای خانواده
ابلاغ و به ادعیه ما در مقامات مقدسه برای ترقی
روحش در ملکوت ابھی اطمینان دهید.

بیت العدل اعظم

در خاتمه بعرض یاران الهی میرساند که
جناب سبحانی در زمان حیات خویش مقداری
از اشعار خود را جهت مجله عندلیب ارسال
داشتند و هیئت تحریریه نیز تصمیم گرفت که
چند غزل آنرا انتخاب و در مجله درج نماید
لکن متاسفانه بعد از مدت کوتاهی ایشان
بملکوت ابھی صعود نمودند و حال یکی از

رسیدم ژده که گل آ مدوصفاً آ ورد
هزار شکر که اقبال روبم ساً آ ورد

صبا مسیح نفس گشت و ابر گوهر ریز
هوا معطر و مشکین شم به آورد

ز دور میرسد م برم شبا م بموی قمی ص
برم دیده کن عانیان شفا آورد

همای اوج سعادت نشست بر سر مها
پیام صلح و صفا آیت وفا آورد

عزیزگوه ریکتای بحرا عظم حلق
که حق صحبت اهل وفا بجهات آورد

هم اوست خانم اهل بها ایا دیا مر
شرف بخیل غریبان آشنا آورد

یگانه (بازمانده) ممتاز غصن ممتاز است
فرشتہ ایست که رحمت پرشم آورد

عزیز پیک ایا دی و معهداً علی است
سروش عشق بهاء از سوی خدا آورد

بخي رمق دم او گفت طبع سیحانی
نیعم مژده که گل آمد وصف سایا ورد

قسمت جوانان

(از آقای دکتر علی مجموعی)

پیمان حیث و ثابت رهان کیست؟

پیمان میباشد بحث خواهد شد. مواعید حق و عطایای الهی که بما وعده میفرمایند عبارتند از: ایمان و عشق و امید و همچنین آرایش خاطر و آسایش خیال و سلامتی روح و جسم و تحصیل معنویت و روحانیت و شادمانی و سرور و ابتهاج قلبی. و برای حصول با این مواهب الهی و دارا شدن این بزرگترین آرمانها زندگانی تعالیم و دستورهای عنایت فرمود که شرط رسیدن با این نعمتها و الاعطاوی گرانبها عمل با آن تعالیم است و اجرای آن امامت.

اول روحانیت و معنویت است که اساس دین است و حاصل نمیشود مگر از راه استایش و نیایش و این است که عبادات در راس وظایف دینی قرار دارد، و مرکز پیمان امراض اعلی حضرت عبدالبهاء در این مورد چنین میفرمایند:

"اعظم امورا جرای احکام عبادتیه الهیه از قبیل صلات و صوم است قلب انسان جز بعبادت رحمن مطمئن نگردد و روح انسان جز بذکریزدا ن مستبشر نشود قوت عبادت بمنزله جناح است روح انسان را از حضیض ادنی بملکوت ابھی عروج دهد و کینونات بشریه را صفا ولطفت بخشید و مقصود حرباً بین وسیله حاصل نشود." *

* گنجینه حدود احکام چاپ اول صفحه ۶

کلیه روابط انسانها در هر سطح و مقامی بر مبنای "قرارداد" و یا "پیمان" استوار است و ضا من نظام اجتماع و راه و رسم زندگی انسانها همین قرارداد است. بیشتر این قراردادها نوشته نشده است ولی مشخص و معین است و حاکم بر حسن روابط انسانی

پیمان در کتاب لغت چنین تعریف شده: پیمان - (فتحاول) شرط، عهد، قرارداد، قول و قراری که کسی با کس دیگر بگذارد که بر طبق آن عمل کند.

تعریف دیگر پیمان: عهدی است در برا بر عهدی یا تعهدی است در برا بر تعهدی و یا قولی و قراری است در برا بر قول و قراری. هنگامی که ما آئین بهائی را میپذیریم و به حضرت بهاء اللہ ایمان میآوریم عمل تعهدی را بر عهد میگیریم و پیمانی با آن حضرت میبندیم. حال به بینیم در این پیمان آن چه که از جانب حق بما و عده داده میشود چیست و آنچه که تعهدنا نجا م آنرا ما بر عهد میگیریم چه میباشد.

مواعید حق را میتوان به دو دسته کلی تقسیم نمود.

دسته اول در سطح فردی و آنچه که مربوط به شخص انسان میشود.

دسته دوم مربوط بمسائل اجتماعی و نظم بدیع جهان آرای الهی و صلح عمومی و وحدت عالم انسانی است

درا این گفتار فقط در مورد مسائل شخصی و آنچه که مربوط بفرد انسان بعنوان پذیرای

قیام کنندوشا بت نما یندکه بهائی حقیقی
هستندن لفظ بی معنی و بهائی این است
که شب و روز بکوشیدتا در مراتب وجود ترقی
وصعود نمایا یدونها یت آ رزوی هریک این
با شدکه نوعی روش و حرکت نمایدکه جمیع
بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه
نظرگاهش همواره خلق و خوی حق باشد و
روش و سلوك سبب ترقیات نا متناهیه
گردد بقدر قوه رحمت عالمیان شود و بقدر
استعداد و موهبت عالم انسان گردد چون
با این مواهب موفق شود میتوان گفت که
بهائی است والادرا این دور مبارک که فخر
قرون واعصار است ایمان عبارت از اقرار
بواحدانیت الهیه نه بلکه قیام بجمیع
شئون و کمالات ایمان است *

و نیز حضرت ولی عزیزا مرا لله درتا کید در حسن
اخلاق و رفتار در توقیع منیع مورخ ۱۶ اکتبر
۱۹۲۵ چنین میفرمایند :

"معرفت مظهر ظهر اگر تمرون تیجه اش حسن
سلوک و تزکیه اخلاق نباشد از نفوذ و تاثیر
محروم و نزدا هل دانش و رباب بصیرت قبل
اعتنای بوده و نیست چه که این معرفت حقیقی
نه بلکه صرف توهمند و تقلید است و همچنین حسن
نیت و صفات قلب و راستی و صداقت اگر چنانچه
از تورشنا سائی حق محجوب ماندوبا قبال
بمظہر ظهر فائز نگردد بالمال از قوه
دافتار اید و امدادات روح القدس که یگانه
داعی هموم و کروب این عالم ظلمانی است ممنوع
وازتا شیردائی و نتایج کلیه محروم فتح
وظفر در این قرن انور نصیب مومن نیکر فتار
است نه عالم بدکردار "

بر مبنای این بیانات مبارکه تعهد ما بعنوان
پذیرای پیمان "پس از ایمان و عرفان بشرق
و حی و آیات و مطلع امراعزاعلی که شرط پیمان

و پس از حصول با این مقصوداً صلی یعنی تلطیف
دل بوسیله عبادات و زیارت آیات الهی در
هر صبح و شام و تفکر و مراقبه و مکاشفه و تعمق
(ژرفاندیشی) و تزکیه روح از راه نما زورو
و مناجات، عمل و اجرای تعالیم مبارکه است
که سبب ارتقاء بمقامات معنوی و ترقی و
تعالی نا متناهی و جالب مواهی الهی
میگردد. چه که عبادات بدون تخلق با خلاق
رحمانی و متصف بودن بصفات معنوی نمای
مقبول درگاه حضرت کبریا است و نه منتج
به نتیجه ای که حق تعالی برای بندگان خود
خواسته. و در این خصوص این است یکی از
بیانات اعزاعلی جمال اقدس ابیه :

"... با یددرکل احیان بحق جل و عز
پناه بردو توفیق خواست تا مoidشود و
با استقامت برآنچه ادراک نمود و عمل
با نچه درکتاب الهی نازل شده. اگر
نفسی در جمیع عمر بعبادت مشغول شود
واصفاتی که سبب ارتفاع امرالله است
محروم ماندان عبادت حاصل ندارد و شمری
نخواهد بخشید." *

بدون تردید خواندن و غور در آثار روکسب دانش
وفضیلت برای مقصدی است. چه که دانستن
که خود فضیلتی است عظیم، مقدمه ایست برای
عمل و وسیله ایست برای اخذ نتیجه ای
علیترو حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

"اس س دین الله کسب کمالات است و
استفاده از فیوضات مقصد از ایمان و
ایقان تزئین حقایق انسانی
بفیض کمالات ربانی است اگر این
حصول نیا بدحقیقت حرمان است
و عذاب نیران پس بهائیان باید
... بجمیع شئون از خصائص و فضائل
رحمانی در روش و رفتار رنفوس ربانی

میفرمایند:

"امروزد و چیز ازلوازم احبابی الهی است
اول تحسین اخلاق و نورانیت صفات و
انواریت اطوارثانی نشرنفحات و ترویج
حسنات و از خصائص تعديل اخلاق صادقت
و فواید مانت و تقوی است*

و همچنین در لوح هفتم از فرا مین تبلیغی که
با فتخا ربها ئیان امریکا و کانادا نازل
شده حضرت مولی الوری چنین میفرمایند:
" . . . پس یقین بدانید که هر نفسی الیوم
بنشرنفحات الله قیام نماید جنگ اسود
ملکوت الله تائید فرماید و الطاف و عنایات
جمال مبارک احاطه کند . ای کاش از برای من
میسر می شد که پای پیاده و لوبکمال فقر
با نصفحات مسا فرت مینمودم و نعره زنان
در شهرها و دهات و کوه و بیابان و دریا
یا بهاء الابهی می گفت و ترویج تعالیم
الهی مینمودم . ولی حال از برای من
میسر نه لهذا در حسرتی عظیم هستم با که
انشاء الله شماها موفق گردید***

در خاتمه: این بود بطور اجمال نظری به
"پیمان" و هر کس که "پیمان" مقدس
را محترم بدارد و دو بر عهدی که در پیشگاه حضرت
منان نموده پایدار باشد و شرط وفا بجا آرد
اوست "ثابت بر پیمان" و با تفاوت حافظه
بزرگوار:

وفا و عهد نکو باشد اربیا موزی
و گرن نه هر که تو بینی ستمگری داند

* گنجینه حدودا حکا مصفح ۸۲

** همان کتاب صفحه ۸۵

*** مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد سوم چاپ
مصر صفحه ۲۲

است عبارت است از تلطیف روح و حصول معنویت
وروحا نیت و تخلق با خلاق رحمانی و عمل و
اجرای احکام و تعالیم الهی .

ماده دوم این پیمان که ازلحاظ اهمیت
در ردیف ماده اول قرار دارد، اما پس از حصول
بمقام اول واجب میاید این است که این
عطیه و موهبت رحمانی وبخش خدائی را تهی
برای خودنگاهنداریم بلکه بموجب امر
صریح و مبرم صاحب امر آنرا با دیگر همنوعان
خود تقسیم و تسهیم نمایم و دیگران را هم
با این موهبت کبرائی که آن فائز شده ایم
راهنمایی کنیم و از این فیض عظمی آنها را
بهره مند سازیم چه که این موهبت تنها برای
ما نیست بلکه برای همگان است و چون شرط
اول ایمان محبت الله است و محبت الله
حاصل نمی شود جز بداشت محبت به بندگان
خدای این است که برای اثبات محبت خود بخدا
بننا چار باید با خلق خدا مهربان باشیم و شرط
مهر و وفا و محبت و صفا بخشش و عطا است و کدام
بخشن و عطائی بالاترا زهدیه عشق ایمان
وا میدا است که جانها را تازه سازد و دلها را
با هتزرا آرد دوراه حق و حقیقت را به منوعان
بنما یا ندوزندگی آنها را پراز مر و سور و
وشادمانی نماید .

اهداء این عطیه و تقسیم و تسهیم این موهبت
الهی تبلیغ نماید می شود و آن ابلاغ
کلمه الله است که بزرگترین نشانه مهر
ودوستی و مردمی با هل عالم میباشد که
با النتیجه جا لب تائید و الطاف الهی است
ودراهمیت آن همین بس که جمال اقدس
ابهی میفرمایند:

"بعدا ز عرفان حق جل جلاله واستقامت
هیچ مری اعظم از تبلیغ نبوده و نیست صد
هزار طوی از برای نفسی که با این هرسه فائز
هم از کاس عرفان نوشیده و هم باستقامت کبری
فائز و هم بتبلیغ امر مشغول *

و مرکز عهد و میثاق الهی حضرت عبدالبهاء

نمودند. امّة البها وهمسفرشان سرکار خانم
ویولت خانم نخجوانی بعدا به چند جزیره
دیگر در آن قسمت تشریف برده هشت مژوئن
برای یک سفری کما همه پا پوا گینه جدید
برای Papua New Guinea تشریف برند.

جناب علی اکبر فروتن - بعد از شرکت در
اولین انجمن شور روحانی ملی جزاير کاناري
بنما يندگی بيت العدل اعظم با روپا برای
ملاقات جوا مع بھائی تشریف برند. بموجب
تلگرافی که روز ۱۲ مژوئن محفل روحانی ملی
آلمان با رض اقدس مخابرہ نمود تعداد ۴۰۵ د

تن دوستان بھائی حاضر در احتفالی که روز
۹ مژوئن منعقد گردید از بیانات تشویق آمیز
ایادي امرالله قرین مسرت و امتنان
گردیدند.

جناب علی محمدورقا بنما يندگی
بيت العدل اعظم دراولين انجمن شور روحانی
مارتینیک از ۲۰ تا ۲۲ وريل موردا استقبال
دوستان واقع و در راپورت خودا ظها رمیدا رند
كه قرائت پیامهای معهد عظمی و دارالتبليغ
بین المللی و وصول تلگرافهای تبریک
و تهنیت از محافل ملیه دیگر بخوبی رابطه
الفت و اتحادیین موسسات نظام بدیع را نشان
داده قلوب را مشحون از بھجت و سور مرینما ید
ضیافت اتحادی با حضور عده ای افراد غیر
بھائی منعقد و نشان دادن فیلم چهل و پنج
دقیقه ای بعنوان "بھائیان" که توسط
محفل روحانی ملی کانا دا تھیه شده دوستان
را بخصوص آنان که بخارج جزیره سفر کرده اند
بینها یت مشعوف نمود. جناب ورقا دریک
مصاحبه حضوری را دیوبه سئولهای شنوندگان
که بوسیله تلفن میرسید جواب دادند.

روز ۲۳ وريل ایدی امرالله بنما يندگی
بيت العدل اعظم دراولين انجمن شور روحانی
ملی گویان فرانسه حضوریا فتند.

احبّار و بشارة امریّه

اسفار بین المللی حضرات ایادی امرالله

امّة البها روحیه خانم طی اسفار تشویقی
خود در شرق اقصی ماه مه در کشور کره مسافتی
معا دل دوهزار کیلومتر با اتومبیل پیموده
در ۱۲ مرکز با احبابی الهی ملاقات و در مجلس
عمومی با اعلان و ترویج امیرپرداختند و با محفل
روحانی ملی جلسات مشورتی داشتند و ضمن
تلگرافی که با رض اقدس مخابرہ نموده اند
صفات حمیده مردم کره را تقدیر و تمجید نموده
مشورت با محفل روحانی ملی را متمرث می
شمرده اند. امّة البها روز ۲۲ مه از کره به
جزائیر ماریانا (Mariana) دراقیانوس
کبیر تشریف برده در جزیره روتا (Rota)
شهردا رپذیرایی گرمی از ایشان بعمل آورد
و در جزیره سایپان (Saipan) علاوه
بر یک مجمع عمومی که عده کثیری افراد غیر
بھائی حضور داشتند بزرگترین احتفال احباب
برای ملاقات و استماع بیانات امّة البها
تشکیل گردید. اما تماس و ملاقات ایشان
با روسا و ولیای امور بیش از هر چیز قابل
مالحظه بود با رئیس پارلمان و معانوں
مصطفی حبیب داشتند و با رئیس پارلمان و معانوں
فرماندا ر ملاقات نمودند. در جزیره گوام
فرماندا ر ایشان صمیمانه Guam
پذیرایی نمود و در چند جلسه با محفل روحانی
ملی دوستان ملاقات کردند در جزیره پالاو
Palau امّة البها پنج روز توقف نموده موفق
شدند با رئیس جمهور مصاحبه ای بمدت ۲۵ دقیقه
داشته باشند و با معاون رئیس جمهور ملاقات

انعکاس وضعیت بهائیان ایران در مطبوعات آمریکا

در مطبوعات ایالات متحده آمریکا دو فقره اعلان امرالله بنحوی بی سابقه تحقیق یافته است. روزنامه نیویورک تایمزیکی از جرائد معترکشور در شما رهبری سر مقاومت خود را بشرح وضعیت بهائیان در ایران اختصاص داده عنوان مقاله را "ظلمت موسوم به ایران Darkness Called Iran"

گذاشته است و با این عبارت شروع میکند: "بعضی از نامهای در دنیا کوتایرا و رما از ویلمت ایلینوی مرکز جا معبه بهائی آمریکا واصل شده" اسمی مردان، زنان و کودکانی که در ایران ظاهر با اسم دیانت کشته شده‌اند ذکر میکنند میگویند در ایران مبارزه‌ای علیه بزرگترین اقلیت مذهبی سیصد و پنجاه هزار بهائی شروع شده که این افراد مسلح طلب را که پیروان دیانتی هستند که یک قرن پیش در محیط اسلامی ظهر کرده از بین برند در همان هفتۀ مجله تایم (Time) شماره ۲۵ فوریه یک صفحه‌تما مرا بشرح مصائب بهائیان در ایران اختصاص داده عکس‌هایی از چند پناهندۀ بهائی ایرانی در جو با یکی از آنها که پسریک شهید است مصادیه کرده بعضی از تعالیم بهائی را در ردا تها مات وارد بمه بهائیان نقل میکند.

در کنیا - مجاهدات تبلیغی سال ۱۹۸۳ در پنج ناحیه کشور منتج نتایج عظیمه گردیده مراکز جدید فتح و محافل روحانی محلی جدید تا سیس شده است. جمعاً ۱۰۶۹ نفر مؤمنین جدید تسجيل گشته‌اند. تنها در ناحیه ساحلی مالیندی Malindi از ۱۶ تا ۲۹ دسما مبرد نتیجه اقدامات تبلیغی ۴۹ نفر مبلغین سیار محلی تعیاد ۷۴۱ نفر مؤمنین جدید تسجيل و ۳۶ محفوظ روحانی

تأسیس گشت.

در موریس - اخیراً دولت تصمیم‌گرفت دو روز به تعطیلات رسمی اضافه کنداز طرف محفظ روحانی ملی کتبًا از دولت تقاضا شد برای بهائیان دور روز ۲۱ مارس (عید نوروز) و ۲۱ آوریل (عید رضوان) را تعطیل رسمی قرار دهند.

در سیرالئون - نزدیک محلی که مدرسه زمستانه بهائی در ماہ دسامبر داير بود گروهی از مسیحیان نیز اردو زده بودند و باز بهائیان دعوت کردند که برای شان صحبت کنند و با کمال توجه به سخنان ناطق بهائی راجع به پیام حضرت بهاءالله گوش داده یادداشت برداشتند. یکی از آنها بعداً نزد بهائیان آمده اطهار را تصدیق نمود و در ظل امروز را رد شد.

در هاوای - محفوظ روحانی ملی بعد از وصول پیام بیت العدل اعظم را جع به مضيقه مالی صندوق بین المللی جلسات مخصوص در تما مجزا عرض ترتیب داده هدف را جمع آوری مبلغ شش هزار دلار تا نوروز ۱۴۰۱ بدیع قرار دادند سخاوت احبابی الهی بیش از انتظار محفوظ ملی بود و برا بر مبلغ مورد نظر یعنی ۱۲ هزار دolar در رشیش روز تقبل کردند و در بودجه سال ۱۳۴۳ در صد بجمع تبرّعات اضافه شد.

در زئیر - حاضرین در یک کنفرانس بهائی که توسط هیئت معاونت ترتیب یافته بود شامل ۱۱۵ تن نسوان و ۴۵ تن رجال بود بعلاوه هفت نفر اولیای امور دولتی پنج کشیش مسیحی از پنج فرقه مختلف حضور داشتند موضوع کنفرانس تبلیغ دسته جمعی و شرکت نسوان در جلسات دینی بود.

دارالتبليغ بین المللی به مقر جدیداً نتقال می‌باشد.

۱- جزایر کاناری (Canary Islands) در آقیانوس اطلس شمالی با حضور ایادی امرالله جناب علی اکبر فروتن و مشاور Mr. Heⁿuzet محترم مستر هنوزت
۲- جزیره مارتینیک (Martinique) از آنتیل های صغیر. با حضور ایادی امرالله دکتر علی محمدورقا و مشاور محبوب دکتر Dr. Sarah Pereira سارا پریرا
۳- گویان فرانسه در آمریکای جنوبی با حضور ایادی امرالله جناب دکترو روفا و مشاور Dr. King محترم مستر کینگ
۴- جزیره گرنا دا از آنتیل های صغیر با حضور ایادی امرالله جناب دکترو روفا و مشاور Ruth Pringle
۵- حزیره کیپ ورد (Cape Verde Islands) در آقیانوس اطلس شمالی با حضور مشاور و محترم جناب اردکانی و نمایندگان هیئت مشاورین
۶- کشور گینه استوائی (Equatorial Guinea) در آفریقا غربی با حضور جناب دکتر مهدی سمندری و نمایندگان هیئت مشاورین
۷- کشور گینه استوائی (Equatorial Guinea) در آفریقا غربی با حضور جناب دکتر مهدی سمندری و نمایندگان هیئت مشاورین
۸- کشور گاندراون (Ursula Samāndarī) در آفریقا غربی . با حضور مشاور و محترم دکترو هوشنگ عهده سفر جناب دکتر شاپور را سخو قرینه محترمه دکتر مهری را سخ در مالک آفریقا غربی
جناب دکتر شاپور را سخ و قرینه محترمه دکتر مهری را سخ در سفری به آفریقا نمودند درسا حل عاج و سنگال و کامرون به ملاقات دوستان و مصاحبه با نفووس مهمه حکومتی و فرهنگی مانند وزیر دادخواه و وزیر بهدا ری و وزیر فرهنگ و نمایندگان زمان ملل متحد پرداختند و در هر مورد بعنوان دومسا فربهای از کشور سویس معرفی شدند و کتب بهای اهداء نمودند . در دانشگاهها و مؤسسات فرهنگی مستمعین بخصوص جوانان و نسوان از بیانات ایشان استفاده فکری و روحانی کردند .

در مرقومه‌ای که بتاریخ ۳۰ اوریل از طرف
دارالتبليغ بین الملکی به هیئت‌های
مشاورین قاره‌ای ارسال شده با مسرت انتقا
آن هیئت را به مقر جدید در خیابان ها پا رسیم
شماره ۱۰ Haparsim Street) اعلام
میدارند. این محل از تا ۱۹۶۳ مقرر
بیت العدل اعظم بوده است. عمارت و اراضی
حول آن سوابق تاریخی مقدسی دارد و یکی
از محل‌ها نیست در دامنه کوه کرمل که حضرت
بهاءالله خیمه زدند. عمارت آن ابتدا
برای مسافرخانه زائرین غربی ساخته شد که
حضور حضرت ولی امرالله مشرف می‌شدند در
سینیں بعداً زصعو و حضرت ولی امرالله افمتگا
چندتن ایادی امرالله مقیم ارض اقدس
بود. بفضل و احسان معهد عظیمی و راهنمائی
امة البهار و حیه خانم عمارت به صورت وحالت
سابق خود در زمان حضرت ولی امرالله بر
گشته و روزی کشنبه ۱۵ اوریل اعضاء بیت العدل
اعظم و ایادی مقیم ارض اقدس و مشاورین
اعضاء دارالتبليغ بین الملکی جلسه افتتاحیه
مقر جدید را با دعا و مناجات برگزار نمودند.

انحمن های شورروحا نی جهت انتخاب محافل روحانی ملی جدید.

در رضوان ۱۹۸۴ طبق نقشه نه ۹) محفل روحانی جدیدتا سیس شد، بشارت تشکیل انجمنها ای شور روحانی و موفقیت در انتخاب اعضاء محافل ملی بوسیله تلگراف با رضا اقدس مخابر و تکمیل اهداف نقشه تعهدگردید. در هر یک از این انجمنها یک تندازیا دای مرالله یا اعضاء هیئت مشاورین قاره‌ای شرکت داشتند ازین‌قرار:

جزائِر آندا مان و نیکوبار (Andaman & Nicobar Island) با حضور ایمادی ا مرالله امّة البهار و حیه خانم و سرکار رویولت نخجوانی و مشا و رین شیرین بومن - زینا سهرا بجی و بُرها ن الدین افشین .

در کانادا اعلان و ترویج امرالله به طرق مختلف انجام میگیرد.

۱- دریک مجله‌غیربها ئی موسوم به Canadian Women Studies

(مطالعات نسوان کانادائی) که بدو زبان فرانسه و انگلیسی منتشر میگردد مقاله‌ای بفرانسه بقلم دونفرخانم درج شده و در همان شماره مجله مقاله‌ای تحت عنوان "نسوان و آئین بهائی - مبداء دیانتی تساوی" بقلم یک دوشیزه بهائی که در دانشگاه برای اخذ گواهی نامه دکتری تحصیل میکنند روحیه از است مقاله اخیر که در آن قسمت‌های از آثار مبارکه نقل شده از سهمی که نسوان بهائی در شرق و غرب در خدمت بجا معاها یافا کرده اند تقدیر نموده اماء الرحمن شهدای عصر حاضر را تجلیل میکنند و خدمات سه‌فرمومتاز از نسوان جا معبدهای کانادا امده‌البها روحیه خانم، می ماکسول ما در حضرت روحیه خانم و ما ریون جک (Marion Jack) را تکریم مینماید.

۲- محفل روحانی ملی کانادا در نوا میر گذشته رساله‌ای درباره وحدت اقتصادی و دورنمای توسعه و ترقی کانادا که مورد توجه مخصوص حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله بوده و امر بهائی نقش مهمی در آن اجرا خواهد کرد تنتظیم و به هیئت مربوطه تقدیم میکند. درین رساله منظر آتیه کانادا که در آثار بهائی آن اشاره شده و اصول اجتماعی تعالیم مبارکه تشریح گشته است. موضوعی که در رساله مورد بحث جلب توجه نموده اینست که بهائیان معتقدند بومیان آمریکای شمالی نقش مهمی در ارتباط این نیمکره با ملل عقب افتاده ایفا خواهند نمود این رسالت ماما تحت عنوان "آتیه کانادا از نظر بهائی" طبع و نشر خواهد شد.

۳- اخیراً محفل روحانی ملی با چهار رسانه

دریکی از ممالک شرق وسطی- زیارت پیام بیت العدل اعظم مورخ ۲۷ آنونیه ۱۹۸۴ مشعر بر قلت عایدات صندوق بین المللی سبب شد که مومنین فداکاری های بی سابقه ابراز دارند نسوان جمعاً معادل چهار کیلو طلا لات خود را تقدیم کردند فروشنده سیا ری اتومبیل خود را در اختیار محفل روحانی گذاشت و برای کار خود اجاره کرده پوشش را صندوق میدارد. یکی از دوستان تما م موجودی حساب پس انداز همه عمر خود را تقدیم کرد. شخص دیگر نه فقط موجودی حساب پس انداز بلکه اضافه بر آن مبلغی با بهره قرض کرد و تقدیم نمود.

درسا مـوا - گروهی از جوانان بهائی در یکی از بلادهای متخصص در فنون وزرایت تشکیل داده در قراءة مجا و ربمساعدت و راهنمایی روستاییان همت گماشتند. در نظر محفل روحانی ملی این اقدام جوانان قدموثری در توسعه و ترقی امداد را میباشد فقط به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی روستاییان کمک میکنند لکه در تکامل فکری و روحانی آنان نیز موثر است.

در سیکیم - در محوطه مدرسه بهائی مجمعی عمومی از طرف یکی از انجمنهای ملی منعقد شده در آن نخست وزیر مستر بھانداری Mr. Bhandari برای هفت‌صد نفر حاضرین صحبت کرده‌اند خود را شریت نیک و موقعیتی که مدرسه بهائی در میدان تعلیم و تربیت دارد سخن گفته از حسن خدمت و محبت مدرسه بهائی تقدیر نمود. نکته جالب اینست که هر چند حسب المعمول در چنین مجا مع مشروب الکلی صرف میشود تشکیل دهنده‌گان غیر بهائی مجمع میدان نستند استعمال الکل مخالف قوانین بهائی است و متوجه بودند مشروب الکلی توزیع نشود و افراد مسست وارد جمع نگردند.

تحکیم و تکمیل ۴۰۰۰ عنفر مومنین جدید وظیفه سنگینی است که بعده مبلغین سیار در نقاط مختلف هندوستان خواهد بود.

قیام عاشقانه شش جوان بهائی در پرو منتج نتایج عظیمه گردید.

بعد از شرکت در مدرسه تا بستا نه که بقدوم ایادی امرالله کالیس فدرستون و قرینه مزین بودش جوان بهائی همراه یک عضو هیئت معاونت هفتادی تبلیغی در قسمت جنوبی پرو شروع کرده تا آنرا "پروژه ما رشا روت" گذاشتند. در مدت ۷ ماه روز جوانان در ۲۱ مرکز به تبلیغ و ترویج مرپرداختند و تشکیل شش محفل روحانی محلی کمک کردند ۱۸ و ۱۱ عنفر مومنین جدید تسبیح نمودند. نفر از جوانان محلی را داد و طلب تبلیغ کردند به تاسیس ده کلاس درس اطفال کمک کردند ۲۵ برنا مه را دیوا جرانمودند و شش مصاحبه در رادیو داشتند که یکی از آنها یک ساعت ادا مه داشت. در شانزده احتفال عمومی نقطه کردند و امرالله را به اولیای امور محلی ابلاغ نمودند. جلسات تکمیلی و جلسات عمومی برای جوانان بهائی و غیر بهائی ترتیب دادند. بعد از طی مسافتی معادل ۲۰۰۰ کیلومتریه مرکز مرا جعت نموده در محفل روحانی ملی کتب اتعهد کردن که یک سال خود را وقف تکمیل این پروژه بنمایند. آنچه این شش جوان را تشویق و تشجیع نموده بود خاطره گفتار و کردا رمت صاعدا الله مشاور محترم راول پادون Raul Pauon بود که نقشه های عظیمی برای فتح روحانی پرو طرح واجرا نمود.

ادا مه سفرزیا رت صلح مرفین تمپل یکی از روحانیون انگلیس -

جناب مرفین تمپل (Rev. Merlin Temple) یکی از روحانیون انگلیس در سومین روز سفر

مذهبی مسیحی و یهودی در اجرای برنامه مباخته عمومی در مسائل مربوط به انسرژی اتمی شرکت نمود. این برنامه که بسرا برآ نتویزا فکا رعمومی طرح شده با سه جلسه جدا گا شروع می شود که در آن اهمیت اخلاقی و معنوی خط مشی اتمی کانا دادرسه مورد: داخله کشور تجارت بین المللی و تسلیحات موضوع مباخته قرار میگیرد. در را پورت محفل روحانی ملی عبارتی بدین مضمون نوشته اند: "مشاهد احترام روزافزونی که جوا مع مذهبی دیگر نسبت بآئین بهائی قائلندما یه دلگرمی و امیداواری است بخصوص که برایشان مسلم شده که آئین بهائی و پیروان آن جنبه سیاسی و حزبی ندارند منظوراً اصلی ایجاد وحدت است و بعقیده ما مباخته مربوط بمسائل اتمی اگر در محیطی مثبت بین مردم پیش نمود باعث سوءتفاهم و اختلاف میگردد و ما برفع این علت که خدمت بعثت قادر هستیم".

در کارولینای جنوبی ایالات متحده آمریکا فرستنده رادیو بهائی Wlgi در دارالتعلیم لوئی گرگوری روز ۲۴ مه ۱۹۶۱ برنا مه خود را با پخش بیانیه ایادی امرالله ویلیا مسیر ز شروع کرد.

اقبال دسته جمعی نفوس با مردم هندوستان رو بیتزا یداست.

دو تلگراف و اصله از محفل ملی هندوستان یکی در ۲۴ مه و دومی در عز وئن که در مرکز جهانی مسربت بی پایان ایجاد کرد حاکی است که در ناحیه بهیند (Bhind) از ایالت مادیا پرادش Madhya Pradesh دفعه اول چهل هزار و دفعه دوم بیست و چهار هزار نفر دیگر در ظل امروز رشد نمود. این فتح و ظفر عظیم امرالله نتیجه نقشه تبلیغی است که تحت عنوان "طرح مهاجر" توسط لجنه تبلیغ ایات مادیا پرادش اجرا شده است. اکنون

زیارت خود برای صلح" وارد شهر کانتربوری Canterbury شده‌نگا مظہر دعا ای صلح توسط نمایندگان مذاہب و ملیت‌های مختلف از جمله بهائیان در کلیسا ای جامع خوانده شد و شب هنگام در مجلسی عمومی و پر جمعیت جناب مرفین تمپل درباره اختلافات مذاہب مسیحی در مورد صلح نطق کرد و بآ اشاره به جزویتی بهائی که در مجلس تمام وقت در دست داشت گفت تنها بهائیان را میتوان دید که پیروان دیانتی هستند با خط مشی معین برای صلح و اتحاد بشر و اظهار را داشت حضرت بهاءالله مسئله صلح را از ابتدای ظهورش نهایت اهمیت داد. بهائیان کانتربوری طی یک جهاد سمه با مشا رکت و همکاری کلیسا‌های محلی و سازمانهای صلح‌نما یشکتابی در کتابخانه دانشگاه و در شهر مجاور Ashland ترتیب دادند و به تمام آن نایه کتب بهائی اهداء کردند.

منتخباتی از احصایه جامعه جهانی بهائی - در رضوان ۱۹۸۴

تمام عالم	آفریقا	آمریکا	آسیا	اقیانوسیه	اروپا	
۱۴۳	۴۰	۲۷	۴۱	۱۵	۲۰	محافل روحانی ملی
۷۰	۲۲	۷	۲۴	۸	۹	محافل ملی تسجیل شده
۱۶۶	۵۱	۳۷	۲۵	۱۱	۳۲	کشورهای مستقل که مردم آن مستقر شده
۴۱	۵	۳	۱۶	۱۳	۴	کشورهای تحت الحمایه و یا لات خارج از مرکز
۲۷۸۸۷	۵۳۸۷	۵۷۶۴	۱۵۵۳۷	۶۰۸	۵۹۱	محافل روحانی محلی
۲۶۷۳	۷۱۲	۸۶۳	۶۹۰	۱۵۵	۲۵۳	محافل روحانی محلی تسجیل شده
۱۰۵۵۴۲	۲۹۰۳۸	۲۵۱۲۱	۴۶۱۰۵	۲۵۸۸	۲۶۹۰	مراکزا مری فتح شده
۱۴۵	۴۰	۴۷	۲۴	۱۵	۱۹	حظیره القدس‌ها ملی
۱۱۹	۳۶	۳۱	۲۲	۱۲	۱۸	اراضی مشرق الاذکارهای آتیه
۱۴۶	۴۰	۴۰	۲۹	۱۵	۲۲	موقوفات ملیه
۷۳۹	۲۴۱	۱۶۸	۱۶۸	۸۶	۷۶	السننهای که آثار بجهات بآ نترجمه شده
۲۱۱۲	۱۲۵۰	۳۴۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۲	قبا یل بومی نژادها واقوا مختلفه
۲۶۳	۵۹	۴۵	۱۵۴	۵	۰	مدارس خصوصی بهائی
۳۳	۶	۱۱	۱۵	۱	۰	مدارس رسمی بهائی
۳۰۵۲	۷۲۶	۸۲۲	۵۲۵	۲۱۵	۷۶۴	مهاجرین که در نقشه هفت ساله مستقر شده‌اند

روحانی مسا فر دروانت همراه خود تعداد کافی
کتب و آثار بهائی نیز همراه برد.

دریکی از ممالک شرق وسطی زیارت پیام
بیت العدل اعظم مورخ ۲۷ آنونیه ۱۹۸۴ مشعر بر
قلّت عایدات صندوق بین المللی سبب شد
که مومنین فداکاریهای بی سابقه ابراز
دا رندنسوان جمعاً معادل چهار کیلو طلا
آلات خود را تقدیم کردند فروشنده سیاری
ا تو مبیل خود را در اختیار محفل روحانی
گذاشت و برای کار خود را جاره کرده پوشش
را بصدق میداد. یکی از دوستان تمام
موجودی حساب پس انداد رهمه عمر خود را تقدیم
کرد. شخص دیگر نه فقط موجودی حساب
پس انداد زبلکه اضافه برآن مبلغی با بهره
قرض کرد و تقدیم نمود.

درساموا گروهی از جوانان بهائی دریکی
از بلادهایتھائی متخصص در فنون فلاحت و
زراعت تشکیل داده در قراءة مجاور بمساعدت
وراهنمایی روستاییان همت گماشتند. در
نظر محفل روحانی ملی این اقدام جوانان
قدم موثری در توسعه و ترقی امداد رسانی
میباشد فقط به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی
روستاییان کمک میکند بلکه در تکامل فکری
وروحانی آنان نیز موثر است.

درسیکیم در محوطه مدرسه بهائی مجمعی
عمومی از طرف یکی از انجمن‌های ملی
متعقد شده در آن نخست وزیر مستربه نداری
کردد. در نطق خود از شهرت نیک و موقعیتی که
در مدرسه بهائی در میدان تعلیم و تربیت
دارد سخن گفته از حسن خدمت و محبت مدرسه
بهائی تقدیر نمود.

تلاؤت مناجات و ادعیه بهائی در کلیسای معروف انگلیس

واقعه‌ای که جا معا بهائی انگلیس را بینها
مسور نموداین بود که در کلیسای معروف
وستمینیستر ابی west minister Abbey چهار مناجات بهائی تلاؤت شد. یکی از
روحانیون موسوم به جناب مرفین تمپل

Reverend Merfyn Temple عازم سفری بعنوان زیارت بود که مدت سه
ماه با دوچرخه دور بریتانیا گردش کند و پیر و
مذهب مختلف را تشویق نماید متحدا برای
ایجاد مصلح عمومی دعا کنند. و دریک وان
اعلامیه‌ها و جزوای مربوط بموضع برای
توزیع مجانی و کتب برای فروش همراه میبرد
روز حركت رئیس روحانیون و مدیر کلیسای
وستمینیستر مراسم شروع سفر را برگزار میکرد
و چون به عمومیت آئین بهائی واقف بود
پیشنهاد کرد بهائیان نیز در مراسم شرکت
نمایند. بعد از نطق افتتاحیه و سرودن آهنگ
"دعای صلح" توسط دسته سراندگان یک
دبستان دخترانه مناجات‌های بهائی تلاؤت
شد و قلوب چهار صد نفر حاضرین در کلیسا را که
در بینشان ۵۰ نفر بهائی بودند هتزا زورد.
بعد در ضمن پرگرام مناجات بهائی برای
وحدت ویگانگی همراه آهنگ موسیقی معروف
به "لالائی" که سازنده آن آهنگ ساز معروف
آلمانی براهمس (Brahms) میباشد با هم
صدائی جمع تلاؤت گردید مسرت بهائیان شاهد
این جریان از این جهت بود که هر چند ساقا
نیز آثار بهائی در کلیسا خوانده شده بود ولی
این اولین دفعه بود که صدای افراد غیر
بهائی در تلاؤت مناجات شنیده میشد. همچنین
بدستور مدیر کلیسای وستمینیستر رئیس
روحانیون عالی جناب ادوارد کارپنتر
Very Reverend Edward Carpenter

شرح یک سفر تبلیغی پنج روزه

روز جمعه صبح با تفاق دونفر که یکی عضو مصحف مقدس ملی و دیگری یکی از جوانان بهائی محلی بود بقصد تبلیغ به شهری بنا مکانی که تقریباً در چهار کیلومتری کامپی لا قرا ردا را دعیم است نمودیم پس از حرکت به اولین شهر بنا ماساکا رسیدیم برای ملاقات با احبابی تازه تصدیق به کالج این شهر فرته پس از ملاقات قرار یک جلسه تبلیغی را برای ۱۵ اروز بعد گذاشت به سفر ادامه دادیم پس از سه ساعت به دومین شهر بنا مبارا رسیدیم در این شهر دو ساعت اقامت داشتیم برای خرید بعضی لوازم ضروری به مغازه مرا جمعه نمودم صاحب مغازه از ملیت من سوال نمودیم و سیله باب مکالمه با زدمدت یک ساعت با حضور چند نفر دیگر که اغلب آنها مشتری بودند صحبت تبلیغی و معرفی دیانت بهائی گذشت جزو این تبلیغی بین آنها توزیع و صاحب مغازه تقاضا نمود در مرا جعت ازا و ملاقات نمائیم به سفر خود داده اند این نزدیک غروب به کاناله رسیدیم این جهار مین سفری است که به این شهر می‌نمایم لجه مخلل ملی تبلیغ این منطقه را بعده بند و یکی دیگر از مهاجرین که جوان و اهل کانادا است گذاشت که در اسفار قبلی تعداً دمسجلین و تازه تصدیق‌ها ما بالغ بر محدودی نفر می‌شوند این جوان بسیار مومن و فعال می‌باشد که این بند حقیر ازا و درس از خود گذشتگی و فدا کاری می‌آموزد پس از ورود بنا مسنه روزه را که قرار است در این شهر اقامت نمائیم تدوین نموده در این نشست که مدت یک ساعت و نیم بطول انجا میدردا و لین قسمت بربنا مه دعا داشتیم و توجه و توسل به آستان جمال مبارک در این برنا مه قرار ملاقات با چه اشخاص و تشکیل جلسات در کالج و ملاقات با روسای محلی روزاول اختصاص به ملاقات با دوستان بهائی مخصوصاً مصدقین جدید و در صورت نیاز بدوستان بهائی که مبتدی دارند روزاول تعداً دپا نزد نفر مبتدی داشتیم که افراد تازه تصدیق اطلاعات خود را تکمیل و آن ۱۵ نفر کارت تسجيلی را امضاء و تصدیق امر مبارک را نمودند روز دوم در دو کالج با اجازه رئیس کالج صبح و عصر جلسه تبلیغی داشتیم که درنتیجه تعداً دسی نفر تصدیق امر مبارک را نموده و کارت تسجيلی را امضاء واقبال به امر مبارک نمودند روز سوم به دهی که در چندین کیلومتری این شهر قرار دارد و تعداً دی بهائی تازه تصدیق داریم رفتیم و ضمن ملاقات با دوستان بهائی یک جلسه تبلیغی بسیار جالب در میدان ده که محل اجتماع اهالی است برقرار که ضمن معرفی امر که رئیس مدرسه ده بیز حضور داشت و طرف مکالمه سوال وجواب ایجاد شد که جلسه بسیار روح و پرشوری بودتا ساعت ۲ بعداً ظهر را داده و تعداً دی از اهالی ده به این مراقباً نموده و کارت تسجيلی را امضاء نموده و به دوستان بهائی محلی معرفی شدند و از آنجا به شهر مراجعت نموده و یک جلسه دعا تشکیل دادیم پس از دعا و مناجات به شما رش کارت ها پرداختند تعداً دکارت های جدیداً مضاء شده به شصت و هفت بالغ گردیدند را این جلسه بیان احبابی مظلوم و دوستان عزیزی که امروز در پس دیوارهای بلند زندانی در مهد اسلام بسر می‌برند و دعا و مناجات نشستیم با دلی شادبه شهیدانی که خون خود را در این اعلاه امرا عزابهی نثار نموده درود فرستادیم

گزارش سوین کنفرانس انجمن جهانی بهداشت

دشته دکتر امیل امیری
مقدمه از آغازی پرستی به زبانی

است که شفای الهی همد و همرا زگرد" ماما امروز آن مریضخانه و بیما رستا نهای بهائی بعد از آن و خیلی تأسیسات دیگر بهائی ایران را در اختیار نداریم ولی عشق و شور و ذوق و محبت بعالما نسانی را که از آنها با رث برده ایم در وجود خود عزیز میداریم . از پای نمی نشینیم و همه چیز خود از مال و شغل و جان را در طریق محبت الهی فدا و قربان می کنیم تا بالآخره جهان وحشت زده و سرگردان و بیما را آرام و ساکت سازیم . دوستان عزیز تا تاریخ انعقاد سومین کنفرانس انجمن تعداد زیادی از اطبای بهائی در ایران پس از سالها خدمت صدقانه و محبت میز به مردم وطن شان بقربانگاه عشق شتا فتن و شجره ا مرالله را با خون خویش سقا یه نمودند و چه جالب است بدانید که اولین انجمن جهانی بهائی بجهان است درست درست مقارن شهادت اولین نفر آنها صورت گرفت .

بهداشت و درمان را چه کسی مسئول است

عنوان بالاموضع اساسی کنفرانس بود که برای اولین بار خارج از کشور کانا دا با حضور یکصد و چهل و چند نفر از زیاده کشور مختلف جهان برگزار گردید . متخصصین و اهل فن بهداشت و درمان طی جلسات سه روزه که از ۲۶ تا ۲۷ فبرواری در دیتوبایچ فلوریدا - آمریکا منعقد بود نظرات و تجربیات و اطلاعات علمی و روانی و روحانی خود را با دیگران در میان گذاشتند . اولین مورد جالب کنفرانس تشکیل همزمان چهار رجل سه مختلف در دو میان شب اجتماع شرکت کنندگان بود که مسائل چهار رگانه زیر مورد بحث و مذاکره و تحقیق قرار

اجازه بدهید گذاش را بیا دان عزیزانی شروع کنیم که در مهدا مرالله تنها همه هستی و شغل و مال و کاشانه بلکه جان شیرین خود را نیز برای فدا و قربانی در راه حق و عزت و سعادت جا معه بشری على الخصوص می ردم کشورشان ایران میخواستند و جز پیشرفت و اعلاه ا مرحق و تعالیم جان بخش الهی و پیشرفت اخلاقی و فکری و بهداشتی و تربیتی ابناء بشر مقصدی و آرزوئی نداشتند همانها که امروز فرزندانشان چنان وفای بعهد الهی و ثبوت و رسوخ ایمانی در موطن مقدس حضرت بهاءالله شان داده اند که چشمیا روا غیار را در داخل و خارج ایران متغير ساخته است . از جمله آن عزیزان بیشماره تن اطبای بهائی در طهران دکتر محمدخان ، دکترا رسطوخان و دکتر عطاءالله خان بودند که برای اولین با در در تاریخ بهائی اقدام به تاسین بیما رستا نی بهائی در طهران نمودند و پورت مفصل آن در مجله بهائی نجم با خترشما ره ششم سال ۱۹۱۱ یعنی یکسال قبل از مسا فرت حضرت عبدالبهاء به دیا رغرب مفصل بغا رسی درجا است . خانم مودی مومنه ای از بلادغرب و دکتر یونسخان افروخته نیز باین گروه پیوستند و گروه خمسه مؤسسین را تشکیل دادند . در عرضه ای که بحضور حضرت عبدالبهاء تقدیم شده رجا نموده اند که ماده اول اساسا مه مریضخانه همت طهران اشی از قلم مبارک باشد و در جواب چنین مفترخر میگردند . قول هتعالی شانه ماده اول "چون در این قرن شاهد وحدت عالم انسانی در نهاد ملاحت و صبا حت در انجمن عالم جلوه نموده لهذا این مریضخانه بجهت بیما ران نوع انسان از جمیع ادیان تاسیس شده و هر مریضی که وارد این بیما رخانه گردد محترم است و میدچنار

نا راحتیهای دائمی در حین رویدادها غلبه کرد. دکتر عبدالمیثاق قدیریان استاد دانشگاه مک‌گیل باین مسئله مهم اشاره نمود که هر کس نه تنها باعوامل دنیای اطراف خود سروکار دارد بلکه با واقعیت وجودی و خصوصیات درونی خود نیز دارا ظماً در برخورد است و در این گیرودا ررعايت مواد و ملاحظه نکاتی را که میتوانند در موقعیت غلبه بر فشار اعصاب موثر باشند بیان داشت.

"چهار موارد روان پژوهی مثبت برای بهداشت و مسائل اجتماعی"

روان پژوهی دیگر دکتر نصرت پژوهیان از آلمان عنوان رساله‌اش بشرح فوق بود. ایشان این واقعیت را روشن ساخته‌که با وجود اختلاف و تفاوت در فرهنگها و عادات و نوع زندگانی مردم و با در نظر گرفتن آنکه هر شخص وضع و حالت و کیفیتی خاص خود دارد. معهدها مشکلات و سختی‌ها همه بصورت‌هایی بروز جلوه می‌کنند که برای جلوگیری و معالجه و مداوای آنها چهار روشی مثبت روان‌پژوهی وجود دارد که از جمله مهمترین آنها همکاری شخص مریض با طبیب معالج خود می‌باشد.

در طول کنفرانس مسائل مربوط به دوگروه اطفال و سالمدان مورد توجه همگان بود. خانم دکتر گیتی اعتماد معاون استاد دانشگاه فیلادلفیا و دکتر "ک" طاهری هردو متخصص بیماری‌های اطفال مسائل مهمی را بعرض اطلاع‌خواهی رساند که مورد توجه قرار گرفت.

خانم چین لیندزی متخصص روابط جمعی مربوط با رتباط‌سالمدان و بهداشت سالمدان مستلزم بهبود در وضع فعلی بهداشت سالمدان بود که یکسری تلاش قاطع و مثبت فوق العاده است. مخصوصاً تشبیث بوسائل و اسبابی که بتواند در رفع تصورات و توهمندی‌های منفی معموله در

گرفت. اخلاق و معنویت در بهداشت. سیستم تامین و ترویج بهداشت. تغذیه و بهداشت بهداشت جنسی.

کنفرانس با بیانات دکتر حسین دانش‌رئیس هیئت مدیره انجمن جهانی بهائی بهداشت و استاد دانشگاه‌آتا و اکشايش یافت. بیانات ایشان اشاره بموارد متعدد و مختلف می‌باشد بهداشتی از نظر دیانت بهائی بود که با خصار زمینه‌های جسمانی، روانی، اجتماعی، و روحانی را شامل بود. با رسمیت کنفرانس در طی جلسات متعدد جماعت نوزده رساله و مقاله توسط تهیه‌کنندگان ارائه گردید که از آن عده یا زده نفر از کادر پژوهی بودند.

"بهداشت روحانی جامعه"

خانم لیزا بتراچستر رساله‌اش تحت عنوان فوق بود، ایشان که متخصص امور اجتماعی هستند تعالیم‌بهائی و چگونگی امکان بکار گیری آنها را در زندگانی روزمره جامعه بهائی بکمال وضوح تشریح نمودند و مورد توجه قرار گرفت.

"ما در بهائی بینای نگذا ربهداشت واقعی"

عنوان مقاله خانم جانیس کوکرل بود. ایشان معاون استاد در دانشگاه ویرجینیا هستند. اشاره به مشکلات عمومی مادران شاغل و سنگین ترودشوا رتربودن وظیفه و مسئولیت ما دران شاغل بهائی از جمله نکات بر جسته رساله ایشان بود. زیرا یک ما در شاغل بهائی علاوه بر همه مسئولیت‌ها عمومی فعالیت‌های امری و وظیفه تبلیغ و تعلیم و تربیت اخلاقی و روحانی را نیز بعده دارد.

"غلبه برنا را حتیها"

دونوشه از دو متخصص روانی بصیرت و آگاهی فروانی میداد که چگونه میتوان بر فشار و

در زمینه توجه با طفال را که توسط سازمان یونسکو تهیه گردیده در معرض استفاده و ملاحظه خواه قرار دهد. اطلاعات مزبور در چهار گروه بدین شرح تنظیم شده بود.

۱- لزوم آشامانی دن ما یعنی اطلاعات با طفال بطور طبیعی از طریق دهان برای حفظ تعادل آب بدن آنها.

۲- اهمیت و ارزش مادی، روانی و عاطفی شیرما در.

۳- مصنوع سازی اطفال از طریق واکسنها

۴- رعایت و توجه جدی بوزن طفل مطابق فورمول معمول و حفظ تعادل آن.

فیلم و سلید و تیپ‌های مورد نمایش قبل از توجه فراوان بودند.

دکترا روین لوری مشاور و بهداشت جهانی اجرای یک پروژه در کشور آفریقا ئی گانه را که اوهمکارش دکترال نیومتن در آن مشارکت داشته اندیان داشت و مخصوصاً تاثیر اعتمادشان به تعالیم مقدسه بهائی در اجرای بهتر آنرا بخوبی تشریح نمود که مورد توجه بسیار بود.

"سیستمهای قدیم و جدید"

دکتر را برت مور و متخصص اطفال از کشور مستقل سلطنتی بود ائمذتب بوتان واقع در منطقه هیمالیا با نمایش اسلید موقتی های کشورش را در زمینه رعایت بهداشت و توسعه آن تشریح نمود. از نکات جالب مقاله ایشان آنکه مردم کشورش هم‌هایت لاماها یعنی روسای دینی و هم‌تجربیات و سنتهای حکیمان بومی و هم‌علم و اختراق و اکتشافات جدید غربی را برای توسعه بهداشت بصورتی که قبل اجرا و عملی باشد بکار می‌گیرند.

"روا بطر منبع شده از حقایق بهداشت"

عنوان مقاله مشترک دکتر خلیل خاوری استاد روانشناسی دانشگاه ویسکنیسین و دخترشان خانم کترین خاوری را تشکیل میدارد.

دوران سالم‌نده موثر باشد کمال اهمیت و لزومیت را دارد.

متخصص تغذیه خانم ایگن پیریچا ردتاثیر حیاتی وغیره قبل از کار تغذیه سالم و کامل را برای همه طبقات عمر در رسانه خود عنوان "بهداشت ابدی" داده و اطلاعات ذی قیمتی ارائه داد.

در تعلیم بهداشت مسئله مهم اقدامات پیش گیری قبل از ایجاد مشکل و مرض و اقدام فوری برای بررسی و شناخت هر تحول و تغییری را توسط دو متخصص تعلیم بهداشت تشریح گردید دکترا دواردبا رتلت مشکلات بهداشتی را که مردم این عصر با آن روبرو هستند ضمن رسالت خود تشریح نموده و تا کیدکردگه در تمام زمینه هایی که به رصورت و کیفیت بهداشت نقش واشری دارد باشد تحول و تغییری شگرف انجام گیرد و اصلاحات کلی بعمل آید.

"تعلیم و توسعه بهداشت"

دکتر ما رتنز در نوشته خود تحت عنوان بالا از اهمیت موضوع دفاع کرده و نوشته بود که همین امر تعلیم مردم را به مساعدت و همکاری عمومی فعالانه در پیش گیری و جلوگیری از ایجاد اراضی سوق میدهد و بهبود مزاجی و سلامت روحی و روانی عمومی را توسعه میدهد. اسلامی‌هایی که ایشان بنمایش گذرا دند تصویر زنده‌ای از مشکلات مردم جهان در مورد بهداشت را که صرفاً به سبب بی اطلاعی و بی‌علمی است ارائه میداده اقدامات اولیاء مسئول بعضی کشورها و اثرا تثبت آنها را نیز حاکی بود. نام برده اضافه نمود که برخورده جدی با مسئله تعلیم بهداشت مستلزم یک قیام تازه با یک روحیه جدید معنوی و اخلاقی است.

دکتروینکتور داروجوگوا ینکه در کادر پزشکی نیست معهدا در قسمت خود عنوان نماینده حامعه جهانی بهائی در سازمان ملل متحد موفق گردیده بود منابع و شواهدی عینی و گویا

ومرتبط گردد.

"جنبه‌بهداشتی اشتغال درجا معاًینده سال ۱۵۷ بدیع"

از جمله رسائل عنوان بالا باینده تعلق داشت که توسط دکتر جیمز تورپن و دکتر کریستین لنگوویسکی تهیه شده بود و موجب استقبال حضار گردید. نا مبردگان مواردی از غفلتها و بی توجهی ها در سیستم اجتماعی حاضرا که میتوان گفت دارای نقش عظیم در حفظ بهدا فردی و اجتماعی دارند بر شمردن که چند مورد آنها بدین شرحند، نوع کار و محل کار، خطرات احتمالی آنها، خستگی از کار و فعالیت، درجات موقتی های در کار روابا لآخره میزان رضا مندی از کار. آنها همچنین اضافه نمودند که در دوربها ای کار و کسب بمنزله عبادت قرار گرفته. لذا مابهائیان با یاد محیط کار خود را نیز روحانی نمائیم و در دائرة شغل و کار نیز مثل همه مراحل دیگر زندگی خود بفرموده حضرت عبدالبهاء با نیروئی خستگی ناپذیر تلاش و کوشش نمائیم تا عالم بشریت را بسوی مقام شرافت و اصالت حقیقی که در خورشاد او ست و برای آن خلق شده است سوق دهیم. دکتر بیل ساندرز ناطق دیگری شمای از تعالیم حضرت بهاء الله و تبیانات حضرت عبدالبهاء در مورد بهداشت و مدارا با استماع رسانندندواز بکار گیری آنها در کلینیک درمانی خود و اثرات حاصله از آنها بطورجا مع سخن رانده و حضار را مستفیض نمودند. در طول کنفرانش بطور کلی لزوم تعلیم همگانی بهداشت. رابطه مستمر بین عاملین مسئول و مردم وسیعی در پیش گیری امراض از جمله موادری بودند که موجب اتفاق نظرهمگان از متخصصین بهداشت و دیگران بودند و همه خود را در مسئولیت اجرای آنها شریک و سهیم میدانستند.

اظهار عقیده نمودند که بنابراین مدل معمول بهداشت بطور نسبی در دنیای غرب حال وقت آن رسیده که ما دید و نظر خود را وسعت دهیم و نتیجه جا معتبر و کمالی را مورد توجه قرار دهیم. نا مبردگان در تأثیر عقیده خودشان پیشرفت های اخیر در زمینه بهداشت روانی را مثال زندن که حتی تا پنج سال پیش طریقه قابل دوامی در زمینه را ثابت می داشتند. مواردی میانی تشکیل دهنده عصب مغز را نداشتند ولی امروزقا دریم آنها را در مغز زنده عکس بردا ری کنیم. پدر و دخترنا مبرده جدا معتقدند که نقش روحانیت و معنویت در دایره اماور بهداشت و درمان نیز باید مورد شناسائی قرار گیرد و آن جدا توجه شود. یعنی بهمان ترتیب که جسم مورد توجه قرار داده می شود بهداشت روحانی نیز باید مورد نظر باشد و پرونده وضابطه و رابطه ای داشته باشد و نه تنها با تحقق چنین امری است که ما میتوانیم افراد را بطور اصولی و اساسی وجا مع انسان کامل خطاب کنیم. نه در حالی که همه فعالیت های بهداشتی و درمانی متوجه جسم او باشد.

"مسائل اخلاقی در تحقیقات پژوهشی"

آقای نیل کرافدال عضو سیستم مهندسی در دانشگاه سینسیاناتی آمریکا دو موضوع مهم را که جای مده محققین پژوهشی با آن روبرو هستند در رساله خود که عنوان فوق را دارد گنجانده است. یکی فریب و تقلب در انتشار ایشان علاوه بر تشریح مسائل مربوطه طرق پیشنهادی موافق موازین و اصول اخلاقیات بهای را نیز اضافه مینماید و چنین نتیجه میگیرند که حل مشاكل در آینده تنها با کار آموزی و تعلیمات علمی بستگی ندارند بلکه ناچارند با موزش روحانی و اخلاقی کا ملامت کی

احبّار مصّور

خانم راکوئل دوکونستانت Mrs Raquel De Constante عضو محفّل روحانی پانا ما سیتی پا یتحت کشور پانا ما یک مجموعه از تمبر پست یا دبودکه عکس مشرق الاذکار پانا ما روی آن چاپ گردیده ازیکی از مقامات پست پانا ما دریافت میدارند (بطوریکه ترجمه آنرا در اخبار بین المللی ملاحظه فرمودید) این تمبرها یکی از سلسه تمبرهایی است که در چهار نوع بعنوان آزادی مذهب از طرف حکومت پانا ما منتشر یافته است.

در عکس مخصوص این مراسم جناب آلن پرینگل Alan Pringle و جناب وریسمو کاستلو Verismo Castello اعضای محفّل روحانی پانا ما سیتی نیز دیده میشوند





حضرت امته البهایادی امرالله روحه خانم با شاهزاده خانم گیانی Princess Geenaphi و رئیس جوہا نی دیا می نی در حلسه پذیرائی در بیت مبارک حضرت مولی الوری با فتخار گروهی از زائرین از سوازیلند.
نقل از اخبار بین المللی بهائی شماره ۱۳۴



گروهی از زائرین از سوازیلند در مقابل مقام اعلیٰ با حضور شاهزاده خانم گیانا (نفر دوم از دست چپ) و رئیس جوہا نیس دیا می نی که پشت سر شاهزاده خانم ایستاده است.

اخبار بین المللی شماره ۱۳۴ مارچ ۸۴



انجمن موسیقی اوراتوریو (Oratorio) موسیقی دینی باگفتار) بادسته سیمفونی شهر وینفیلد ایالت کاسای در آمریکا برای اجرای برنامه مخصوص یعنی نواختن آهنگ "ایلیا" (Elijah) (که مصنف آن آهنگ ساز معروف مندلسون (Winfield Kansas) میباشد) به حیفا آمده بودند و چهار ردفعه در اسرائیل برنامه اجرا کردند که یکی از آن ها در دامنه کرمل نزدیک مقام اعلی و غار ایلیا نبی بود و دیگری در مرور آکاقله جبل کرمل محلی که ایلیا نبی در مبارله با کشیش ها فاتح گشت روز ۱۷ آنونیه این جمع که شامل ۱۸۵ نفر بودا زطرف بیت العدل اعظم دعوت شده در تالار پذیرایی عمارت دارالتشریح توسط جناب همیوچنس (Mr. Hugh Chance) که عضو معهد عظمی و خود متولد شهر وینفیلد میباشد از ایشان پذیرایی بعمل آمد و بعد از گردش در حدائق وزیر ارت مقام اعلی راهنمایی شدند مها مانند شدیدا تحت تاثیر واقع شده عده ای راجع با مروت تحریبیات خود از مصاحبه با دوستان بهائی و یادیدار مشرا لاذکار آمریکا در ویلمت مذاکره کردند.



حضره القدس ملی بهائیان دومینیکا (Dominica) در دریای کارائیب در تاریخ ۱۹۸۳ یعنی بفاصله شش ماه پس از تاسیس مiful مقدس ملی آن جزیره که در تاریخ ۱۹۸۳ بوقوع بیوست در پایتخت آن کشور (روسو Roseau) (خریداری و افتتاح گردید و با این اقدام یکی از اهداف نقشه هفت ساله انجام شد. (ترجمه از اخبار بین المللی بهائی شماره ۱۳۱ هجری شمسی ۲۰۱۵ مبر)

نهمین کنفرانس سالانه مؤسسه مطالعات بهائی

سخنرانیها از سال ۱۹۸۵ برای نشان دادن اهمیت مطالعه تحقیقات تاریخی درا مر بهائی انجام گردیده است.

شرکت کنندگان در مسابقات مقاولات تحقیقی جوائز خویش را دریافت و مقاولات خود را ارائه خواهند شدند.

این جوائز از سال ۱۹۸۵ به برندهای سه گروه دبیرستانی - دانشگاهی و عمومی اعطای میگردد.

برنامه کارگاههای مطالعاتی:
روز یکشنبه چهارم نوامبر ساعت ۱۲ الی ۴
بعد از ظهر برگزار میشود. امیداًست شرکت کنندگان در این کنفرانس در مطالعه گروهی که امکان میدهد مبالغه نظرات در جمیع کوچکتری انجام گردد روزهای آخر هفته قبل از شروع برنا مدد درسترس شرکت کنندگان قرار خواهد گرفت.

جلسه مخصوص صبح روز شنبه سوم نوامبر جلسه‌ای تحت عنوان صلح و نظم بدیع جهانی منعقد و ناطق اصلی این جلسه جناب دکتر رودریگو کارازو Dr. Rodrigo Carazo از کشور کاستاریکا و رئیس دانشکده صالح سازمان ملل متعدد خواهند بود.

جناب دکتر حسین دانش رئیس هیئت اجرائی مؤسسه مطالعات بهائی نیز تحت عنوان نقطه نظرهای امر بهائی برای تحقق صلح بیاناتی ایراد خواهند کرد. ناطقین دیگر در این کنفرانس جناب دکتر شاپور را سخن‌گذاری می‌کنند. جناب دکتر مژاون مومن - جناب داگ مارتین جناب ویلیام هاچر خواهند بود.

برای اقامه مطالعات کنندگان هتل شاتولوریه (Chateau Laurier)

نهمین کنفرانس سالانه مؤسسه مطالعات بهائی تحت عنوان: دیدگاه حضرت شوقي افندی Vision of Shoghi Effendi از تاریخ دوم تا چهارم نوامبر ۱۹۸۴ در شهر آتاواپا یتخت کشور کانا دا برگزار میگردد. چهار رنگ از حضرات ایادی ام رالله علیهم بہاء اللہ جنابان: علی اکبر فروتن - ذکر الله خادم و جان ربان راز تزویج کتر علی ورقا در جلسات کنفرانس حاضر و با بیان مشاهدات و تجربه خود از تشریف باستان مبارک حضرت ولی ام رالله ارواحنا لعنایا تهالفدا حاضرین را محفوظ خواهند فرمود، ضمناً چند نفس محترم دیگر که موهبت زیارت هیکل مبارک نصیباً شان گردیده نیز خاطراتی بیان خواهند کرد و مقاله‌ای از جناب دیوید هوفر من عضو محترم بیت العدل اعظم الهی شیدالله ارکانه با عنوان نظرگاه حضرت شوقي افندی درباره نظم بدیع جهانی (Shoghi Effendi's Vision on the New World Order)

قراءت خواهد گردید.

رؤوس برنا مه کنفرانس غروب روز جمعه دوم نوامبر ۱۹۸۴ با یک جلسه معاشره و شواهد درساًلن تا بارت (Tabaret Hall) در دانشگاه اتاوا آغا زخواه دشدراین جلسه شرکت کنندگان فرصت خواهند داشت از بد و شروع کنفرانس با یکدیگر ملاقات و آشنایی حاصل نمایند. بلافاصله جلسه سالانه مؤسسه شروع و گزارش سالانه رائه و مشورت آزادبا هیئت احرائی مؤسسه انجام میگردد.

چهارمین سخنرانی از سری سخنرانیهای که بیاد ایادی ام رالله جناب حسن بالیوزی ترتیب داده شده است در بعد از ظهر روز دوم کنفرانس (شنبه) ایراد خواهد شد این

نـسـ

۲۶ دلار میباشد که در صورت عدم شرکت در کنفرانس
قابل استرداد نخواهد بود مگراینکه بجای
حق عضویت و یا استفاده از نشریات موسسه
حساب شود.

تمام پرداختهای خارج از کانا دا باشد با همان
ارقا مبا دلار آمریکائی صورت گیرد.

برای نگاهداری اطفال بین ۵ تا ۱۱ سال
پیش بینی لازم بعمل آمد و لی از نظرتا مین
 محل کافی اولیای اطفال باشد قبل از
 کنفرانس موضوع را اطلاع دهنده اقدام شود.
 برای اطفال کمتر از ۵ سال اولیای محترم
 با یادخودشان ترتیب لازم بدهند.

در این مورد نیز هرگاه اولیای اطفال قبل
 از پانزده هم اکثراً اطلاع دهنده ممکن است
 کمک و راهنمایی های لازمه معمول گردد.
 هزینه نگاهداری اطفال بین ۵ تا ۱۱ که قبل
 ثبت نام کرده باشد برای یک طفل ۳۰ دلار
 دو طفل ۵۰ دلار و از سه طفل برابا ۷۰ دلار
 است.

آدرس موسسه مطالعات بهائی ..

Association for Baha'i Studies
34 Copernicus Street
Ottawa, Ontario
K1N 7K4
Canada
Tel: 1-613-233-1903

در مرکز شهراتا و نزدیک به پالمان در نظر
 گرفته شده و پرخ تخفیفی اقامت در هتل
 بمناسبت کنفرانس ۷۴ دلار کا تا داعی در نظر
 گرفته شده است یعنی کنفرانس یا دونفره
 Single or Double Accompany و در موقع رزرو جا
 دوستان با یاد حتماً متذکر شوند که برای ده
 کنفرانس بهائی است تا از تخفیف لازم استفا
 نمایند. اگر تعداً دشکت کنندگانی که این
 هتل را برای اقامت انتخاب مینمایند
 به یکصد نفر بالغ شود هزینه استفاده از سالن
 و تاسیسات هتل برای کنفرانس تا پنجاه
 درصد مشمول تخفیف خواهد شد. بنا برای
 اقامت در این هتل کمک مالی مستقیم
 به موسسه مطالعات بهائی نیز خواهد بود.
 نفویکه نمیتوانند برای محل های مناسب
 دیگر با موسسه تماس حاصل نمایند.
 در خواست رزرو جا در هتل شاتولوریه باید
 مستقیماً به آدرس هتل که بشرح ذیل است
 فرستاده شود:

Hotel Chateau Laurier
Box 474 Station A
Ottawa, Ontario K1N 8S7
Canada

برای استفاده از بیست درصد تخفیف از بلیط
 مسافرت هوائی با تلفن (۸۰۰) ۴۷۰۴-۲۶۸
 موسسه C.P. Air مستقیماً تماس گرفته
 و با اشاره به کنفرانس بهائی در خواست صدور
 بلیط فرمائید.

میز ثبت نام برای شرکت در کنفرانس از ساعت
 ۷ الی ۱۰ بعد از ظهر روز اول نوا مبرد رخبار
 سالن Ball Room در هتل شاتولوریه
 و روز دوم نوا مبرا ز ساعت ۸ صبح به بعد در همین
 محل آماده کار خواهد بود. و رو دیه کنفرانس
 برای اعضای موسسه ۱۵ دلار و برای دیگران

احب ار کانادا

غرس درخت در روز شهادت حضرت رب اعلیٰ بیاد شهدای ایران در پارک معروف تورانتو

بمناسبت یکصدوسی و چهارمین سال روز شهادت حضرت رب اعلیٰ ارواحنا العظمه الفداء از طرف
جا معهبهایان تورنتو - کانادا در پارک معروف اگلینتون Eglinton Park تک درختی بطول
۲۵ پا بدست نماینده کمیسیون پارکها و مراکز تفریحی شهرداری تورنتو غرس شد که در این مرام
بیش از ۸۰ تن از احباب و غیر احباء شرکت داشتند.

خانم ناتسی اکرمن Nancy Ackerman از روابط عمومی دفتر محفل روحانی ملی بهایان
کانادا سخنرانی جلسه را بر عهده داشتندورئیس کمیسیون برکزاری دویستمین سال تاسیس
ایالت انتاریو به حضار مهاجر خوش آمدگفته و زاینکه در کشور اصلیشان موردنظریقات دینی قرار
داشند آنان را دلداری دادند. آنگاه پیا مشهدا ر تورنتو قرائت شدو سپس خانم لورا دیویس
اولین بانوی مومن با موالی در تورنتو بیلچهای از خاک برپایی درخت ریخت و بعد از آن پلاکی
با این مضمون "بیا دبود بهایان که در راه امر در ایران جان دادند" در قاب فولادی و در محل



مناسبت نص گردید.

در فردا روز بزرگزاری مراسم از جناب جان ربانی وزیر امور استغال تلگرافی با این مضمون
واصل شد:

"از اینکه دیر و مقدور نشد با شما باشم که با هم در مراسم پیا دبود شرکت کنیم عمیقاً متاسفم. در حالیکه
بعنوان افراد کانادایی سعادت آنرا داریم که از آزادی کامل دین و عقاید فردی برخوردار
باشیم، نباید کسانی را که بخاطر آئینشان تحت صدمات و تضییقات قرار میگیرند هیچگاه فرا موش
کنیم.

افتتاح اولین مرکز آموزش و تبلیغی یوکان

(گزارش از حفتم پوران بقایی)

بُوندَه

ای ثابت برمیشاق چون نیرآفاق اشراق بر شرق غرب نمود تقدیم دهیز ترک و هجیت
 و فرانس و هجیت و فرانس و آمریک داسید و فنیک لزیخن رفت شدیک و حدت عالمان نبرخاست
 آیینه شاهده میانی امیر شرق دست در آغاز غرب نموده خاور و جنوب سده دهیز شده بعید
 (از مکاتب حضرت عبدالبهاء)

آن اطلاع حاصل فرماید. از جناب حسین بنانی که از طرف محفل ملی کانادا بکارهای ساختمانی یوکان نظرت داشتند خواهش کردم که چگونگی محل را برای ما شرح دهند ایشان گفتندیکی از اهداف محفل روحانی ملی کانادا در نقشه هفت ساله تهیه مرکزی در یوکان بوداین منطقه با ۵۰۰۰ عنفر جمعیت ۵۰۰۰ عبایی دارد. بدین منظور زمینی در کنار Lake Labarge توسط خود بومیان تهیه و خریداری گردید و مجموع ساختمان این مرکز شامل ۹ ساختمان بمساحت ۱۲۵۰ متر مربع میباشد. ساختمان اصلی در وسط قرار دارد از درب ورودی که وارد می شوید به سرسرای هشت ضلعی قدم میگذارید "رقم ۸ برای سرخپوستان خوش یمن است" که در کتف آن در وسط ستاره ای ۹ پر نقش بسته است و بسیار رچشمگیر است از این سرسرای برای ناحیه خوری نیز استفاده می شود در دست راست کلاسها درس و دست چپ به تالار اصلی باز می شود که گنجایش پذیرائی ۱۵۰ نفر را دارد.

آشپزخانه بسیار مجهزی دارد که بخوبی از عهده پذیرائی احباب را در مدت سه روز برآمد در طبقه دوم کلاسها درس - کتابخانه - بهادری و محلی برای وسائل سمعی و بصری منظور شده است. در اطراف ساختمان هشت

خوانندگان بسیار رغزیز مجله عندلیب به مراد شما با رسفرمی بندیم و رهسپا ریوکان میشویم تا شاهد پیشرفت یکی از اهداف نقشه ۷ ساله بوده و با همدرد افتتاح اولین مرکز آموزشی بهائی در بین سرخپوستان که از تاریخ عتا ۸ جولای تشکیل گردیده بود شرکت کنیم دوستان عزیز آنچه که حضرت عبدالبهاء روح ما سواه فداه در لوح بالا ذکر فرموده اند ما به چشم خود دیدیم و از شدت شعف و خوشحالی فریادا طوبی بلند نمودیم. خدا یا مهند امرا لله کجا و قطب شمال کجا؟... طنین صوت مناجات در آن فضای باز و روحانی چنان اش رو جدا بیتی داشت که گفتندی نیست. عوالم محبت وصفا در همه چیز و همه جا مشهود و آشکار بود دنیا ای بود که با همه مقیا سهای دنیا مادی زمان ما فرق داشت. آنجا هنوز احتمال بزرگ و کوچکی منظور نمی شد. آنجا هنوز عطا فه و محبت و گذت معنی خودش را داشت. اتحاد و صمیمیتی که بین این بومیان وجود داشت کمتر بین اقوام دیگر دیده می شود. برخلاف برداشتی که از فیلمهای سینمایی داریم انسانهایی مهمان دوست - نظر بلند خوبنگرم و بیانی بندستهای قدیمی هستند. قبل از اینکه جلسه افتتاح بر رویم ابتدا با هم بتماشی ساختمان می رویم تا از چگونگی

۵- استفاده‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه
یوکان .

۶- تعلیم و تربیت معلمین جامعه‌بهائی .

۷- تعلیم و تربیت بومیان دریوکان .

۸- آموزش هنرهاي بومي و تهيه‌کارهای دستی هنرمندان بومی و کمک به آنها برای فروش .

۹- تشکیلات مجهر فیلم و موزیک که در آموزش سمعی و بصری استفاده خواهد شد .

و با لاخره از همه مهمتر هما نظور که منظور نظر بیت العدل اعظم الهی بوده است و در پیا می که دو سال قبل برای محفل روحانی ملی کانا دا رسال داشته اند خاطرنشان ساخته اند "که اهداف امری را با اهداف غیر امری تا جائی که ممکن است و شیوه نات امر اجازه میدهد مربوط نماید"

هنوز از فتتا حروزی نگذشته بود که نماینده دولت درا مور مربوط به بومیان ویکی از اعضای شورای یوکان بانمایندگان محفل ملی جلسه مشورتی مشترک تشکیل داده و نتیجتا تقاضا نمودند که بگروه مبارزه با الكل اجازه داده شود که از این محل بمنظور معالجه معتادان به الكل استفاده شود . زیرا این محل تا شهر دور است و برای بومیان دسترسی به الكل آسان نیست .

افتتا حرمی عصر جمعه عجولای

جلسه با تلاوت مناجات در حضور حضرات ایادی ا مرالله جناب دکتر علی محمدورقا و جناب جان ربا رتز شروع و سپس سرکار رخانم جین فیلی نماینده محفل روحانی ملی کانا دا ضمن عرض تشکر و خیر مقدم مهمانان رسمی را بدین شرح معرفی نمودند :

۱- حضرت ایادی ا مرالله جناب جان ربا رتز

۲- حضرت ایادی ا مرالله جناب دکتر علی محمد ورقا

۳- نماینده محفل روحانی ملی آلاسکا

کا بین ساخته شده است که از آنها برای خواهگان - حمام - دستشوئی - رختشوی خاوانی را استفاده می‌شود . این محل دارای چاه آب و موتور برق مستقل است که بعلت سرمای شدید زمستان دریکی از اطاق‌کهاد رزیرزمیں نصب شده است .

از ایشان سوال شده که مدت زمان برای این ساختمان صرف شده است ؟

آقای بنانی جواب دادند از روزی که اولین سنگ بنای این ساختمان بdest ایادی عزیز ا مرالله جناب جان ربا رتز گذاشده شدمد یک سال میگذرد ، البته با ید در نظرداشت که با وجود سردی هوا و کمبود وسائل ساختمانی در محل و صرفه جوئی بسیار در خرج کار مشکلی بود ولی همه مشکلات را پشت سرگذا رند و پشت کاروفعالیت خستگی ناپذیر آقای دیوید هدن David Hadden سرپرست ساختمان از طرف محفل ملی که حقیقتا شایان تقدیر میباشد و همچنین فدا کاری و جانشانی و کارداری دو مهندس جوان از مهاجرین بهائی ایرانی (جناب یدالله کاظمی و جناب فرشید امیرتبار) را نباید از نظر دوداشت : این خواست خدا و ندبود که آنها به کانا دا آمده و رهسپا ریوکان شوند .

تعریفی که دست اندر کاران این ساختمان از این دو جوان نمودند باید افتخار و سرافرازی ایرانی شرکت کننده در کنفرانس گردید .

ا شراین مرکزا موزشی دریوکان

۱- حظیرة القدسی بسیار زیبا و مجهز و آبرو مند

۲- محل تدریس کتب امری .

۳- در نظر جا معاشر بحیره ای یوکان ساختمانی زیبا و محکم بیش از استان دارد های دولتی .

۴- مرکزیت بخصوصی که ما بین جامعه کانا دائی یوکان و جامعه آمریکائی آلاسکا دارد .

پوشیده و از تما مزا بای آن صرف نظر نموده است . ایشان پیا محفل روحانی ملی آلاسکا را از حفظ قرائت و مستمعین حاضر در جلسه یک دل و جان اقرار به شخصیت او نمودند .

آنگاه پیا م بیت العدل اعظم الی که بدین مناسبت به یوکان مخابرہ شده بود تو سط خانم Sally Jackson اولین مومن بومی یوکان) قرائت گردیداین خانم از فامیل بزرگ جانی جانز John Johns میباشد که در حال حاضر تا پنج نسل بهائی شده و بیش از ۹۰۰ نفر از این فامیل در امریکا هستند .

ملعمن و مبلغین Sally زوج خادمی Ted and Joanie Anderson هستند که بلقب فاتحین مفتخر گشته اند . نامبردگان بهمراهی دوکودک خود بیوکان مهاجرت نموده و سالها از این قبیله با آن قبیله وازان شهر با آن شهر رفتند و نتیجه ای عایدشان نشد شب و روز دعا میکردند تا اینکه بعد از عسال صبر و تحمل اولین نفر از بومیان تصدیق امرالله نمود که همان خانم سالی جاکسون میباشد و وزنی است بسیار پرا نرژی فعال - خوش رو و شوب و روز مشغول بخدمت . از خوشحالی سرازپا نمیشناخت زیرا در حقیقت او اولین سنگ بنای جامعه مومنین یوکان میباشد .

تا لارا این مرکز زیبا بنا کنای ژکو Kinaaj-kwe میباشد . این مگذاری شد که در زبان محلی معنی خانم مهر با آن - زیبا - خوش قلب میباشد و البته این افتخار نصیب خانم Melba Loft یعنی (اولین مومن سرخ پوست کانا دای) گردید این خانم مسن بسیار رخوش صورت و خوش بیان ! است از سال ۱۹۵۳ که مومن شده است همیشه بخدمت امر مشغول بوده است . ملبا پس از تشکر لباس رسمی سرخی و سوتی خود را که نسل اندرونسل با رث میرسد تقدیم کرده بیا دگار

۴- نماينده دولت کانا دا دریوکان Mr. Douglas Bill

۵- شهردار Dr. Brannigan White Horse White Horse

۶- رهبر حزب لیبرال دریوکان Ron Veale
۷- معاونین شورای امور مربوط به سرخ پوستان یوکان

۸- کارگردان رادیو Colin Hoath CBC

۹- نماينده ملی کانا دا که سمت مهمانداری داشتند .

در این جلسه بیش از ۲۵۰ نفر از احباب حضور داشتند خانم فیلی پس از صحبت مختصری بنا م خدا و حضرت بهاء الله اولین مرکز آموزشی و تبلیغی بهائی را دریوکان افتتاح و آرزو کردند که زیر چتر نظارت و مراقبت دو محفل روحانی ملی کانا دا و آلاسکا این مرکز محل تعلیم و تربیت و خدمت و پذیرایی دوستان گردید و مادر مراکز دیگری در سراسر کانا دا شود . آنگاه برنا مدهای جالبی شا مل دکلمه - تلاوت الواح - سرودهای امری - رقص محلی کودکان و رقص مخصوصی بنا م خیر مقدم بسا گروهی از احباب آلاسکا بالا سهای مخصوص ا جراشده تحسین و تمجید همگان را برا نگیخت صبح روز شنبه جلسه با تلاوت مناجاتی بزبان محلی توسط یوجین کینگ

عضو محفل روحانی ملی آلاسکا شروع شد ایشان با وجود اینکه از دیده طا هری محروم ندولی از بصیرت کامل برخوردار نداشت از اطلاعات کافی و وسیع امری بوده و احاطه عجیبی به الواح مبارکه دارد .

در گفتگویی که با ایشان بعمل آمد اظهار داشتند که توسط همسر خود " (اولین مومن بومی آلاسکا) تبلیغ و با مردم بارگاه اقبال نموده " اوجین که متعلق به قبیله Tlingit میباشد سمت فرمانروایی در خاندان امور و امور شئونات ظا هری ترجیح داده از سمت خود چشم

در این مرکز حفظ شود.

.... پس از قرائت پیام معهد اعلیٰ اولین سخنران جلسه‌ایا دی عزیزا مرا الله جناب دکتر علی محمدورقا بودند که راجع به "موقعیت کنونی امر در دنیا و وظائف احبا" بیانات مبسوطی ایراد کردند و خاطرنشان ساختند که در عصر حاضر تعلیم و تربیت اطفال از اعظم وظائف والدین است و لحظه‌ای نباید غفلت کرد زیرا بنای آینده دنیا ای امر بست این جوانان و نوونها لان امروز بتاخوا هدش سپس نوار پیام ایا دی عزیزا مرا الله جناب ویلیام سیرز William Sears که بعالت کسالت نتوانسته بودند در جلسه شرکت نما یند پخش شدوا یشان از پیروزیهای امر در دنیا و از اثرات سودمندا این مرکز تبلیغی سخن رانده و گفتند آنچه که این بومیان با پیام حضرت بهاء الله جل ذکره اعلیٰ کرده اند تکان دهنده قلوب است.

تفاوت قومی از میان رفته وهمه مثل یک فا میل شده اند در آینده نور شعله‌ای که توسط آنها برخیزد چشمها را خیره خواهد کرد. روزی کشتبه ایا دی عزیزا مرا الله جناب جان ربا رتیز بشرح سفر خود بین بومیان یوکان اکتفا فرمودند که خاطراتی بس جالب و رزنده بود.

تقدیم‌هدا ای

از دیگر مرا سجالبی که جا دارد بعرض میرسد تقدیم‌هدا ایا است از جمله‌هدا ایا بسیار از نزد که مورد توجه همگان قرار گرفت هدیه محفل ملی کانادا بود. دو سال قبل در کانونشن بین المللی در حیفا جای یاران عزیزا عضای محفل روحانی ملی ایران خالی بود ولی آنها با تقدیم گل سرخی به ریک از محافل ملی دنیا این جای خالی را پسر نمودند، محفل ملی کانادا گل سرخ خود را درقا بی نصب و هنرمندا رجمند آقای سعادت

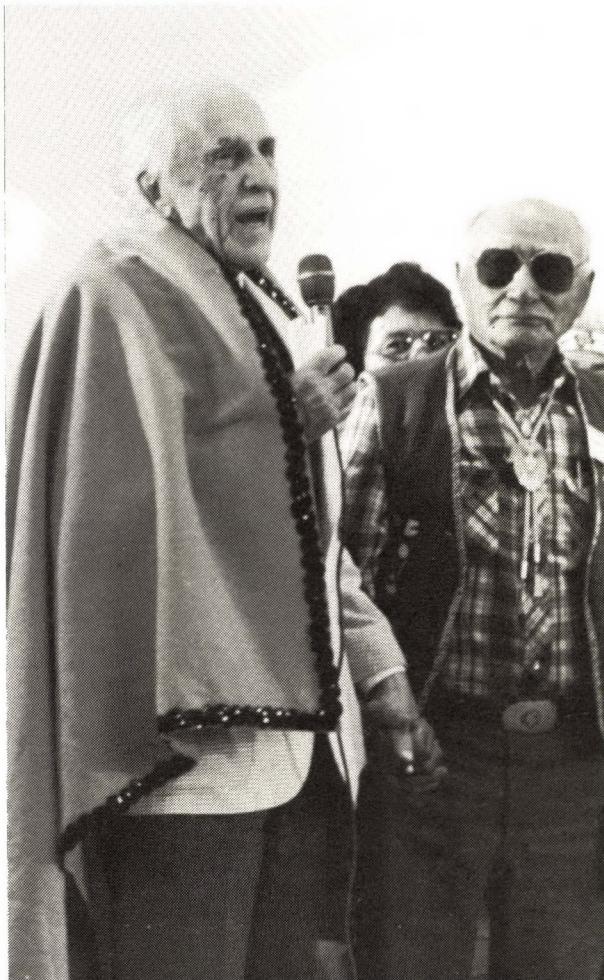
سعادت الله منجذب با خطی بسیار زیبانگاشته "هدیه محفل روحانی ملی بهائیان ایران به محفل روحانی ملی بهائیان کانادا" وا طراف این نوشته و گل سرخ را تذہبی بسیار عالی و قابل تحسین نموده بودند این هدیه کما لحاظ معنوی بسیار جالب و رزنده بود توسط نماينده محفل ملی روحانی بهائی تقدیم گردید.

هدیه دیگری که اشک به چشمها آورده تا بلوی اسم اعظمی بوده دیده دوفرزند شهید مجید جناب سعد الله با بازاده سیاسانی که توسط یکی از احبابی مخلص و مومن سیسا ن تقدیم شد. یکی دیگر از یادبودهای ارزنده پرچم یا بهی الابهی بود که ناشر نفحات الله آقای سیف الله موزون ۳۵ سال پیش بدست خود آنرا تهیه و در جمیع اسفار تبلیغی در ایران همراهان بوده است. که بیا دگا ربا این مرکز هدیه نمودند خانمی کانادائی شیشه کوچکی هدیه کرد و گفت ضمن مسافرت به ایران برای دیدار از نقااط تاریخی امری به زندان ما کورفت و مقداری از غبار محل مسجونی حضرت اعلیٰ روح ما سواه فداه را برای خود بیا دگا ر آورده است که تقدیم میکند.

روز مری ریتر قطعه‌ای شیشه از بیت مبارک حضرت بهاء الله در طهران که بیا دگا را زپدر مرحومش داشت تقدیم کرد.

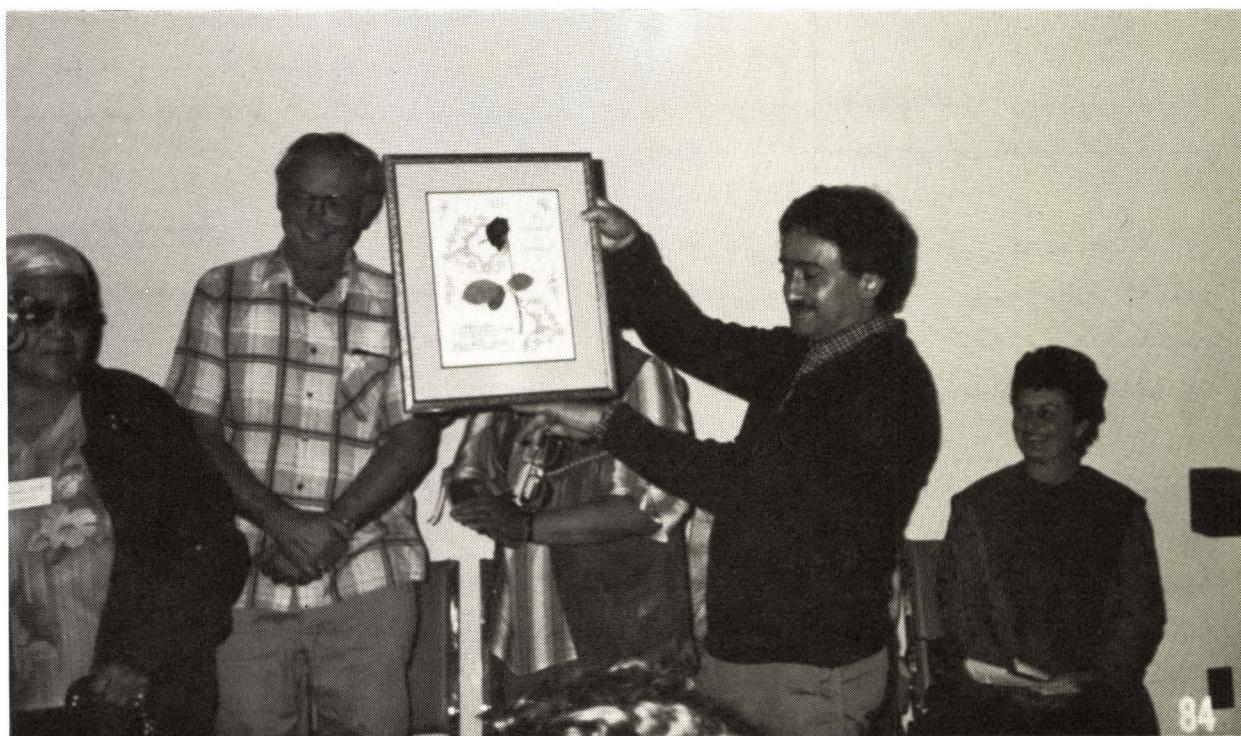
بچه کوچکی از بومیان در صرف هدیه دهنگان بود وقتی پشت میکروفون رسید ۲ دلاری که پول توجیبی خود جمع آوری کرده بود تقدیم کرد. این کودک خردسال میرفت تا درس فدا کاری بدستان بیا موزد.

اگر بخواهیم از لیست هدا یا سخن گوییم بقول معروف "مثنوی هفتاد من کاغذ شود". دوستان عزیز محله عندلیب: برنا مهها بسیار است و دیدنیها زیاد. آنچه که من دیدم و احساس کردم شاید خود مجله‌ایست لذا با آخرین خاطره زیبائی که از این مراسم در خاطر مانده است



به این گشت و گزا رخا تمه میدهیم وا زشمها
عزیزان به خاطرا ین همرا هی صمیما نه تشكر
میکنم .

در بین سرخپوستا ن مرسوم است شخصی که
دوست واقعی بوده و به آنها صمیما نه خدمت
کرده باشد به فرزبدی قبول میکنند و به او
اسمی از اسماء عزیزان از دست رفته را
میدهند و مراسم مخصوصی نیاز جرا میکنند
برای ایادی ام الله جناب جان
ربا رتر، تدجونی اندرسن که قبل از ایشان
ذکری بمیان آمدا ین مراسم را برپا کردند
که بسیار جالب و دیدنی بود و بعد همگان
رابه "رقص دوستی" که توسط خود بومیان
نواخته و جرا میشده دعوت کردند باید بود
و چشم خود تحقق و عده ها و آمال را میدیدند
همه دست در دست هم بر رقص و پا یکوبی پرداختند
همه دوست، همه برگ یکشا خسار، و آنجا بود
که **شرق دست "اعوش غرب ب نمیه
و خادر و هاشم" نامند حبیر شیفته میدیگر شده بیفڑ.**



کیت مسافت موفق تبلیغی در کانادا

دوشیزگان ایران حسامی و ورتا سخنورا زیاران ایرانی ساکن بریتیش کلمبیا با نظر لجهنه محلله ملی تبلیغ کانا دا مبا درت بیک مسافت تبلیغی نموده و دریوکان و خطه شمال غربی که سرددترین نقاط کشور کانا دا محسوب میگردند از تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۸۳ تا نهم زانویه ۱۹۸۴ از نقاط ذیل :

دریوکان از . واتسن لیک Watson Lake اپرلیارد Uperliard تس‌لین Teslin جکس کورنر Whitehorse Mayo وایت هورس Atlin آتکین Jakes corner کارکروس Carcross ما بو Mayo وایت هورس Oldcrow اولدکرو اینوویک Inovik دیدن نموده با احبابی الهی و مقامات محلی و مذهبی ملاقات و در رادیو و روزنامه درباره امرالله مذاکره و مصاحبه نموده و در جلسات تبلیغی با مبتدیان مذاکره و به نفوس مستعده کتابهای امری تقدیم نموده و گزارش مفصل سفر موفقیت آمیز خود را به لجنہ ملی تبلیغی کانا دا تسلیم نموده اند.

عندلیب - موفقیت دوجوان فعال و نورانی را از استان قدس الهی مسئلت مینماهیم و امیدواریم سایر جوانان عزیز نیز با یعنی دو خادم جوان تاسی نموده با یعنی قبیل مسافرتهای تبلیغی قیام فرمایند.





عکسهای فوق مربوط به افتتاح کنفرانس مرکز آموزشی و تبلیغی یوکان است

۱- آقای ناصرکا و بانی شعری از آقای دکتر بهرام افنان یکی از شهادی اخیر شیراز فرستاده‌اند
که دو بیت از آن بدین شرح است

بدورانی که خون ازلوله‌توب و مسلسل می‌شود جاری
زمنقار قناریهای افتاده فقط خونا به میریزه
به کشتن کشتن شمع و گل و پروا نه و ساق
دراین هنگام جان دادن چه رویای دل انگیزه

۲- آقای کیخسرو سفیدوش فتوکپی اعلامیه مورخ ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۱۵ خدا بخش رئیس را که از ردشتیان
ایرانی بوده بعنوان سندتا ریخی و اظهار رناظری کنفرز رددشتی درباره امر مبارک برای درج در
عندلیب فرستاده‌اند از ایشان ممنونیم اگرچه اعلامیه مزبور خالی از شائبه غرض و مرض و تا حدی
منصفانه نگاشته شده لکن خالی از اغلاط و استهباهاست تا ریخی نیست در موقع مقتضی موردا استفاده
قرار خواهد گرفت.

۳- آقای عباس ثابت مقاله‌ای بعنوان "توجه‌بزبان فارسی" ارسال داشته‌اند که از ایشان
متشرکیم.

۴- آقای نورالدین لقاوی دو قطعه شعر فرستاده‌اند که نمونه‌ای از اشعار مزبور را ذیلام لاحظه
می‌فرمایید:

ای حضرت عبدالبهاء من قطره‌ای مدریا توئی
من قایقی اشکسته‌ای مرهب رساحله‌ای توئی

ایضاً:

گوهربحر محبت دردوگیتی ما دراست
بین گوهرهای عالم از همه و الاتراست
در دو عالم به زما در نیست ولا گهری
ما در از هرگهری در منزلت بالاتراست

۵- آقای محمدعبدی مهرچها رقطعه شعر فرستاده‌اند که در شماره‌های آتی درج خواهد شد.

۶- آقای رضا جهانگیری شعری بعنوان با دخزان فرستاده‌اند که چند بیت آن ذیلادرج می‌گردد:

هنگامه بیا است که هر روز دیده
ای آنکه برد هدل وا زما رمیده
رقصی چنین میان میدان شنیده؟
ای دل بمان که رنج خزانها کشیده‌ای
این دل نه آن دلی است که دیروز دیده
یک شب بیا و بزم‌غم دل نظره کن
"یک دست جا مباده و یک دست زلف یار
با دخزان وزید و جهان چهره‌اش پرید

۷- جناب نصرالله عرفانی در نامه مورخه ۱۳ آگوست ۸۴ تذکراتی در موردیکی از اشعار مندرج در عندلیب باین هیئت داده‌اند ضمن تشکر از راهنمایی و تذکرات ایشان معروض میدارد هرگا هدربعضی از ابابیات اشعار شهدا و یا اشعار نفوسی که با احساسات هرچه‌تما متربه‌را به شهدا اخیر سروده‌اند الفاظی بظاهر ضعیف مشاهده شودا بین هیئت با توجه به معنی مذکوره در اشعار و احساسات پاک ولطیف سرایندۀ آن با وجود وقوف به نکته مزبور ازاندک اشکال شعری چشم می‌پوشد معاذلک تذکرات آن دوست عزیز در آینده مورد توجه قرار خواهد گرفت.

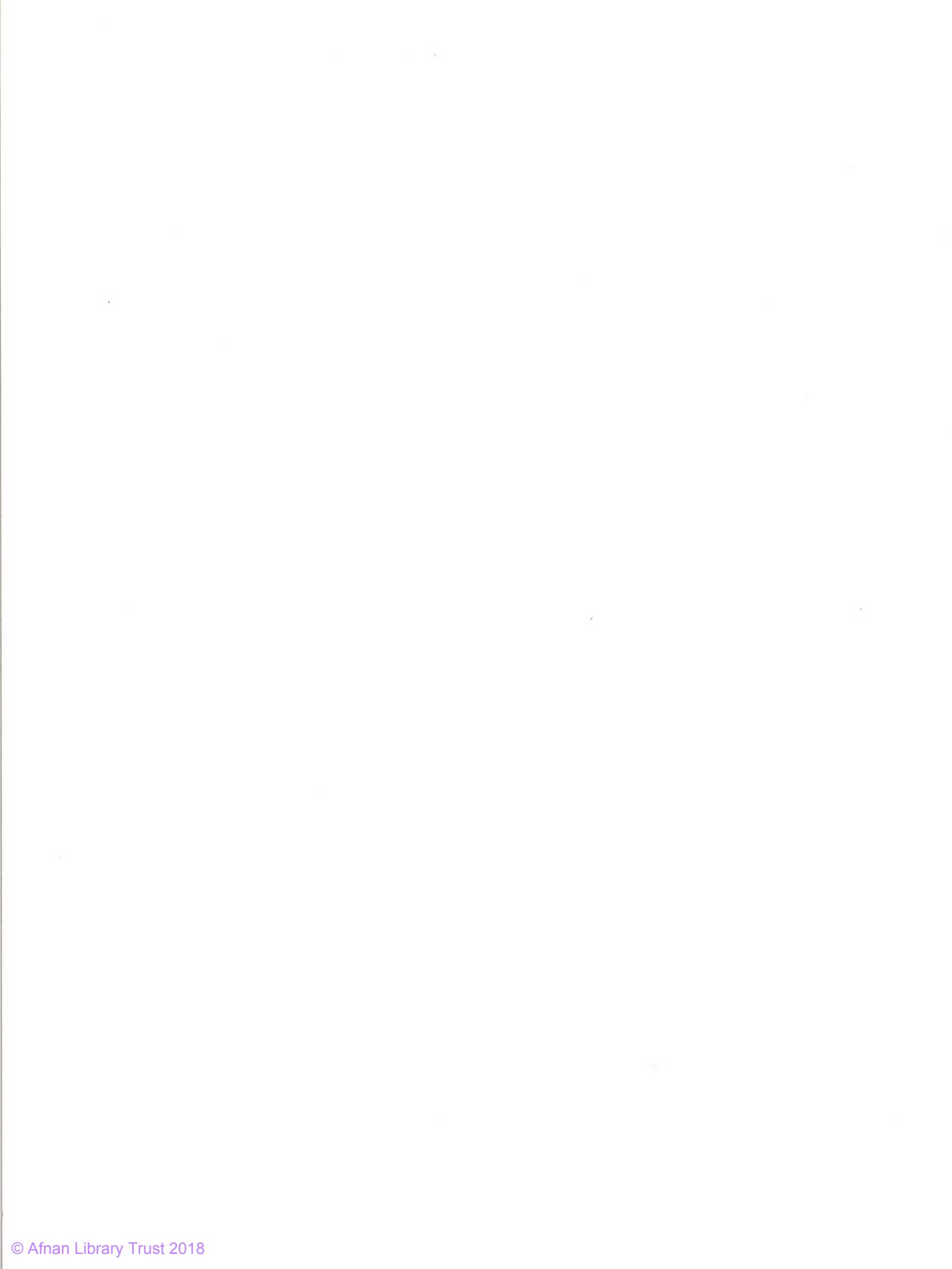
۸- سرکار خانم بهار زهرائی دو شماره مجله عنده‌لیب را بعنوان هدیه سال روز ازادواج فرزندانشان سهیلا و منصور آبونما نشده‌اند ضمن عرض تبریک سال روز ازداج آن عزیزان حسن انتخاب سرکار خانم زهرائی قابل تحسین است.

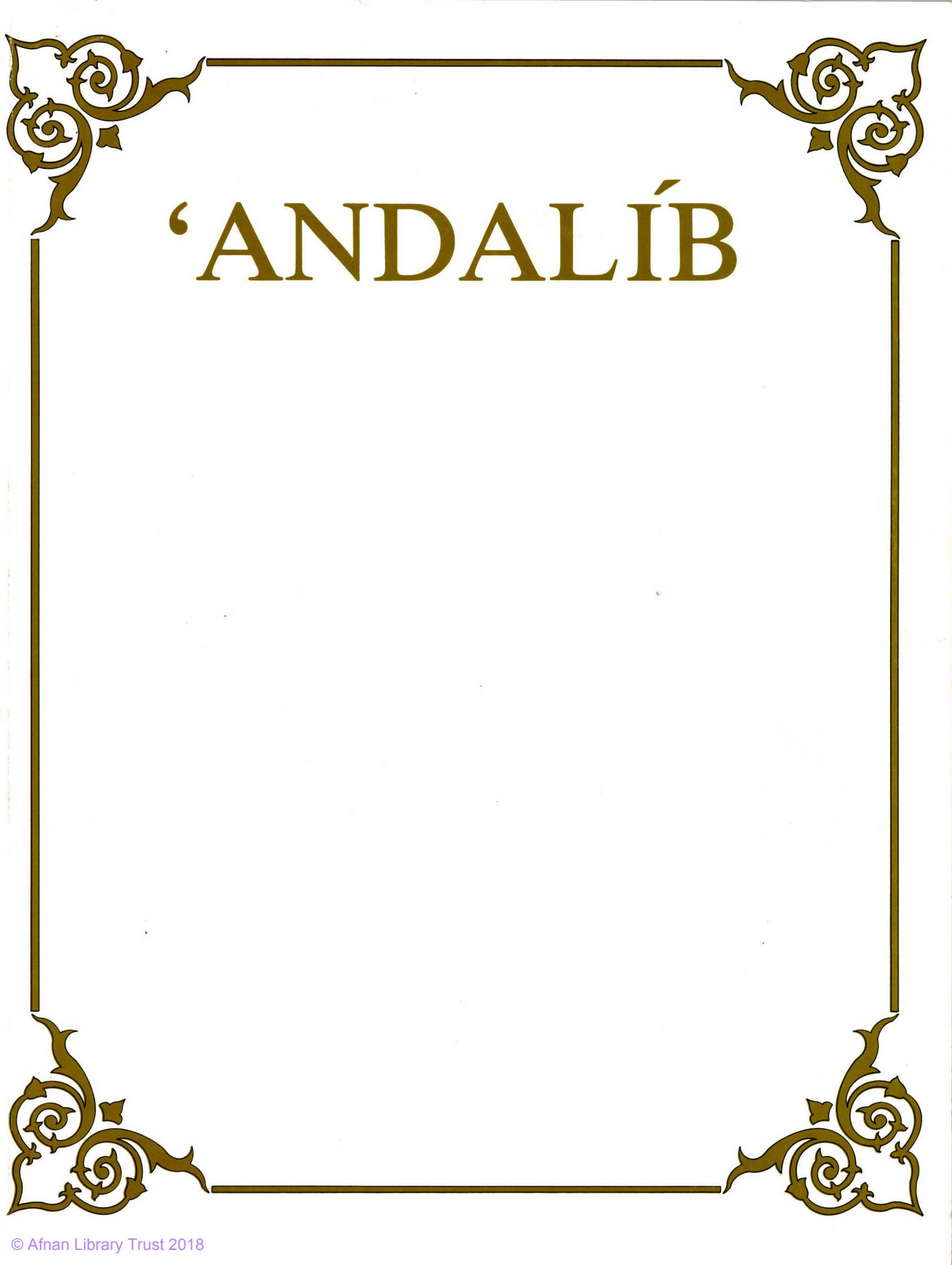
۹- خبری از بریتیش کلمبیا - آقای سهرا ب جیحون در نامه‌ای شرح یک پیک‌نیک تبلیغی در پارک معروف (Delta Peace Park) با یک قطعه عکس ارسال داشته‌اند که ذی‌لاملاحته می‌فرماید



از جمیع دوستان الهی تقاضا داریم که از مکاتبه با این هیئت و ارسال اخبار جالب محل خویش با عکس و تفصیلات و نیز نگارش مقالات ارزنده و سودمند برای عنده‌لیب مضا یقه‌نفرمایند.

هیئت تحریریه عنده‌لیب





‘ANDALÍB